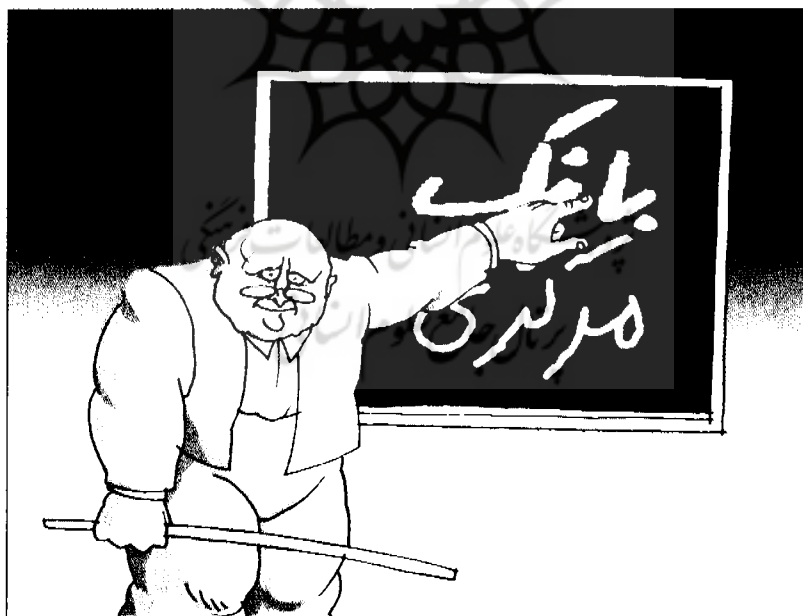


بانک مرکزی و نظام بانکی*

دکتر اکبر کمیجانی



هنر بانکداری مرکزی در طول زمان دستخوش تحول گردیده است، لیکن اصول و استحکام عملکرد آن عمدتاً بدون تغییر باقی مانده است. استفاده از واژه‌ی "بانکداری مرکزی" در فرهنگ دانشگاهی به اوایل قرن بیستم باز می‌گردد. واژه‌هایی از قبیل "بانک بانک‌ها"، "بانک خزانه" و "بانک

مرکزی در ایجاد ثبات مالی باشد. اهمیت جایگاه بانک مرکزی سبب گردیده است تا بسیاری از کشورها در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به تجدیدنظر در قوانین پولی و بانکی خود پردازند. طبق قوانین جدید، قدرت و استقلال بانک‌های مرکزی افزایش یافته و اثرات مثبت آن در اقتصاد این کشورها نمایان است.

بخش خارجی اقتصاد" نیز گه‌گاه استفاده شده‌اند.

بررسی قوانین پولی و بانکی کشورها نمایانگر آن است که بانک‌های مرکزی جایگاه عمده‌ای را در بازارهای پول و سرمایه‌ی کشورها دارند. با توجه به

مسئولیت بانک‌های مرکزی در ایجاد ثبات در نظام مالی کشور، نقش این بانک‌ها در مقابله با بحران‌های بانکی از اهمیت خاصی برخوردار است. چارچوب‌های قانونی، ساختار نهادی و توانایی مدیریت بحران می‌تواند نمایانگر موفقیت یک بانک

در ایران قانون پولی و بانکی کشور مبنای قانونی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است و دربرگیرنده‌ی وظایف، اختیارات و ارکان بانک مرکزی است. قانون مذکور که در تیر ۱۳۵۱ به تصویب رسید، گرچه در طول زمان اصلاحاتی در آن

صورت گرفته است، ولی به دلیل تحولات عظیمی که در عرصه‌ی بانکداری مرکزی و نظام بانکی در سطح جهان و در داخل کشور صورت گرفته تجدید نظر در آن ضروری است. از سوی دیگر بعد از گذشت ۱۷ سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و آشکار شدن نارسایی‌ها و نواقص آن، هم چنین توجه به الزامات قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، لزوم بازنگری در قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی پیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

در سال‌های اخیر تجدید سرمایه و تجدید ساختار بانک‌های ایران از جمله مباحث مهمی است که نظر صاحب‌نظران و کارشناسان بانکی را به خود جلب نموده است و مشارکت فعال بانک مرکزی را نیز در پی دارد. ایجاد اصلاحات ساختاری در شبکه بانکی کشور مستلزم طراحی نهادهای جدید است که بر فرایند مزبور نظارت کنند و از بروز بحران نیز جلوگیری نمایند.

در نوشتار حاضر پس از مروری کوتاه بر وظایف بانکداری مرکزی در جهان و ایران، برخی از مشکلات بانک مرکزی در ارتباط با قوانین پولی و بانکی کشور بررسی خواهد شد و پس از آن مشکلات شبکه‌ی بانکی کشور در زمینه‌ی افزایش سرمایه و هم چنین تجدید ساختار آنها مطرح خواهد شد.

وظایف بانک‌های مرکزی

وظایف بانک‌های مرکزی از زمانی به زمان دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. این وظایف به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند.

دسته‌ی اول وظایفی است که مستقیماً به اعمال سیاست پولی مربوط می‌شود. دسته‌ی دوم سایر فعالیت‌های بانک مرکزی را در برمی‌گیرد. وظایف مربوط به سیاست پولی عبارتند از: بانک بانک‌ها، مدیریت مسکوک و اسکناس‌های منتشر شده و بانک دولت. سایر وظایف عبارتند از: نظارت بر

بازارها و موسسات مالی، وام دهنده‌ی نهایی، اجرای سیاست ارزی شامل مدیریت و کنترل بازار ارز، نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی، واسطه‌ی مالی و مدیریت بدهی عمومی، عملیات شبه مالی مانند پرداخت یارانه به بخش‌های خاص و مشارکت در سهام موسسات مالی و غیره، بیمه‌ی سپرده‌ها و مشارکت در تسویه و تسهاتر. وظایف دسته‌ی اول یعنی "بانک بانک‌ها" و "انتشار پول رایج" منحصرأً به عملیات سیاست پولی مربوط می‌شود. در برخی از کشورها نقش "بانکدار دولت" نیز به وظایف سیاست پولی بسیار نزدیک است، هر چند که این نقش، وظیفه‌ی اصلی بانک مرکزی نیست. وظایف دسته دوم اگرچه همراهی نزدیکی با بانک مرکزی دارند لیکن کاملاً به عملیات سیاست پولی مربوط نیستند. البته میزان دخالت بانک مرکزی در برخی از وظایف دسته‌ی دوم می‌تواند استقلال سیاست پولی را افزایش یا کاهش دهد.

تاریخچه بانکداری مرکزی در ایران

تاریخچه بانکداری مرکزی در ایران

پس از تأسیس بانکداری ملی در ایران در ۱۳۰۴ (سال تأسیس بانک پهلوی قشون) تا سال ۱۳۲۵ مقررات پولی و بانکی مناسبی در کشور وجود نداشت. در این سال اولین مقررات بانکی تحت عنوان "تصویب نامه‌ی ناظر بر عملیات بانکی" تهیه و به تصویب هیئت دولت رسید.

در ۱۳۳۴، نخستین قانون بانکداری کشور به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسید و برای اولین بار قانون خاصی برای تشکیل بانک و عملیات بانکداری وضع گردید. هم چنین در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۳۹ لایحه‌ای با عنوان قانون بانکی و پولی کشور به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین وقت رسید و برای اجرای آزمایشی به مدت ۵ سال به دولت ابلاغ شد

که تا اوایل ۱۳۵۱ مبنای قانونی فعالیت‌های پولی و بانکی بود. گفتنی است که برطبق این قانون، بانک مرکزی ایران در ۱۳۳۹ تأسیس شد و وظایف بانکداری مرکزی که تا آن زمان برعهده‌ی بانک ملی ایران بود، به بانک مرکزی واگذار گردید.

در ۱۸ تیر ۱۳۵۱، قانون پولی و بانکی کشور به تصویب قوه‌ی مقننه رسید. قانون مذکور در مقایسه با قانون بانکی و پولی، از انسجام بیشتری در رابطه با وظایف بانک مرکزی برخوردار است. در حال حاضر این قانون در حدی که مغایر با قوانین جاری (قانون عملیات بانکی بدون ربا) نباشد، معتبر است.

بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ لزوم تجدیدنظر در نظام بانکی و قوانین مربوط به آن احساس گردید و در این رابطه لایحه‌ی قانون اصلاح قانون پولی و بانکی کشور در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ به تصویب رسید. در شهریور ۱۳۶۲ نیز به منظور حذف ربا از فعالیت‌های بانکی، قانون عملیات بانکی بدون بهره (ربا) به تصویب قوه‌ی مقننه رسید و به مرحله اجرای درآمد.

انطباق قانون پولی و بانکی کشور

با توجه به گذشت ۳۰ سال از تصویب قانون پولی و بانکی کشور، نارسایی‌هایی در این قانون وجود دارد که در این بخش به اهم آنها اشاره می‌شود.

۱- عدم انطباق ساختار بانکداری مرکزی

جمهوری اسلامی ایران

به موجب بند الف ماده‌ی ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بر اساس سیاست کلی اقتصاد کشور می‌باشد. ضمناً بند ب ماده‌ی فوق‌الذکر نیز هدف بانک مرکزی را حفظ ارزش پول و موازنه‌ی پرداخت‌ها، تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور عنوان

۱۳۸۱ (۱)		۱۳۸۰		۱۳۷۹		
سهم	معادل ریالی	سهم	معادل ریالی	سهم	معادل ریالی	
۲۰/۹	۷۷۷۶/۴	۵/۹	۱۸۷۲/۷	۵/۸	۱۵۷۹/۹	۱- طلا (شامل طلا در ایران و طلای تحویلی به صندوق بابت سهمیه ایران)
۰	۰	۱۲/۸	۳۲۳۷/۵	۱۲/۱	۲۵۷۲/۰	۲- ارز (۲)
۲۱/۵	۸۰۰۴/۱	۵/۲	۱۶۶۴/۸	۶/۱	۱۶۶۶/۱	۳- سهمیه و سهام ایران در موسسات بین المللی
۵۷/۶	۲۱۳۱۹/۵	۷۵/۰	۲۳۶۲۵	۷۵/۰	۲۰۴۶۰/۰	۴- اسناد تعهد دولت به وثیقه جواهرات ملی
۱۰۰	۲۷۲۰۰	۱۰۰	۳۱۵۰۰	۱۰۰/۰	۲۷۲۸۰/۰	جمع کل

ماخذ: ترازنامه بانک مرکزی، سال ۱۳۸۱.

۱- افزایش ارقام سال ۱۳۸۱ مربوط به اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز می باشد.

۲- از آنجا که تجدید ارزیابی اجزاء پشتوانه، صددرد اسکناس منتشره را پوشش داده است، گنجاندن ارز در پشتوانه سال ۱۳۸۱ موردی نداشته است.

کرده است. این نحوه شکل بندی اهداف بانک مرکزی موجب شده است که هدف های دیگری به جز حفظ ارزش پول مطرح شود. به خصوص در سال های اخیر با توجه به اهمیت بحث اشتغال و رشد اقتصادی، برخی از سیاست گذاران در طلب آن هستند که حتی با رشد بالای نقدینگی، رشد و اشتغال ایجاد نمایند. نظریه ها و مطالعات تجربی در سال های اخیر در کشورهای دیگر و ایران نشان می دهد رشد اقتصادی پایدار در میان مدت و بلندمدت مستلزم ثبات قیمت ها است. در برخی از قوانین پولی و بانکی جدید، حفظ ارزش پول مهم ترین هدف سیاست پولی و بانک مرکزی قلمداد شده است که لازم است در این مورد تعدیلاتی در قانون پولی و بانکی کشور ایجاد شود.

و بانکی کشور، بانک مرکزی مکلف است برابر صددرد اسکناس های منتشر شده همواره طلا، ارز و اسناد و اوراق بهادار به عنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد. امروزه با حذف استاندارد پایه طلا از سیستم پولی جهان، وجود پشتوانه امری ضروری نیست و توجه به آن صرفاً جهت جلوگیری از انتشار بی رویه اسکناس از سوی دولت ها است. در کشورهای پیشرفته از آنجا که اسکناس سهم کمی از کل حجم پول و نقدینگی را تشکیل می دهد و ورود و خروج سرمایه نیز آزاد است، پشتوانه به مفهوم مورد استفاده در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد و توان تولیدی آنها، پشتوانه ای اسکناس های منتشر شده به شمار می رود.

در این کشورها مقامات پولی با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور به انتشار اسکناس جدید اقدام می کنند، و در ضمن به

جای کنترل حجم اسکناس، به وسیله ابزارهای مختلف پولی که در اختیار دارند، مجموعه های پولی (Monetary Aggregates) را کنترل می نمایند. زیرا تحقیقات نشان می دهد که پول به مفهوم وسیع آن (M2) رابطه ای باثبات تری با متغیرهای بخش واقعی اقتصاد برقرار می کند. در نتیجه همان طور که ذکر گردید صرف کنترل حجم اسکناس که بخش اندکی از M2 را تشکیل می دهد، هدف مقامات پولی را در برقراری توازن بین حجم پول و حجم کالاها و خدمات تامین نمی نماید. در ایران هم براساس قانون پولی و بانکی کشور بانک مرکزی ملزم به نگاهداری پشتوانه در مقابل اسکناس های منتشر شده می باشد و تا زمانی که در قانون مذکور بازنگری به عمل نیاید، نگاهداری پشتوانه الزامی است. از سوی دیگر نظر به این که اسکناس سهم کوچکی از نقدینگی (پول به مفهوم وسیع) را تشکیل می دهد،

میلیارد ریال کاهش نشان داد. ولی در ماه‌های بعد این روند تغییر نمود و به سمت بهبود گرایش یافت. در هر دو مقطع زمانی مورد بحث، شبکه‌ی بانکی کشور تنها با کمک‌های بانک مرکزی قادر به ادامه‌ی فعالیت گردید. لازم به ذکر است حمایت بانک‌های مرکزی و دولت‌ها در شرایط وقوع پدیده‌ی بحران بانکی صرفاً مختص نظام بانکی دولتی یا بانک‌های ضعیف نیست و برای هر بانکی و در هر نظامی می‌تواند مطرح گردد.

نظر به این که استاندارد پولی کشور، استاندارد پول کاغذی اداره شده می‌باشد و استاندارد طلا دیگر وجود ندارد، لذا تعریف رسمی نرخ طلا به ریال ضرورتی ندارد. براساس بند "ب" ماده‌ی یک قانون پولی و بانکی کشور یک ریال برابر ۰/۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است. براساس این نرخ قیمت یک سکه بهار آزادی حدود ۷۴۰ ریال خواهد بود که با قیمت رایج سکه در بازار به هیچ وجه سازگاری ندارد. گفتنی است که براساس دستورالعمل تهیه‌ی آمارهای پولی و بانکی که توسط صندوق بین‌المللی پول به کشورهای عضو توصیه می‌شود، نحوه‌ی ارزیابی طلا به عهده‌ی دولت‌ها و اگذار شده است. دولت‌ها می‌توانند براساس نرخ رسمی، نرخ بازار یا هر نرخ دیگری که مناسب تشخیص می‌دهند، طلا را ارزیابی و در حساب‌های خود منظور نمایند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین گام در راستای حذف بهره از عملیات بانکی کشور، کاهش نرخ بهره بود. این امر براساس مصوبه‌ی ۳ دی ۱۳۵۸ شورای پول و اعتبار صورت پذیرفت. ضمناً عبارت "نرخ بهره" به عبارات "حداکثر کارمزد دریافتی" و "حداقل سود تضمین شده" تغییر نام پیدا

سازگاری چندانی ندارد. برطبق قانون مذکور، پرداخت مبلغی روزانه حداکثر ۲۰۰ هزار ریال برای ایام تخلف یا ممنوع ساختن بانک از انجام بعضی امور بانکی به‌طور موقت یا دائم از جمله مجازات‌های انتظامی است که برای بانک‌های متخلف در نظر گرفته شده است. با توجه به دولتی بودن بانک‌ها، لازم است با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها، انواع مجازات‌ها را متناسب با نوع تخلف طراحی نمود.

به موجب بند ۴ ماده‌ی ۱۳ قانون پولی و بانکی کشور بانک مرکزی مجاز است نسبت به تنزیل مجدد برات‌ها و اسناد بازرگانی کوتاه‌مدت بانک‌ها^۲ و دادن اعتبار به بانک‌ها با تامین کافی اقدام نماید. لازم به ذکر است وقوع نوسان‌های سیاسی و اقتصادی در سطح داخلی و حتی بین‌المللی می‌تواند نظام بانکی کشور را با شوک‌های اساسی روبرو نماید. در ایران نیز با اولین ضربه‌های ناشی از گسترش انقلاب اسلامی (اواسط سال ۱۳۵۷)، بانک‌ها به‌رغم کمک‌های بانک مرکزی، به دلیل هجوم سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌ها، تا مرحله‌ی توقف و ورشکستگی پیش رفتند، به‌صورتی که از شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ حدود ۲۹۵ میلیارد ریال از مانده‌ی سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌ها کاسته شد و هم‌زمان با این کاهش، حدود ۴۱۲/۵ میلیارد ریال به اسکناس و مسکوک در دست اشخاص افزوده شد. بانک مرکزی طی مهر تا بهمن ۱۳۵۷، ۱۷۷ میلیارد ریال به بانک‌ها کمک نمود که این رقم حدود دو برابر حساب سرمایه‌ی بانک‌های مذکور بود.

در ۱۳۵۹ نیز شروع جنگ تحمیلی سبب هجوم سپرده‌گذاران به بانک‌ها برای برداشت سپرده‌ها گردید، به طوری که طی سه ماهه‌ی منتهی به آبان، سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌های تجاری معادل ۲۱۰

لذا سیاست‌گذاران پولی هر ساله هدف رشد نقدینگی را تعیین می‌کنند و با ابزارهای پولی سعی در کنترل نقدینگی می‌نمایند. در جدول شماره ۱ اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی پشتوانه‌ی اسکناس منتشره در طی سالهای ۸۱-۱۳۷۹ بیان گردیده است.

به موجب بند "ب" ماده‌ی ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور وظیفه‌ی نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری به عهده‌ی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. لازم است به ذکر است تدوین سیاست‌های پولی و مسئله‌ی نظارت بر چگونگی رعایت مقررات ابلاغ شده به بانک‌ها، یکی از وظایف مهم بانک مرکزی است. زیرا بانک‌ها در هر جامعه، علاوه بر آن که تنظیم‌کننده‌ی عمده‌ی نظام پرداخت‌های جامعه به شمار می‌روند، از طریق اعطای تسهیلات قادر به ایجاد (خلق) پول هستند. تخلفی بانک‌ها از ضوابط و مقررات سبب می‌گردد تا منافع ملی با خطر مواجه شود. جلوگیری از انتقال اثرات زیان‌بار مشکلات بانک‌ها به بخش‌های دیگر اقتصاد از دیگر مواردی است که اهمیت نظارت بر بانک‌ها را روشن‌تر می‌سازد.

براساس بند "ب" ماده‌ی ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور، نظارت بر امور بانک‌ها و موسسات اعتباری جزء وظایف بانک مرکزی به‌شمار می‌رود. لیکن عملاً همه موسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت نمی‌نمایند. لازم به ذکر است که مشکلات موجود در رابطه با صندوق‌های قرض‌الحسنه (یکی از انواع موسسات اعتباری غیربانکی) و نحوه‌ی تشکیل این موسسات و اخذ مجوز آنها برای فعالیت از مشکلات نظام پولی و اعتباری است.

شیوه‌های تنبیهی در نظر گرفته شده برای بانک‌های متخلف در قانون پولی و بانکی کشور با معیار و شرایط فعلی

تجربه‌ی بانکداری خصوصی در ایران*

دکتر پرویز عقیلی کرمانی



اقتصاد دولتی - عاقبت اقتصاد دولتی برای همه روشن است. فقر و بدبختی، فروپاشی و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی که نماد اقتصاد دولتی بود و روزی در فتح فضا و فناوری از غرب پیشرفته‌تر به نظر می‌آمد عاقبت فرارسید. پس از فروپاشی برای

میلادی در هر انقلابی رخ می‌داد، بقیه‌ی اقتصاد ایران نیز دولتی گردید تا آنجا که تقریباً کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها و بیمه‌های کشور دولتی شدند. بانک‌های دولتی به صورت دولتی باقی ماندند و بانک‌های خصوصی دولتی شده در قالب بانک‌های نوپدید دولتی ظاهر شدند. البته همان‌طور که گفته شد،

دولتی سازی تنها مختص بانک‌های کشور نبود بلکه بخش وسیعی از صنایع خصوصی کشور نیز دولتی شدند. تفکر دولت سالارانه‌ی انقلابیون به علت جنگ ایران و عراق شدت یافت. شرایط خاص کشور در زمان جنگ عده‌ای از سیاست‌گذاران کشور را متقاعد کرد که اقتصاد دولتی می‌تواند مملکت را از بحران نجات دهد، به همین خاطر روند دولتی‌سازی ادامه یافت، به طوری که عملاً ساختار اقتصاد ایران در خاتمه‌ی جنگ شبیه کشورهای سوسیالیستی دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی شده بود.

مدتی بالاترین درآمد صادراتی روسیه بعد از نفت، شامل صدور دختران روسی بود که به اروپا و خاورمیانه و سایر نقاط می‌رفتند. وضعیت اروپای شرقی و سایر اقتصادهای دولتی بهتر از روسیه نبود. باید توجه داشت که حدوداً سه چهارم اقتصاد ایران در قبل از انقلاب دولتی بود. شرکت‌های بزرگی مانند شرکت نفت، گاز، هواپیمایی ملی، سازمان گسترش، کشتیرانی و ... همگی دولتی بودند. پس از انقلاب به دلیل شرایط خاصی که بر کشور حاکم شد و تقلید از آنچه در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰

که برای گرفتن پاسخ از این بانک‌ها مجبور بودم از دویی به هندوستان بروم و پس از بحث و گفتگو پاسخ تلکس را دریافت کنم. فکر انتشار مجله‌ی اقتصاد ایران از آنجا شروع شد که برای گرفتن مجوز تاسیس بانک در حال گفتگو با بانک مرکزی بودم اما افرادی در این بانک اعتقاد داشتند ایجاد بانک‌های خصوصی برای اقتصادهای غربی خوب است. زمانی که در مقاله‌ای خواندم که هندوستان هم در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ شروع به خصوصی سازی سامانه‌ی بانکی‌اش نمود فکر کردم اگر ما مجله‌ای در ایران داشتیم که ترجمه این مقاله را چاپ می‌کرد، دیگر آنها نمی‌توانستند چنین حرفی بزنند. تا آنجا که اطلاع دارم امروز از ۲۵ تا ۱۰۰ درصد بانک‌های دولتی هندوستان خصوصی شده‌اند و به بانک‌های خارجی هم اجازه داده شده است که در هندوستان فعالیت نمایند.

در چین چهار بانک بزرگ شامل بانک صنعت و تجارت چین، بانک چین، بانک ساختمان چین و بانک کشاورزی مجموعاً ۶۷٪ سپرده‌ها و ۶۱٪ تسهیلات اعطایی سامانه‌ی بانکی کشور را دارند. تسهیلات معوق این چهار بانک بنا به نظر خود دولت معادل ۲۹۰ میلیارد دلار یا ۲۳٪ جمع تسهیلات آنها است ولی کارشناسان مستقل این رقم را نزدیک به ۳۴٪ پرتفوی تسهیلات چهار بانک می‌دانند. به هر صورت کارشناسان معتقدند که اگر مثلاً ۲۵٪ تسهیلات معوق برگشت شود و نرخ کفایت سرمایه حتی ۳٪ باشد نه حتی ۸٪ بین‌المللی، هزینه‌ی تجدید ساختار این چهار بانک معادل ۲۵۰ میلیارد دلار یا ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی چین می‌شود. از طرف دیگر اگر قرار باشد که بانک‌های ایالتی و بانک‌های تعاونی و غیره نیز تجدید ساختار شوند شاید هزینه‌ی بازسازی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار یا ۴٪ تولید ناخالص داخلی چین شود. به هر صورت بعید است که چین بتواند در این مقطع سامانه‌ی بانکی‌اش را تجدید ساختار نماید.

بانکداری دولتی در ایران قبل و بعد از انقلاب

هرچند قبل از انقلاب تعداد بانک‌های خصوصی به مراتب بیش از بانک‌های دولتی بود ولی احتمالاً جمع ترازنامه‌ی بانک‌های خصوصی کم‌تر از ۴۰٪ ترازنامه‌ی سامانه‌ی بانکی بود. البته همه‌ی بانک‌ها پس از انقلاب دولتی شدند و پس از ادغام به شش بانک تجاری شامل بانک‌های ملی، صادرات، سپه، ملت، تجارت، و رفاه و چهار بانک تخصصی شامل بانک‌های مسکن، صنعت و معدن، کشاورزی و توسعه‌ی صادرات تبدیل شدند.

بانکداری خصوصی دهه‌ی بعد از انقلاب

مؤسسات اعتباری غیربانکی - زمانی که کارشناسان عالی رتبه‌ی بانک مرکزی با هدایت مرحوم نوربخش به این نتیجه رسیدند که بانکداری دولتی پاسخگوی احتیاجات اقتصادی کشور نیست، با استناد به مفاد قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ۱۳۵۱ و

تفکر دولت سالارانه‌ی به جا مانده از دوران انقلاب و جنگ نیز پس از اتمام جنگ بسیار قدرتمند بود. به طوری که بسیاری از سیاست‌گذاران اقتصادی هنوز هم دولت را به عنوان تنها مرجعی می‌شناختند که می‌تواند در اقتصاد تحول ایجاد کند و باعث رشد و پویایی اقتصاد شود. اما واقعیت‌ها چیزهای دیگری می‌گفتند. آمار و ارقام رسمی حکایت از وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی می‌کرد و نشان می‌داد که راهی را که طرفداران اقتصاد دولتی به آن معتقدند درست نیست.

بررسی برخی از شاخص‌های اقتصادی در سه مقطع (۱۳۵۷-۱۳۵۰)، (۱۳۶۸-۱۳۵۸) و (۱۳۷۸-۱۳۶۸) نشان می‌دهد که اقتصاد دولتی چه بر سر کشور آورده است. اگر سه شاخص "رشد اقتصادی"، "درآمد سرانه" و "تورم" را معیارهای رفاه اقتصادی بدانیم، کارکرد اقتصاد دولتی روشن می‌شود. متوسط رشد اقتصادی به نرخ‌های ثابت در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ حدود ۷ درصد می‌باشد در حالی که این رقم در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۸ حدود ۱/۴ درصد و طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ نزدیک به ۵ درصد است. متوسط نرخ تورم (شاخص ضمنی) در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ حدود ۱۲ درصد است در حالی که این رقم در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ حدود ۱۹/۵ درصد و در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۸ نزدیک به ۲۶/۵ درصد بوده است. از طرفی درآمد سرانه طبق آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۷۸ تقریباً ۷۰ درصد کم‌تر از سال ۱۳۵۶ شده بود.

تمامی شاخص‌های فوق گواه آن است که با دولتی شدن اقتصاد طی سال‌های گذشته نه تنها وضعیت کشور پیشرفت نکرده است بلکه درآمد ایرانیان کم‌تر شده و قدرت خرید آنان به واسطه، تورم روزافزون روز به روز ضعیف‌تر گردیده است.

بانکداری دولتی در ایران با افزایش وابستگی و درآستانه سقوط است. جسی، بانکداری از سایر فعالیت‌های اقتصادی مستثنی نیست و بانکداری دولتی همان بلا را بر سر کشورها می‌آورد که اقتصاد دولتی آورده است. بانک کردیت لیون که زمانی سعی داشت بزرگ‌ترین بانک اروپایی شود حدود ۱۶-۲۰ میلیارد دلار برای دولت فرانسه خرج برداشت تا تجدید ساختار شد و سپس به فروش رفت. کشورهای فرانسه و ایتالیا که شاید تنها کشورهای غربی بودند که دارای سامانه‌ی بانکی دولت بودند از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۸۰ شروع به خصوصی سازی بانک‌ها نمودند و شاید امروز بانک دولتی در این کشورها وجود نداشته باشد.

وضعیت بانک‌های دولتی آسیایی بهتر از سایر نقاط دیگر دنیا نبود و نیست. در هندوستان سه بانک دولتی هندی United Bank و Bank of Broda، State Bank of India که نگارنده در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی از نزدیک با آنها کار کرده است نشانه‌ای کامل از بی‌کفایتی و ناکارایی بانک‌های دولتی بودند. زمان‌هایی می‌شد

مفاد مقررات ناظر بر تاسیس موسسات اعتباری غیربانکی، شورای پول و اعتبار در جلسه ۷۶۷، ۱۳ تیر ۱۳۷۱ و جلسه ۸۴۳ در ۳ بهمن ۱۳۷۳ تصمیم به صدور مجوز تاسیس موسسات اعتباری غیربانکی به دو صورت عام و خاص گرفت.

تنها فرق موسسات اعتباری با بانک‌ها این بود که موسسات اعتباری اجازه‌ی افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک را نداشتند. بانک مرکزی علاوه بر موسسه‌ی توسعه‌ی صنعت ساختمان که به صورت خاص بود دو مجوز به موسسات اعتباری سامان اقتصاد و کارآفرینان اعطا نمود. در حال حاضر تنها موسسه‌ی اعتباری غیربانکی، موسسه‌ی اعتباری توسعه است که مختص امور ساختمانی است.

بانک‌های خصوصی - در اردیبهشت ۱۳۷۹ هنگام بررسی قانون برنامه سوم توسعه‌ی اقتصادی اجازه‌ی تاسیس به بانک‌های خصوصی داده شد. تقریباً در پایان همان سال آیین‌نامه‌های مربوط نیز به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و بانک‌های اقتصاد نوین و پارسیان پا گرفتند. پس از شش ماه بانک کارآفرین و پس از یک سال بانک سامان نیز تاسیس گردیدند. بنابراین در حال حاضر چهار بانک خصوصی وجود دارد.

بانکداری بدون ربا - در حال حاضر کلیه‌ی بانک‌های دولتی و خصوصی موظف به اجرای قانون بانکداری بدون ربا می‌باشند. طبق این قانون بانک با وکالت از سپرده‌گذاران وجوه جمع‌آوری را سرمایه‌گذاری می‌نماید.

قانون بانکداری بدون ربا مشکلاتی دارد که در دو کمیسیون در بانک مرکزی و در بانک ملی تحت بررسی است. این کمیسیون‌ها در پی نامه‌ای تشکیل شد که نگارنده برای آزادی عمل بیش‌تر در مورد تعیین نرخ سود پرداختی و دریافتی به بانک مرکزی ارسال کرد. پس از آن بانک مرکزی به منظور راه‌اندازی بانک‌های خصوصی اجازه داد که این بانک‌ها تا حداکثر سه درصد بیش از بانک‌های دولتی به سپرده‌ها سود پردازند. در طرف دیگر ترازنامه تعیین نرخ تسهیلات تقریباً آزاد شد. جالب این که پس از تقریباً دو سال و چندماه فعالیت نرخ تسهیلات شدیداً در بانک‌های خصوصی پایین آمده است به نحوی که امروز شاید نرخ تسهیلات بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی به جز در مورد تسهیلات صنعتی که با نرخ یارانه‌ای پرداخت می‌شود رقابت می‌کند. ذکر نکاتی در اینجا لازم است: الف) رقابت عوامل بازار یعنی عرضه و تقاضا باید نرخ سود را تعیین نماید، ب) فاصله‌ی بین متوسط درصد سود دریافتی و متوسط درصد سود پرداختی باید تقلیل یابد در حقیقت به علت رقابت بین بانک‌ها، این عمل اتفاق افتاده است و این فاصله کم‌تر شده است، پ) آزادی نرخ‌ها سبب استفاده‌ی بهینه از سرمایه‌ها خواهد شد، و ت) تجربه‌ی بانک کارآفرین در مورد گواهی سپرده، نرخ سود و حرکت آن طی سه‌ماه گذشته به طرف تعادل حرکت نموده است و فاصله‌ی بین نرخ

مطالبه شده و نرخ مورد قبول بانک بسیار کم شده است.

- عامل زمان و بازار ثانویه: حرکات اقتصادی دستوری نمی‌باشند و باید به مرور زمان در جامعه پذیرفته شوند. بازار ثانویه برای هر ابزاری لازم است.

مشکلات بانک‌های خصوصی - مشکلات عمده‌ی بانک‌های خصوصی عبارتند از: الف) وضعیت کلان اقتصادی - متأسفانه اقتصاد ایران یک اقتصاد یارانه‌ای است و سامانه‌ی بانکی از این قاعده مستثنی نیست. نرخ سود فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و ... مشمول انواع یارانه است بانک‌های خصوصی نمی‌توانند در این رشته‌ها با بانک‌های دولتی رقابت کنند و بدین لحاظ پرتفوی بانک‌های خصوصی می‌تواند متمرکز در فعالیت‌هایی شود که با رونق یا رکود مداوم مواجه شود و این تغییرات تاثیر مثبت و منفی بر فعالیت بانک داشته باشد. ب) تعداد شعب - کوچک‌ترین بانک دولتی حدود ۲۰۰۰ شعبه در سطح کشور دارد. سرمایه‌گذاری در شعب برای بانک‌های خصوصی مشمول ضربی از سرمایه می‌باشد و بدین دلیل گسترش فعالیت بانک‌های خصوصی محدود شده است. پ) کارکنان - کارکنان با تجربه در سامانه‌ی بانکی دولتی تجربه آموخته‌اند و تا حدودی "دولتی" شده‌اند و پرسنل جوان‌تر تجربه‌ی کافی ندارند.

مشکلات بانک‌های خصوصی در فعالیت در بانک‌های دولتی

همان‌طور که در بخش قبلی گفته شد کارشناسان ارشد بانک مرکزی به این نتیجه رسیده بودند که بانک دولتی جوابگوی احتیاجات اقتصاد در حال توسعه‌ی کشور نیست. شاید یکی از دلایل این نتیجه‌گیری نظرات مدیران بانک‌های دولتی بود. به هر صورت نگارنده اعتقاد دارد که این مدیران افراد شایسته‌ای هستند و شاید خیلی از مدیران بانک‌های خصوصی هم بهتر باشند. اشکال، سامانه‌ی دولتی است و بس. به هر صورت همین که الان بانک‌های خصوصی فعالیت می‌نمایند به علت پشتیبانی مدیران بانک‌های دولتی است.

شفافیت عملیات و انتشار گزارش‌های مالی بانک‌ها - برای آن که قدم اول را صحیح بگذاریم، ما در بانک کارآفرینان پس از ۴ ماه فعالیت گزارش مالی موسسه‌ی اعتباری کارآفرینان را منتشر کردیم. امروز تقریباً کلیه‌ی بانک‌ها به نحوی گزارش‌های سالانه خود را سریعاً منتشر می‌کنند. نکته‌ی عمده التزام به حسابرسی این گزارش‌ها و انتشار کامل گزارش حسابرسان است.

قیمت تمام شده‌ی پول برای بانک‌های خصوصی و دولتی - در صورتی که به طرف چپ ترازنامه‌ی بانک‌ها نگاه کنیم، سپرده‌های بانک‌ها از سه نوع سپرده تشکیل می‌گردد: سپرده‌ی جاری، سپرده‌ی پس‌انداز، و سپرده‌ی سرمایه‌گذاری.

کفایت سرمایه در بانک‌های خصوصی و دولتی - رابطه‌ی بین بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام و نسبت هرکدام در مقایسه با

این نگارنده در سمت مدیرعامل بانک کارآفرین متعهد به اجرای قانون بانکداری بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲ و کلیه ضوابط و مقررات مربوط اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی است. ولی به عنوان کارشناس امور مالی و اقتصادی اعتقاد دارد که این قانون مشکلات اساسی دارد. فشرده‌ی این مشکلات در زیر آمده است.

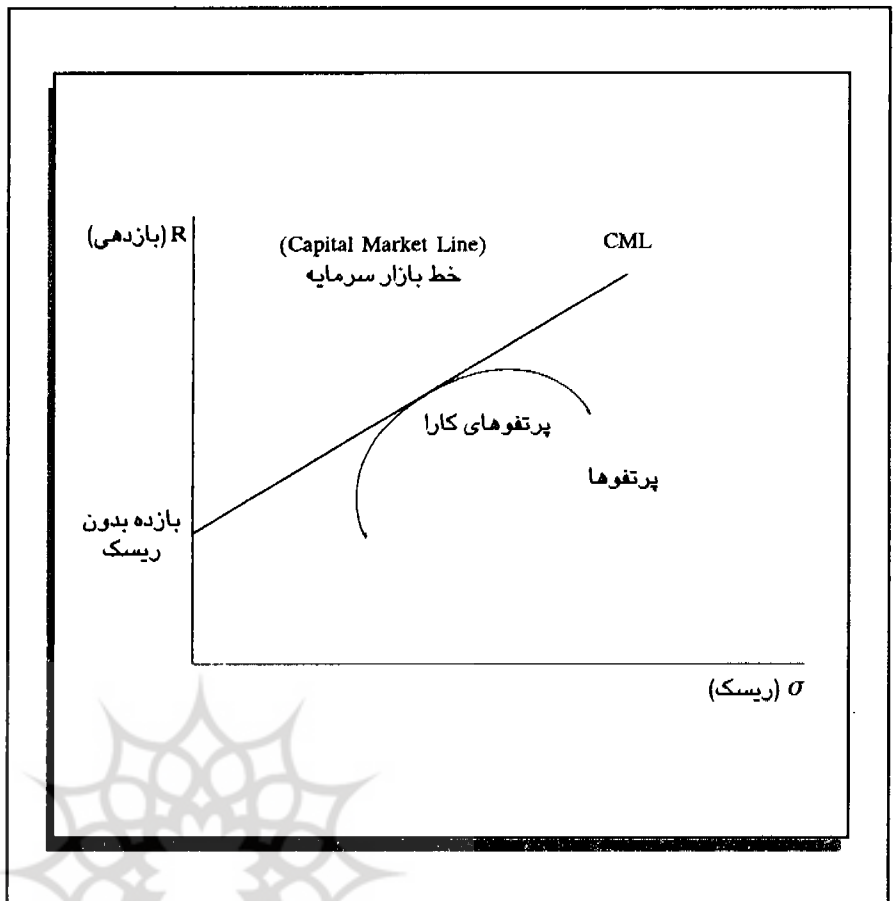
۱- بهره یا هزینه‌ی پول و سرمایه یکی از پایه‌های اقتصاد می‌باشد. "بهره" "ریا" نیست و باید بین این دو تمایز قائل شد. همان طور که حضرت آیت‌الله موسوی بجنوردی بارها فرموده‌اند "نرخ سود بانکی باید اقلاً تورم را پوشش دهد." این سود همان "بهره" است. تعریف این نرخ در اقتصاد و امور مالی عبارت است از:

$$i = f(r, I) \quad \text{یا} \quad i = r + I + \sigma$$

در این فرمول: i عبارت است از نرخ بهره‌ی اسمی، r عبارت است از نرخ بهره‌ی واقعی، I شاخص تورم، و σ عامل ریسک است.

لازم به توضیح است که i به نرخ روز و براساس سیاست‌های پولی و عرضه و تقاضای در بازار تعیین می‌گردد. نرخ واقعی بهره یا r هزینه‌ی استفاده از سرمایه است و معمولاً بین ۳ تا ۵ درصد در سال است و بستگی به جوامع مختلف، فرهنگ آن کشور و ... می‌باشد. شاخص تورم یا I انتظار تورم برای یک دوره‌ی چندین ساله است و منظور نرخ تورم در یک سال نیست. پارامتر ریسک (σ) بستگی به استفاده‌کننده‌ی منابع مالی دارد. معمولاً دولت هر کشور با ریسک صفر تعریف می‌شود. مثلاً نرخ اوراق قرضه‌ی دولتی امریکا دارای (σ) صفر است و سایر استفاده‌کنندگان منابع دلاری برای مدت مشابه لازم است رقمی بابت ریسک علاوه بر نرخ واقعی بهره و شاخص تورم پرداخت نمایند. بنابراین "بهره" یک نرخ منطقی است که از عواملی چون هزینه‌ی سرمایه، سیاست‌های پولی هر کشور، فرهنگ مردم آن کشور و ریسک دریافت‌کننده‌ی منابع تشکیل می‌گردد. در صورتی که "ریا" نرخ اجحافی است که از افراد نیازمند تحت فشار دریافت می‌شود.

هم چنین لازم است در این قسمت در مورد "ساختار زمانی بهره" صحبت شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی باید مانند بانک‌های مرکزی سایر کشورها فقط در مورد نرخ بهره‌ی کوتاه‌مدت یا نرخ استقراض سامانه‌ی بانکی از بانک مرکزی سیاست‌گذاری و تعیین نرخ‌های میان مدت و درازمدت را به



دارایی‌های هر موسسه نشان‌دهنده‌ی سلامت مالی آن موسسه است. موضوع کفایت سرمایه برای بانک‌ها در همین راستا است. ولی از آنجا که دارایی‌های بانک‌ها (انواع تسهیلات، اوراق سرمایه‌گذاری، ضمانت‌نامه‌های صادره و ...) بسیار متنوع است، و از طرف دیگر منابع بانک نیز با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی... تفاوت دارد، دو طرف ترازنامه باید ارزیابی شود و کفایت سرمایه‌ی بانک تعیین گردد (ضمیمه ۳- آیین‌نامه کفایت سرمایه بانک‌ها).

پیشرفت در خودکار کردن سامانه‌ی بانکی - موضوع خدمات انفورماتیک و نقشی که بانک‌کارآفرین در عملیاتی نمودن این سامانه داشت. تاثیر بانک‌های خصوصی بر بانک‌های دولتی - بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی به نظر کوچک هستند ولی به نظر نگارنده باعث بیداری بانک‌های دولتی شدند.

۱) توسعه‌ی فعالیت بانک‌های خصوصی فعلی و افزایش مجوزهای جدید. ۲) روش‌های دیگر: بانک‌های دولتی خصوصی شوند، اجازه فعالیت به بانک‌های خارجی داده شود، بانک‌های دولتی ملزم به رعایت رابطه سرمایه با تعداد شعب شده تعدادی از شعب خود را از طریق مزایده به فروش رسانند، برای رقابتی کردن سیستم بانکی کشور، هر سه پیشنهاد فوق هم زمان اجرا شود.

بانکداری اسلامی*

محمودرضا خاوری



امروزه در خصوص ضرورت وجود بانک‌ها در جوامع هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. بانک‌ها علاوه بر واسطه‌گری وجوه بین سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات به عنوان نهادهایی که با ارائه خدمات متنوع پیوند مستحکم بین معاملات را برای طرفین معامله ایجاد می‌نمایند نقش بسیار مهمی در اقتصاد و

مزاحم مصالح عمومی، نیازمندی‌های جامعه را برطرف و به‌طور خلاصه جامعه را بدون نقصان و بن‌بستی به نحو شایسته اداره کند. در نظام جمهوری اسلامی ایران اعمال حاکمیت از طریق قانون منبعث از آراء عمومی مبتنی بر احکام شرع مقدس اسلام براساس تفکیک قوا انجام می‌شود و قبول قواعد و احکام ضروری و اعتقاد

روتق آن دارند. اصولاً باید دید که بانکداری اسلامی و عملیات بانکی در یک نظام اسلامی چگونه شکل می‌گیرد؟ بانکداری هر کشور جزئی از کل اقتصاد آن کشور است و از کل مسائلی که در نظام حکومتی، سیاست کلی دولت، مصالح جمعی ملت،

نظام اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور وجود دارد تاثیر می‌پذیرد. در یک نظام اسلامی، قواعد و احکام ناشی از احکام الهی است و از اختیارات و اقتدارات وسیع برخوردار است به‌گونه‌ای که می‌تواند با دفع مفاسد و برطرف کردن موانع

کامل به اجرای آن نیز ناشی از فطری بودن این قواعد است.

فطری بودن قاعده هم به این معنا است که این حکم از ناحیه‌ای عالی‌تر از بشر تدوین شده است و در اسلام هم چون احکام از طریق پیامبر گرامی اسلام (ص) به

وسيله‌ی وحی از جانب خدا نازل شده است، بنابراین اعتقاد کامل به اجرای آنها را به وجود می‌آورد و افراد در جامعه خود را ملزم و پایبند به اجرای آن قواعد می‌دانند و تخلف از آن را نه تنها موجب عقوبت و مجازات می‌دانند بلکه این تخلف ملازمه با گناه هم دارد. به این دلیل قواعدی که وضع می‌شود باید موافق با قوانین شرع باشد یا حداقل مخالف آن نباشد تا بتوان باور قلبی برای اجرای آن را به وجود آورد. دلیل دیگر فطری بودن آن است که قواعدی که وضع می‌شود خیر بشر در آن نهفته است و بشر به طور طبیعی و عقلی می‌تواند این نکته را دریابد. به علاوه ضرورت و لزوم اجرای این قواعد فطری در زمینه‌ی معاملات براساس کسب درآمد مشروع و حلال در اسلام تجویز و از ارتکاب اعمال ناصواب در معاملات جلوگیری شده است. اسلام آزادی اراده را در معاملات پذیرفته است و در ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی ایران این معنی تأیید شده است. قراردادهای خصوصی، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد تعهدات ناشی از آن برای طرفین الزام‌آور است که این موضوع ناشی از همین قاعده، آزادی اراده در اسلام است. اما همین آزادی اراده در معاملات بی‌حد و مرز نیست. همان‌طور که در اصل ۴۴ قانون اساسی این موضوع تشریح شده است، حد و مرزهایی برای آن وضع شده است که بتواند عدالت اجتماعی را به صورت عدالت توزیعی و عدالت معاوضی در اقتصاد برقرار نماید. عدالت معاوضی ملازمه با آزادی اراده دارد و هرکسی هر نوع معامله‌ای را که بخواهد می‌تواند انجام بدهد و با طرف خود به توافق برسد، مشروط بر آن که خلاف شرع و قانون نباشد.

استقرار نظام بانکداری اسلامی فقط در حذف ربا و انجام معاملات براساس عقود موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست. لازمه‌ی استقرار کامل چنین نظامی با

عوامل متعددی نظیر ایجاد امنیت (در ابعاد مختلف)، عدالت معاوضی و توزیعی، صداقت، خلاقیت، نوآوری، اعتقاد و احترام به حقوق دیگران و حمایت از حقوق دیگران، و گسترش فرهنگ اسلامی در رفتارهای فردی و اجتماعی توأم است.

هماهنگی سایر نهادهای جامعه با بانک‌ها برای استقرار یک نظام بانکداری اسلامی باید به گونه‌ای باشد که نظم و ترتیب در سیاست‌های کلان اقتصادی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پولی و مالی و بانکی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل و ایجاد امنیت به صورت یک نظام منسجم و پیوسته صورت گیرد. از دیگر عوامل موثر در موفقیت بانکداری اسلامی گسترش فرهنگ احکام معاملات و اخلاق اسلامی است، به صورتی که هم افراد جامعه یعنی مشتریان به عنوان درخواست‌کنندگان خدمات بانکی و تسهیلات مالی از نظام بانکی و هم کارکنان بانک‌ها و قوف کامل به موضوعات و اهداف آن داشته باشند. متأسفانه در این زمینه ما همیشه دچار مشکل بوده‌ایم.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، حذف ربا در دستور کار دولت و حکومت قرار گرفت. این کار یک سیر تاریخی را پشت سر گذاشت که با ملی شدن بانک‌ها و ایجاد ثبات در مدیریت بانک‌ها پس از جلب اعتماد عمومی اقدام برای شرعی کردن عملیات و حذف ربا شروع شد و سرانجام با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید.

ابتدا بحث کارمزد و سود تضمین شده مطرح شد که خود این، مورد انتقاد بود. کارمزد بایستی در مقابل خدمت باشد. دو قسمت نمودن سود دریافتی از تسهیلات تحت عنوان کارمزد و سود دریافت شده به هیچ وجه به معنی حذف ربا نیست. در قانون عملیات بانکی بدون ربا که

خوشبختانه به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید بحث ربوی شدن معاملات حل شد. علاوه بر آن برای ایجاد یک نظام بانکی اسلامی، در این قانون هم به ابزارهای مالی و نظارتی توجه شده است، هم روش‌های جلب و جذب سپرده‌ها و تجهیز منابع، و هم چگونگی پرداخت تسهیلات. با حذف ربا از عملیات بانکی، تغییر شیوه‌ی جذب سپرده و تضمین استرداد اصل سپرده‌ها توسط بانک‌ها به صورت شرط ضمن عقد مورد تأیید قانونگذار قرار گرفته است.

امروزه بحثی که مطرح می‌شود این است که آیا با تصویب و اجرای این قانون، ربا در عملیات بانکی کشور حذف شده است یا خیر؟ بنابراین هرچند که در این باب مکرر بحث شده است، لیکن مقدماً نیازمند توضیحی در خصوص سود و ربا هستیم. ربا را اگر بخواهیم تعریف کنیم اخذ هرگونه اضافه نسبت به دین واقعی است و به عبارت بهتر دریافت هرگونه وجه یا مال اضافی نسبت به دین واقعی را ربا گویند. اگر خلاصه‌تر بخواهیم بگوییم اخذ اضافه بر مبادله مثلین است. این تعریف کامل‌تری است چراکه ربا دو گونه است یا ربای قرضی است یا ربای معاملی است.

ربای معاملی آن است که در معامله‌ی دو جنس با کیفیت، خصوصیات، وزن یا عدد مشابه، قرض دهنده، مال دیگری را اضافه بر اصل مال موضوع قرض، برای مدتی که آن کالا را قرض می‌دهد دریافت کند. مثلاً شخصی صدکیلو برنج صدری با یک مشخصات خاصی را به شخصی می‌دهد که سال آینده ۱۲۰ کیلو از عین آن را پس بگیرد. این ربای معاملی است. در مورد بانک‌ها این مسئله صدق نمی‌کند اما نوع دیگر ربا، قرضی است. وجه نقد برای مدت معینی قرض داده می‌شود و با قصد و نیت قبلی شرط می‌شود که مبلغی اضافه دریافت گردد. در این جا ربای قرضی می‌تواند به

نوعی در عملیات بانکی حضور پیدا کند. برای تحقق ربا چند شرط لازم است. اول، قصد قبلی است، یعنی طرفین با یکدیگر توافق نمایند که وجهی اضافه پرداخت شود. دوم، استقرار دین واقعی است. یعنی طرفین بستانکار و بدهکار شوند. سوم، استقلال دائن از مدیون است. به این معنا که اگر شخصی به شخص دیگر قرض می‌دهد، بایستی هر شخصی از لحاظ حقوقی و مدنی استقلال خود را داشته باشد، یعنی خود دارای حق تکلیف در جامعه باشد. آنجا است که دریافت اضافه توسط قرض‌دهنده مصداق ربا پیدا می‌کند. مطلب آخر وجود فاصله‌ی زمانی بین اعطای مثل تا دریافت مثل است و این فاصله زمانی سبب می‌شود که موضوع پرداخت مبلغ اضافه در قرض به وجود آید. شرایط فوق اسبابی است که موجب می‌شود یک معامله‌ی ربوی شود و در نتیجه ربا مصداق پیدا کند.

اما اگر هر یک از این شرایط وجود نداشته باشد ربانیز مصداق پیدا نخواهد داشت. مثلاً شخصی به شخص دیگری قرض الحسنه می‌دهد. در پایان مدت قرض گیرنده، مثل قرض الحسنه را برمی‌گرداند، لیکن از بابت تشکر و تشویق چیزی اضافه به قرض‌دهنده می‌پردازد. این موضوع نه تنها ربا نیست بلکه پسندیده و نیکو است و در شرع نیز توصیه شده است.

ولی فرق ربا و سود چیست؟ سود اضافه ارزش ناشی از کار و معامله است. دونفر با هم یک معامله‌ی صحیح انجام می‌دهند، اضافه ارزشی در نتیجه‌ی معامله ایجاد می‌شود و همین اضافه ارزش انگیزه‌ی توسعه‌ی معاملات و رونق اقتصادی است. زیرا انسان موجودی است عاقل و منفعت طلب و در هر یک از اعمال انسان به دلیل عقل یک منفعت نهفته است. لذا اگر در آن زبان نهفته باشد عملی نادرست و غیرعقلایی خواهد شد. بنابراین انسان وقتی

به فعالیت اقتصادی می‌پردازد، دنبال سود و منفعت است. از جمله: در معاملات بخش بازرگانی یا در سایر بخش‌ها، قیمت خدمت خود را می‌گیرد. در بخش تولید اگر کالایی تولید می‌شود فعل و انفعالاتی روی مواد اولیه صورت می‌گیرد تا تولیدکننده کالایی را به بازار عرضه کند و سود ببرد. پس در سود ارزش افزوده‌ی ناشی از معامله یا کار را می‌توان دید.

تفاوت‌های سود با ربا را در چند جمله می‌توان خلاصه کرد. سود *محمتمل الحصول* است. شخص اندیشه می‌کند تا کاری انجام دهد. فکر می‌کند اگر این معامله را انجام دهد آیا سودی به دست خواهد آورد؟ ولی احتمال این که زیان کند یا سودی کم‌تر یا بیش‌تر از آنچه پیش‌بینی کرده است حاصل شود متصور است. به همین دلیل در معامله‌ای که به قصد سود انجام می‌گیرد عنصر خطر یا ریسک وجود دارد. بنابراین *محمتمل الحصول* است. اما در ربا خطر و عنصر ریسک وجود ندارد هر ریسکی که باشد متوجه‌ی قرض‌گیرنده است نه قرض‌دهنده. لذا می‌گویند ربا *حتمی الوصول* است.

آثار دیگری هم برای این مسئله بر شمرده‌اند که در سود بحث شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و اشتغال، توسعه معاملات و رونق اقتصادی مطرح می‌شود. در حالی که در ربا رکود در تولید و معاملات را می‌توان مشاهده کرد.

در خصوص داین و مدیون در قواعد حقوقی این دو اصطلاح متفاوت است شخصی که قرارداد ربوی منعقد می‌نماید خود را مدیون می‌نماید و ملزم به پرداخت آن رقم می‌شود. در حالی که در بحث سود ناشی از معاملات بحث التزام مطرح است نه الزام. به هر حال معامله‌ی ربوی اشتغال ذمه را با خود به همراه می‌آورد. در حالی که در عملیات بانکی التزام به پرداخت مبلغ نامعین در صورت تحقق وجود دارد. بحث

دیگر، تاکید بر مشارکت عامل کار و سرمایه در تحصیل سود است. صاحب سرمایه و انجام‌دهنده‌ی کار ممکن است یک نفر باشد ولی امروزه به لحاظ گسترش جوامع و تخصصی شدن معاملات و شکل‌گیری نهادهای مالی و پولی بحث جدایی عامل کار و دارنده‌ی سرمایه مطرح می‌شود. در حالی که در ربا موضوع بهره‌وری از وجوه نقدی است نه بحث استفاده از سرمایه در امور تولیدی، تجاری و خدماتی. با توجه به توضیحات فوق و دقت در متن قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن به این نتیجه می‌رسیم که در نظام بانکی اسلامی قاعده بر مشارکت در سود و زیان است. به این معنا که سپرده‌گذار در صورتی مستحق دریافت سود و بانک در صورتی مستحق دریافت حق‌الوکاله می‌شود که در نتیجه به کارگیری سپرده‌ها سودی به دست آمده باشد. از طرف دیگر، همان‌طور که بیان شد برای اطمینان خاطر مردم و این که بانک‌ها به عنوان وکیل و امین کارشان را درست انجام خواهند داد شرط جبران زیان در قراردادهای سپرده‌گذاری مطرح می‌شود که این چند اصطلاح را باید توضیح داد.

تمام سپرده‌گذاران نظام بانکی یا بستانکار نظام بانکی هستند یا شریک. تمام گیرندگان تسهیلات یا بدهکار نظام بانکی هستند یا شریک. در یک بانک اسلامی که مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا است، کلیه‌ی سپرده‌گذاران که در سراسر کشور در یک بانک سپرده‌گذاری می‌نمایند با هم شریک می‌شوند و سپس سپرده‌گذاران با بانک شریک هستند. اما این شرکت یک مدیر دارد. این مدیر برای به کارگیری منابع و وجوه بانک به وکالت از سوی سپرده‌گذاران عمل می‌کند. حال هر چه مدیریت و مهارت و تجربه‌ی این مدیر قوی‌تر باشد، می‌تواند بهره‌وری بیش‌تری از منابع مالی داشته باشد. بانک به عنوان وکیل و امین

باید سرمایه‌گذاری نماید و سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای انجام دهد که متضمن صرفه و صلاح و حتی غبطه موکلین که همان سپرده‌گذاران هستند، بشود. بنابراین در این جا دیگر بحث قرض مطرح نیست بحث شرکت در وجوه و سرمایه است. بانک برای کاری که انجام می‌دهد حق الوکاله دریافت می‌کند.

وکالت یک نوع معامله و یک عقد در معاملات اسلامی است. این عقد هم می‌تواند مجانی باشد و هم می‌تواند در قبال دریافت مزد و حق الوکاله باشد. وکالتی که در بانک‌ها انجام می‌شود وکالت مجانی نیست، وکالت با اجرت است. در صورتی این اجرت را بانک می‌گیرد که سودی حاصل شده باشد. حق الوکاله از محل این سود پرداخت می‌شود (شرط جبران زیان وارده بر سرمایه توسط بانک).

تفاوت بین سودی که به انواع سپرده‌های کوتاه‌مدت (یک‌ساله)، بلندمدت (دوساله و...) و سپرده‌های ویژه پرداخت می‌شود در همین چگونگی دریافت حق الوکاله از نظر بانکداری اسلامی است و همین امر سیاست‌های پولی و اعتباری را توجیه می‌نماید. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا میزان حق الوکاله‌ی بانک (حداقل و حداکثر) را شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند. بدین ترتیب که سپرده‌گذاران و بانک طبق قرارداد تعیین میزان حق الوکاله را به شورای پول و اعتبار به عنوان مرجع سیاست‌گذاری تفویض می‌نمایند. به نظر می‌رسد تعیین قطعی حق الوکاله پیش از اتمام سال مالی و محاسبه‌ی سود و زیان بانک و چگونگی توجیه تفاوت بین انواع سپرده‌ها دچار شبهه است.

شرط جبران زیان هم که به آن اشاره شد این است که در یک معامله زمانی که طرفین شریک می‌شوند، در سود زیان شریک می‌شوند نه فقط در سود، لذا نمی‌توان در یک قرارداد سپرده‌گذاری قید کرد که یک

طرف معامله زیان را قبول ندارد زیرا بانک وکیل است و آثار وکالت متوجه موکل و اصیل است. اما به این صورت که اگر زیان حاصل شد این وکیل و مدیر شرکت مدنی که بانک است از مال خود معادل زیان را به سپرده‌گذار تملیک کند بلاشکال است. این موضوع نه تنها در قانون عملیات بانکی بدون ربا بلکه در طول تاریخ در فقه اسلامی ما وجود داشته است. در قانون مدنی هم این موضوع وجود دارد. در باب مضاربه در ماده‌ی ۵۵۸ قانون مدنی می‌توان به آن رجوع کرد. در مورد اعطای تسهیلات مالی هم همین‌طور است بانک زیان را قبول می‌کند، لیکن به واسطه‌ی تعهد ناشی از شرط گیرنده تسهیلات معادل زیان از مال خود به بانک تملیک می‌نمایند. به طوری که گفته شد، همین شرط را سپرده‌گذار ضمن قرارداد با بانک نموده است. لیکن سود معاملات یا عقود و روش‌هایی که براساس آن تسهیلات پرداخت می‌شود یا مبتنی بر مشارکت است مانند، عقد شرکت، و عقد مضاربه، یا مبتنی بر مبادلات است مانند خرید و فروش یک کالا یا التزام بر دریافت یک اجرت است مانند جعاله، یا مصادیقی از تعهدات است مثل ضمانت نامه‌ها و گشایش اعتبار اسنادی. در فرایند اعطای تسهیلات، گیرندگان یا بدهکار بانک می‌شوند یا شریک بانک. حساسیتی را هم که مردم نسبت به عملیات بانک‌ها دارند ناشی از آن است که خود را مالک وجوه سپرده‌گذاری شده در بانک‌ها می‌دانند و حق هم دارند زیرا یا سپرده‌گذار شریک بانک است (سپرده‌ی سرمایه‌گذاری) یا بستانکار بانک است (قرض الحسنه). بالاخره بستانکار باید از بدهکار حساب و کتاب بخواهد شریک باید حساب و کتاب از شریک خود بخواهد.

حساسیت‌ها و انتقادهایی هم که صورت می‌گیرد ناشی از این‌جا است و ما هم مکلف هستیم به مردم این توضیحات را

بدهیم و این موضوع فقط به بانک‌های دولتی بر نمی‌گردد. بلکه بانک‌های خصوصی را هم شامل می‌شود زیرا قانون عملیات بانکی بدون ربا ناظر بر عملیات بانک‌های خصوصی نیز هست. انشاء‌اله بانک‌های دولتی و خصوصی بتوانند، در زمینه‌ی اجرای صحیح بانکداری اسلامی موفق شوند و گرد مظلومیت را از بانکداری اسلامی بزدایند. بحث وجه التزام هم که مطرح می‌شود این وجه التزام بابت انجام تعهد است. هرکس تعهدی می‌کند باید به تعهد خود عمل نماید. هم شرعاً و هم قانوناً، اگر به قانون مدنی رجوع کنیم ما در باب معاملات بحثی داریم که خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در آنجا پیش‌بینی شده است.

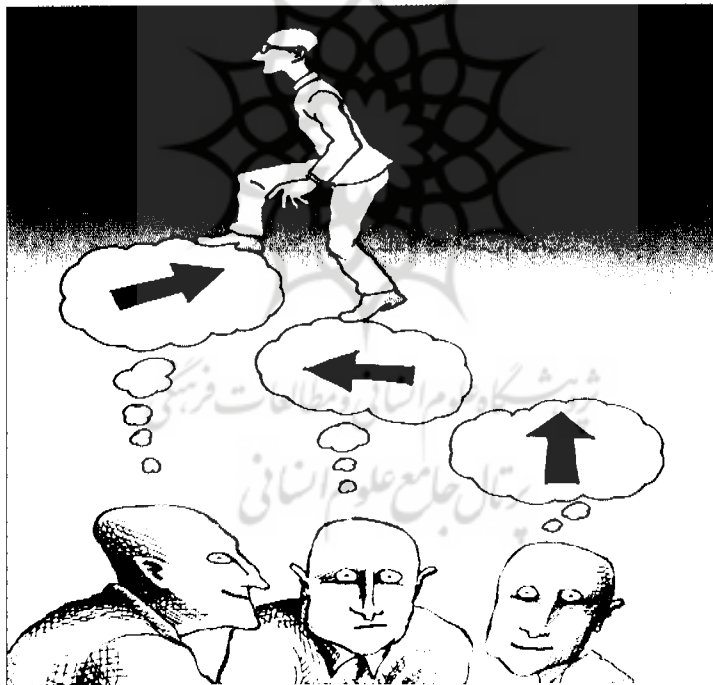
طبق قانون، تخلف از تعهد و انجام ندادن تعهد نه تنها از لحاظ اخلاقی زشت است بلکه نقض تعهد موجب مسئولیت هم هست. حال اگر کسی به تعهد خود وفا نکرد باید به او جایزه داد یا این که مجازات شود. قانون و عقل سلیم می‌گوید که این کار مجازات دارد. مجازات آن هم پرداخت وجه التزام است. ولی متأسفانه در بانکداری دولتی مشکلاتی وجود دارد که نظام به گونه‌ای حرکت می‌کند که به متخلف جایزه بدهیم. یکی از مشکلات نظام بانکی کشور دولتی بودن بانک‌ها است. بانک دولتی بدنیست، بانکداری دولتی بد است. تکالیفی که به صورت یک طرفه برای پرداخت تسهیلات یا انجام تعهدات به عهده‌ی بانک‌ها گذاشته شده است و مانع از پاسخگویی به درخواست مردم و جامعه شده بد است... این که یک مدیر بانک در مورد یک معامله اختیار نداشته باشد و نتواند معامله را به اختیار خود انجام دهد، اختیار آن را نداشته باشد که مشتری خود را با شناخت کامل و ارزیابی انتخاب کند، اختیار این را نداشته باشد که مطالبات خود را از یک مشتری متخلف وصول کند،

کنکاشی پیرامون چهارچوب مفهومی گزارشگری مالی

«قسمت اول»

نوشته: برایان کارسبرگ
ترجمه: دکتر محسن دستگیر و امیر پوریانسنب

اول، مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ترجمه‌ی مثله شده‌ای از پیش‌نویس نظرخواهی "بیانیه‌ی اصول" هیات استانداردهای حسابداری انگلستان است. بنا بر این الف) ترجمه‌ی یک پیش‌نویس نظرخواهی است که با متن نهایی تفاوت دارد و ب) فصلی از آن، که به زعم نگارندگان مهم‌ترین فصل پس از اهداف



اگر چه این نوشتار که به قلم سربرایان کارسبرگ، در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۸۰ به رشته‌ی تحریر درآمده است تا اندازه‌ای از حال و هوای روزگار خود فاصله دارد با وجود این می‌تواند درس‌های آموزنده و سودمندی را برای ما در برداشته باشد. در این اثر، کارسبرگ با نگاهی موشکافانه و نقادانه به

به‌شمار می‌رود، بریده شده است.

دوم، استانداردهای حسابداری که قاعدتاً باید از این مفاهیم نظری گرفته شود عموماً ترجمه‌ای نه چندان دقیق از استانداردهای حسابداری بین‌المللی است که اندکی جرح و تعدیل و وصل و پینه را از استانداردهای حسابداری دیگر بر پیکره‌ی خود تحمل می‌کند. بنا بر این بین این استانداردها که اساس بین‌المللی دارند با آن

به آن به حل و فصل مسائل حسابداری بپردازند. با وجود این، در حال حاضر ما یک چهارچوب مفهومی برای استانداردگذاری نداریم و آنچه با عنوان مفاهیم نظری گزارشگری مالی به عنوان یک زائنده در انتهای مجموعه‌ی استانداردهای حسابداری کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی آمده است به دلایلی که از پی می‌آید یک چهارچوب مفهومی در خور و بایسته نیست:

چهارچوب مفهومی هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا می‌کوشد تا آموزه‌هایی را برای چهارچوب مفهومی انگلستان به دست دهد.

امروزه هر کشور که داعیه‌ی استانداردگذاری دارد بی‌شک باید یک چهارچوب مفهومی صوری را صورت‌بندی نماید تا به هنگام ضرورت، استانداردها بر آن و استانداردها گزاران، هر دو، بتوانند با رجوع

چارچوب مفهومی (بخوانید مفاهیم نظری) همخوانی وجود ندارد.

سوم، به نظر می‌رسد که در عمل از "مفاهیم نظری" برای حل و فصل موضوعات حسابداری ایران استفاده نمی‌شود و این زائده تنها به عنوان "محصولی تزئینی" عرضه شده است.

البته ما می‌توانستیم صاحب یک چارچوب مفهومی باشیم. در ۱۳۷۶ هیات تدوین استانداردهای حسابداری برپایه‌ی تجربیات دیگران یک چارچوب مفهومی را با عنوان مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی در ایران منتشر ساخت. این اثر می‌توانست نقطه‌ی آغاز مناسبی برای داشتن یک چارچوب مفهومی باشد که متاسفانه به دلیل مناقشات داخلی سازمان حسابرسی با بی‌مهری روبه‌رو شد. به جای آن ابتدا ترجمه‌ی چارچوب مفهومی هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی توسط کمیته‌ی رهنمودهای حسابداری منتشر شد. سپس همین کمیته ترجمه‌ی "بیانیه‌ی اصول" را در انتهای مجموعه‌ی "رهنمودهای حسابداری" که بعدها به "استانداردهای حسابداری" تغییر نام داد آورد.

درباره‌ی کارسبرگ

برایان کارسبرگ در ۱۹۸۹ لقب افتخارآمیز سیر را از ملکه‌ی انگلستان دریافت کرد. این لقب به پاس عمری فعالیت‌های دانشگاهی و حرفه‌ای در عرصه‌ی حسابداری به وی اعطاء شد.

کارسبرگ دانشنامه‌ی کارشناسی ارشد خود را از مدرسه‌ی اقتصاد لندن در رشته‌ی اقتصاد دریافت کرد. وی در ۱۹۶۰ به عضویت انجمن حسابداران رسمی انگلستان و ولز درآمد. در فاصله‌ی ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۱ سراستاد دپارتمان حسابداری و علوم مالی دانشگاه منچستر بود. وی در ۱۹۸۱ دوباره به مدرسه‌ی اقتصاد لندن بازگشت و از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ نیز سراستاد حسابداری آرتور

اندرسون بود. وی استاد مدعو دانشگاه کالیفرنیا در ۱۹۷۴ بود. هم چنین استاد مدعو مدرسه‌ی عالی بازرگانی دانشگاه شیکاگو در فاصله‌ی ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ بود.

کارسبرگ از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ دستیار هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا بود و در فاصله‌ی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ عضو هیات استانداردهای حسابداری انگلستان بود که در این بین دو سال را به عنوان قائم‌مقام رئیس این هیات انجام وظیفه کرد. وی در ۱۹۹۵ به عنوان دبیرکل هیات استانداردهای حسابداری منصوب شد. هم اکنون کارسبرگ به فعالیت‌های دانشگاهی‌اش بازگشته است.

کارسبرگ تاکنون جوایز گوناگونی را از انجمن‌ها و دانشگاه‌ها دریافت کرده است اما مهم‌ترین آنها جایزه‌ی سمپایر است که در ۲۰۰۲ از سوی آیفک به وی اعطاء شد. روبرت سمپایر اولین رئیس آیفک بود که پس از پایان دوران ریاستش، آیفک تصمیم گرفت تا در هر دوره‌ی پنج ساله جایزه‌ای را به نام سمپایر به یکی از روسا یا رهبران انجمن‌ها و جوامع حرفه‌ای حسابداری که سهم عمده‌ای را در شرح و بسط و اعتلای حرفه‌ی حسابداری بین‌المللی داشته است اعطاء نماید.

مقدمه

حسابداران در گذر سال‌ها کوشیده‌اند تا یک چارچوب مفهومی^۱ را شرح و بسط دهند. البته، به تعبیری می‌توان گفت احتمالاً از زمان آغاز حسابداری به این کار مشغول بوده‌اند. هیچ کس از کشف این واقعیت که مردم از گذشته به این هدف علاقه‌مند بودند به وجد نمی‌آید. این کوششی طبیعی است. همان کوششی است که در اغلب حوزه‌هایی که داعیه‌ی علمیت دارند رخ داده است.

در حقیقت، یک چارچوب مفهومی مجموعه‌ای از اصول پایه است که از پشتیبانی عموم برخوردار است و به کمک آن می‌توان احتمال هم‌سانی تصمیمات

جزیی را افزایش داد و هزینه‌های تجزیه و تحلیل را فرو کاست. در عرصه‌ی گزارشگری مالی، از یک چارچوب مفهومی انتظار می‌رود که به تصمیم‌گیری استاندارداران و دیگران درباره‌ی چگونگی اندازه‌های حسابداری، چیستی اطلاعات قابل انتشار در صورت‌های مالی، و چگونگی نمایش اطلاعات کمک کند. در این نوشتار آراء کسانی که مطالبی را در باب نظریه‌ی حسابداری نوشته‌اند و نیز موضوعاتی را در مقام شرح و بسط چارچوب‌های مفهومی پدید آوردند، بررسی خواهد شد. بسیاری از آنان سهم درخور توجهی را در جهت پایداری آنها به عهده داشته‌اند: پیتون و لیتون مقالات زیادی را نوشتند که غالباً به عنوان مباحثی پیرامون چارچوب مفهومی بازشناسی می‌شوند.^۲ اگر چه آنان نوشته‌هایش را به این عنوان نمی‌نامیدند. پژوهش‌های اسپراوس و مونیتز که با حمایت مالی انجمن حسابداران رسمی آمریکا انجام شد شاید اولین کوشش برای شناسایی اجزاء چارچوب مفهومی بود.^۳

بعدتر در ۱۹۷۳ هیات استانداردهای حسابداری مالی ارگان استانداردارگذاری ایالات متحده، طرحی صوری را برای شرح و بسط یک چارچوب مفهومی پذیرفت. طرح چارچوب مفهومی بخش اصلی تلاش هیات استانداردهای حسابداری از زمان تاسیسش، ۱۹۷۳ به‌شمار می‌رود. به‌رحال، فرآیند شرح و بسط چارچوب مفهومی با مشکلاتی رو به‌رو شد که عمدتاً ناشی از اختلاف نظر در بین اعضای هیات بود؛ چارچوب مفهومی هنوز هم تکمیل نشده است و آینده‌اش نیز نامطمئن می‌نماید. هدف این نوشتار مرور دستاوردهای طرح هیات استانداردهای حسابداری مالی، به منظور ارزیابی دورنمای پیشرفت بیشتر و فایده‌مندی این دست‌آوردها برای حسابداری انگلستان است.

طرح چارچوب مفهومی اغلب موضوعی بحث‌انگیز است. هر وقت این

موضوع به میان آید گروهی از حسابداران بی‌درنگ به مخالفت برمی‌خیزند. در نگاه اول، این پدیده اعجاب‌انگیز است. مشکل می‌توان باور کرد که چرا افرادی منطقی به این مفهوم که باید پیش از تصمیم‌گیری درباره‌ی درونه‌ی گزارش‌های مالی درباره‌ی اهداف آنها به توافقی عمومی دست یافت به دیده‌ی تردید می‌نگرند؛ و توافق درباره‌ی اهداف از اولین وظایف یک چارچوب مفهومی است.

این بگو مگو به نظر می‌آید که به دو دلیل برخاسته است. بعضی این طرح را بسیار جاه‌طلبانه می‌دانند و آن را محکوم به شکست می‌دانند زیرا به زعم آنها انتظار نمی‌رود بر سر آن توافق عمومی حاصل گردد. اگر این ادعا درست باشد تلویحاً انتقادی کوبنده از حرفه‌ی حسابداری است. اگر حسابداران واقعاً نتوانند به توافقی قابل قبول درباره‌ی اهداف کوشش‌هایشان دست یابند، آن‌گاه ما نیز اعتماد بسیار کمی می‌توانیم به فایده‌مندی برآمد کارشان داشته باشیم. تام واتس در این پژوهش را مانند جستجوی جیسون برای یافتن پشم زرین می‌داند. ما نباید از این تشبیه بهراسیم. جیسون سرانجام پس از یک سفر طولانی پرمخاطره و به پشم زرین دست یافت؛ هیات استانداردهای حسابداری مالی پس از کار بر روی طرح چارچوب مفهوم به مدت ده سال و تحمل هزینه‌ای بیش از یک میلیون دلار احساس می‌کند سفری را به پایان رسانده است که سزاوار جایزه‌ای مشابه است. ایراد دیگری که به چارچوب مفهومی گرفته می‌شود از سوی افرادی است که که اساساً توافق درباره‌ی مفاهیم پایه را ضروری می‌دانند، اما معتقدند شرح و بسط چارچوب مفهومی باید زیر نظر یک ارگان رسمی، مانند یک ارگان استانداردگذار صورت پذیرد. آنها بیم دارند که بیانیه‌های یک ارگان رسمی مانع از شرح و بسط بیشتر مفاهیم شود، زیرا بیانیه‌های اولیه بازنگری نخواهد شد و مردم آنها را بی‌نقد و

بررسی می‌پذیرند. مخالفین احساس می‌کنند که این بلورزدگی به زودی در این زمان (یا زمانی دیگر) رخ خواهد داد. اگر واقعاً بیانیه‌های استانداردها بلوریده شود و از این رو مانع از شرح و بسط اصول حسابداری در آینده شود آن‌گاه ما دلایل قوی برای تشکیک در ارزش آنها خواهیم داشت. به هر حال هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد تا نشان دهد که انتظار چنین برآمدی می‌رود. در گذشته نیز حسابداران هیچ نارضایتی را برای انتقاد از بیانیه‌های ارگان‌های استانداردگذار نشان نداده‌اند. حتی هیچ‌گونه نیرویی را برای تغییر این بیانیه‌ها وارد نساخته‌اند.

هیات اصول حسابداری، سلف هیات استانداردهای حسابداری مالی برای استانداردگذاری حسابداری بود. این هیات در ۱۹۵۹ در سایه‌ی حمایت انجمن حسابداران رسمی آمریکا تشکیل گردید. انحلال این هیات را به نارضایتی از عملکردش نسبت می‌دهند. این هیات با تصمیمات سختی روبه‌رو بود. تصمیمات هیات به‌ویژه در زمینه‌ی حسابداری ادغام‌ها این حس را برمی‌انگیخت که هیات آمادگی زیادی برای سازش و مصالحه دارد. حال آن که نقطه نظرهای مخالف و شدیدی در این زمینه وجود داشت. بنابراین از جانشینش هیات استانداردهای حسابداری مالی، انتظار می‌رفت که بهتر عمل کند. پس از شکست هیات اصول حسابداری حرفه‌ی حسابداری استقلال بیش‌تری را اعطاء کرد زیرا دریافته بودند که این استقلال توانایی‌اش را برای گرفتن تصمیمات قاطعانه تقویت می‌کند. با وجود این، بسیاری از مردم مشکلات هیات اصول حسابداری را به نبود یک چارچوب مفهومی صوری ربط می‌دادند. آنان دلیل می‌آورند که اگر هیات استانداردهای حسابداری مالی بتواند به توافقی روی

چارچوب مفهومی دست یابد، آن‌گاه تصمیماتش روشن‌تر خواهد بود و مردم با علایق‌گوناگون پی خواهند برد که مخالفت با این تصمیمات بسیار سخت است. بنابراین اولین هدف برای طرح چارچوب مفهومی آسان نمودن تصمیم‌گیری درباره‌ی موضوعات بحث‌انگیز است.

هدف دوم، اجتناب از تلاش‌های بیهوده در فرآیند استانداردگذاری است. اگر هیچ‌بسیانیه‌ی مفهومی توافق شده‌ای صورت‌بندی نشده باشد، آن‌گاه استانداردها چاره‌ای ندارند جز آن که زمان طولانی را صرف مباحث مفهومی پیرامون هر طرح مفهومی کنند و این کار را بارها و بارها تکرار کنند. افزون بر این، این خطر وجود دارد که در نبود یک نقطه نظر مشترک و در عین حال مرجع، تصمیمات طرح‌های مفهومی با هم ناسازگار باشد.

هدف سوم چارچوب مفهومی فروکاستن نیاز به شمار زیادی از استانداردهای تفصیلی‌تر است. به‌خصوص، در ایالات متحد، نوشته‌های رسمی در زمینه‌ی استانداردهای حسابداری بسیار پرشمار است. فشار برای داشتن شمار زیادی از قواعد تفصیلی را کارورزان، به‌ویژه حساب‌برسان وارد آوردند. آنها دریافته‌اند که اگر صورت‌های مالی را تایید کنند و بعداً پی‌برده شود که گمراه‌کننده‌اند و بالتبع سرمایه‌گذاران زیان ببینند در آن صورت باید ریسک زیادی را به خاطر دعاوی قانونی بپذیرند. پیش‌بینی آن که دادگاه در زمینه‌های بحث‌انگیز چه چیز را گمراه‌کننده بدانند به شانس و ریسک بستگی دارد. به‌هرحال اگر حسابداران بتوانند بگویند که از یک استاندارد موضوعه پیروی کرده‌اند، در آن صورت دفاعیه‌ی خوب و محکمی خواهند داشت. به‌هرحال تکرر استانداردها به دو دلیل به حرفه هزینه تحمیل می‌کند، اول این که تهیه و اشاعه‌ی استانداردها هزینه بر است و دوم، حسابداران شاغل در حرفه‌ی حسابرسی باید وقت و کوشش

رشته‌ی جداگانه است: گزارشگری سود، گزارشگری جریان‌های وجوه و مکان اطلاعات مالی در صورت‌های مالی یا جایی دیگر در گزارش‌های مالی. بعدتر هیات دریافت که این طرح‌ها تا حدودی زیادی هم‌پوشی دارند و هم چنین دریافت که به ضرورت گزارشگری ترازنامه نیز باید پرداخته شود. در نتیجه، وقتی که در نوامبر ۱۹۸۱ پیش‌نویس نظرخواهی آماده شد، آن را گزارشگری سود، جریان‌های نقدی و وضعیت مالی نام نهادند. از یک جنبه، این پیش‌نویس فراتر از موضوعاتی رفت که صرفاً به افشاء می‌پرداخت: این پیش‌نویس کوشید تا تعریفی مبسوط از مفهوم سود ارائه دهد، که از آن در بیانیه‌ی عناصر صورت‌های مالی اجتناب شده بود. تا آنجا که به بلندپروازی و آرمان ترجمان پرشتاب این طرح به یک بیانیه‌ی نهایی توافق شده مربوط می‌شود، یک شکست محسوب می‌شد. مفهوم سود بحث‌انگیز بود، زیرا کاملاً به اندازه‌گیری دارایی‌ها وابسته شد. به دلیل نهایی کردن بیانیه‌ی گزارشگری به تاخیر افتاد تا پیشرفت‌های بیش‌تری درباره‌ی بخش‌های باقی‌مانده‌ی چارچوب مفهومی حاصل گردد.

دومین بخشی باقی‌مانده از طرح چارچوب مفهومی به بازشناسی و اندازه‌گیری عناصر صورت‌های مالی مربوط می‌شود. ابتدا هیات می‌خواست بازشناسی و اندازه‌گیری را به عنوان دو طرح جداگانه در نظر بگیرد اما ارتباط این دو باعث شد تا باهم ادغام شوند. برای مثال، هنگامی بازشناسی هزینه ضرورت می‌یابد که اندازه‌ی یک دارایی کاهش می‌یابد. بنابراین این دو طرح جداناپذیرند.

تاکنون، هیات صورت جلسه‌های مذاکرات و گزارش‌های پژوهشی بیش‌تری را درباره‌ی بازشناسی و اندازه‌گیری صادر کرده است. با وجود این، هنوز هیات نتوانسته است به نتیجه‌گیری موقت برسد. زیرا رسیدن به توافق درباره‌ی این

رسمی آمریکا مامور شده بود تا درباره‌ی اهداف صورت‌های مالی مطالعه کند، نهایتاً در سال ۱۹۷۳ گزارش خود را ارائه کرد.^۴ در غیر این صورت هیات استانداردهای حسابداری مالی قادر نبود بیانیه‌ی اهداف گزارشگری مالی شرکت‌های انتفاعی را تا نوامبر ۱۹۷۸ به پایان برساند.^۵ بیانیه‌ی بعدی که در دسامبر ۱۹۸۰ منتشر شد به اهداف گزارشگری مالی سازمان‌های غیرانتفاعی پرداخته است.^۶

بیانیه‌ی اهداف، ماهیتی کلی دارد. برای بالا بردن اهمیت اجرایی آن، باید ملازمات و مضامین آنها استنتاج می‌شد. در حقیقت مراحل بعدی طرح چارچوب مفهومی را می‌توان شرح و بسط تفصیلی مضامین و ملازمات بیانیه‌ی اهداف دانست. مرحله‌ی دوم چارچوب مفهومی به ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری می‌پردازد. این بخش کیفیت‌هایی را توصیف می‌کند که باید در ذات اطلاعات مالی باشد تا اهداف برآورده گردند. بیانیه‌ی ویژگی‌های کیفی در ماه می ۱۹۸۰ به پایان رسید.^۷

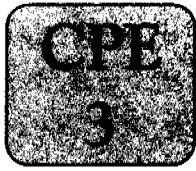
مرحله‌ی سوم طرح چارچوب مفهومی، و تنها بخشی از آن که در زمان نوشتن این مقاله در حال تکمیل بود، عناصر (یا بین‌پارهای) صورت‌های مالی بنگاه‌های انتفاعی را توصیف می‌کند. مرحله‌ی سوم بلوک‌های ساختمانی صورت‌های مالی شامل دارایی‌ها، بدهی‌ها درآمدها و هزینه‌ها و شش عنصر دیگر تعریف می‌کند.^۸ بیانیه‌های دوم و سوم طرح چارچوب مفهومی، همانند اولی، تنها به بنگاه‌های انتفاعی مربوط می‌شود. اما هیات استانداردهای حسابداری مالی، در جولای ۱۹۸۳ یک پیش‌نویس نظرخواهی را منتشر کرد که در بردارنده‌ی مفاهیم بنگاه‌های غیرانتفاعی بود.^۹

مراحل باقی‌مانده از طرح چارچوب مفهومی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. یکی اساساً برافشاگری و ارائه‌ی اطلاعات مالی تمرکز دارد. این گروه اصولاً شامل سه

زیادی را صرف کنند تا خود را نسبت به بیانیه‌ها به روز نگه دارند. این اصول نسبت به قواعد تفصیلی‌تر ترجیح داده می‌شود. یک چارچوب مفهومی مورد توافق به کارورزان امکان می‌دهد تا تصمیماتی را درباره‌ی موضوعات بحث‌انگیز بگیرند، و هم چنین نیاز به انبوه استانداردهای تفصیلی‌تر را برطرف می‌کند. افرادی که عمیقاً به فایده‌مندی چارچوب مفهومی اندیشیده‌اند، مراقب هستند که در مورد آن مبالغه نکنند. نمی‌توان انتظار داشت که یک چارچوب مفهومی برای همه‌ی مسائل حسابداری به سادگی راه حل ارائه دهد. تصمیمات مربوط به موضوعات بحث‌انگیز حسابداری ناگزیر تا حد زیادی به قضاوت درباره‌ی عوامل کیفی اطلاعات مبتنی است. یک چارچوب مفهومی می‌تواند با توصیه‌ی این کیفیت‌ها به قضاوت کمک کند اما هیچ تضمینی نمی‌دهد که همه به نتایج یکسانی دست یابند. با وجود این، توافق درباره‌ی عوامل قضاوت - ایجاد چارچوبی برای قضاوت - دستاورد با ارزشی است. شاید این یک شکست باشد که اعتراف کنم تاکید براین نکته به برخی بگویم و اختلاف نظرها درباره‌ی ارزشمندی تلاش برای شرح و بسط یک چارچوب مفهومی انجامیده است. شاید منتقدین فکر کرده‌اند که مردم به دنبال چارچوبی هستند که تمام تصمیمات تفصیلی را به تصمیمات روزمره فروکاهد. به‌رحال بحث درباره‌ی این موضوع در حوصله‌ی این نوشتار نمی‌گنجد.

توسعه‌ی اجزای از چارچوب مفهومی
هیات استانداردهای حسابداری مالی چارچوب مفهومی را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده است. اولین بخش به اهداف صورت‌های مالی می‌پردازد. بخشی از کار شرح و بسط اهداف صورت‌های مالی مرهون راه‌گشایی‌ها، کارگروه تروبلاد است. این کارگروه، که از سوی انجمن حسابداران

اطلاعیه مهم



جامعه حسابداران رسمی ایران درباره آموزش حرفه‌ای مستمر «احم»

همکاران و اعضای محترم

چنانچه مستحضرید آموزش حرفه‌ای مستمر «احم» از الزامات شکل‌های حرفه‌ای است. براساس ضوابط فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) آموزش حرفه‌ای مستمر جزء الزامات اجباری شکل‌های عضو تلقی، و افزون بر این پیش‌بینی ضوابط انضباطی به منظور اطمینان یافتن از رعایت مفاد آن نیز الزامی شده است. اساس آموزش حرفه‌ای مستمر حفظ صلاحیت حرفه‌ای حسابداران رسمی در بلندمدت است. هدف‌های آموزش حرفه‌ای مستمر به قرار زیر است:

- دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای اعضا را در سطحی قابل قبول حفظ کند و بهبود بخشد.
 - اعضای حرفه را در به‌کارگیری تکنیک‌های جدید، شناخت پیشرفت‌های اقتصادی و ارزیابی آثار آن بر صاحبکاران، کارفرمایان و کار اعضا و نیز برآورده کردن انتظارات گوناگون جامعه از حسابداران یاری کند.
 - نظام اقتصادی کشور، در کل اطمینان یابد، اعضای حرفه، از دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای ارائه خدمات خود برخوردارند.
- پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران آن است که هر عضو باید حداقل ۳۰ ساعت آموزش در سال یا ۹۰ ساعت آموزش در هر دوره سه‌ساله را بگذرانند. پیشنهاد اولیه در جامعه ۲۰۰ امتیاز برای اولین دوره دوساله (آزمایشی) است که این امتیاز برحسب مورد به ساعت تبدیل و اعلام خواهد شد. ۲۰۰ امتیاز مزبور حدود ۱۰۰ ساعت آموزش حرفه‌ای مستمر پیش‌بینی می‌شود.

سومین موضوع تعیین شده در مجله حسابدار، مطالعه مقاله "پاسخ‌گویی، شفافیت و درستکاری و کاهش فساد" (صفحه ۲۱) است که توسط آقایان علی اسماعیل‌زاده مقوی و قاسم بولو است. پاسخ درست و کامل به سوالات زیر، ۱۵ امتیاز آموزش حرفه‌ای مستمر خواهد داشت، ضمن سپاسگزاری از دست‌اندرکاران مجله "حسابدار" و نویسندگان مقاله، مجموعه پاسخ‌های سوال تشریحی در صورت امکان منتشر خواهد شد. ضمناً متن درست سوال ۴ مندرج در صفحه ۱۲ مجله حسابدار شماره ۱۵۷ (اسفندماه ۱۳۸۲)، «حسابرسان در کدام یک از وضعیت‌های زیر ملزم به تصمیم‌گیری و قضاوت نیستند؟» بوده است که بدین وسیله از کسانی که یادآوری نموده‌اند. سپاسگزاری می‌شود.

۱- الزامات اساسی برای امانت‌داری، اعتبار و اقتدار جوامع مردم سالار کدام است؟

- الف) درستکاری و شفافیت
ب) درستکاری، مسئولیت پاسخ‌گویی و شفافیت
ج) مسئولیت پاسخ‌گویی و شفافیت
د) درستکاری و جلوگیری از فساد

۲- کدام عبارت از تعاریف فساد نیست؟

- الف) عمل یا تصمیمی که موجب می‌شود تعداد افراد متأثر از نتایج منفی آن از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر شود.
ب) درخواست، پیشنهاد یا پذیرش مستقیم و غیرمستقیم رشوه یا هر امتیاز ناروایی که عملکرد یا رفتار مناسب، درست و الزامی را منحرف می‌کند.
ج) عدم پیروی از اصول و ارزش‌های اخلاقی و سایر اصول و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
د) نادیده گرفتن حقوق سیاسی و اجتماعی و پایمال شدن حقوق شهروندان

۳- کدام مورد از چالش‌های بزرگ کنترل فساد نیست؟

- الف) مراجع مورد نیاز برای نظارت بر تخلفات
ب) سامانه مورد نیاز برای ارزیابی هزینه‌های ناشی از تخلفات و تنبیه متخلفین
ج) وجود ناظرین مستقل
د) عدم توافق در تعریف فساد
- ۴- کنترل اثربخش و پایدار فساد مستلزم انواع مختلف پاسخ‌گویی است.

- الف) افقی و عمودی
ب) مردمی و دولتی
ج) قضایی و عمومی
د) شفاف و نظام‌مند

۵- مسئولیت پاسخ‌گویی دولت مبتنی بر چه باوری است؟

- الف) گزارش‌های مالی دولت حسابرسی شود
ب) شهروندان حق دارند بدانند و حق دارند حقایق به‌طور علنی و به طریق مطمئن به دست آنان و نمایندگان قانونی‌شان برسد
ج) به نمایندگان شروندان گزارش دهند
د) جلوگیری از فساد در سطح دولت و جامعه

۶- به نظر شما، حسابرسی و جوامع حرفه‌ای حسابداری در جلوگیری و کاهش فساد، می‌توانند چه نقشی ایفا کنند؟

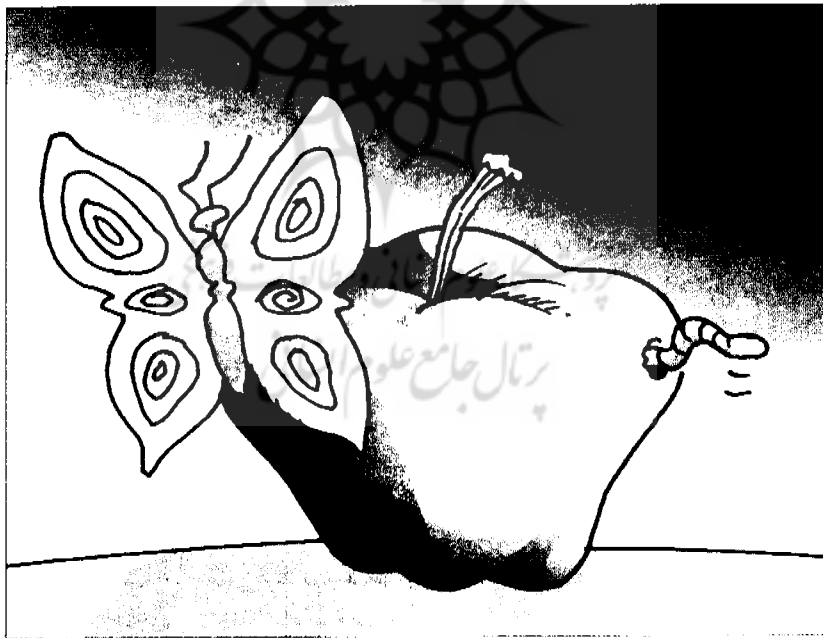
نقش پاسخ‌گویی، شفافیت و درستکاری در مبارزه با فساد

جامعه حسابداران رسمی ایران
آموزش حرفه‌ای مستمر (احم)
مطالعه این مقاله و پاسخ درست به سوال‌های طرح شده
در صفحه ۲۰ این مجله ۱۵ امتیاز دارد

قاسم بولو
علی اسماعیل‌زاده مقری

اصولاً فساد هر جا که رخ دهد، مضر است.

فساد تهدید جدی برای حاکمیت قانون، ثبات و امنیت جوامع است. چون موجب زائل شدن ارزش‌ها، هنجارها و اصول اساسی دموکراسی می‌شود، از توسعه سیاسی و اقتصادی و برخورداری از حقوق بشر جلوگیری می‌کند و بنابراین توزیع عادلانه منابع و ثروت را



اگر چه تاریخ بشر به‌طور با شکوهی به زیور پیشرفت و توسعه مزین شده است، اما متأسفانه همواره تاریخ فساد با تاریخ بشر همراه بوده است. به‌ویژه این که حتی شیخ فساد^۱ به عنوان پشتوانه‌ی بسیار نیرومندی برای منبع اصلی قدرت کنترل در هر دورانی بوده است.

با خطر مواجه می‌سازد. درستکاری^۲، مسئولیت پاسخ‌گویی^۳، و شفافیت^۴ از الزامات اساسی برای امانت‌داری، اعتبار و اقتدار جوامع نوین و مردم سالار محسوب می‌شود.

درستکاری، شفافیت و مسئولیت پاسخ‌گویی در هر بخش از دولت، تاثیر

کشورهای توسعه یافته هم در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد و همواره در تمام زمان‌ها و تمام جوامع وجود داشته و دارد. اگر چه شدت آن در جوامع مختلف، متفاوت بوده است. هر چند که مظاهر فساد از کشوری به کشور دیگر و نگرش به فساد از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، اما

به عنوان مثال، در قرون وسطی که مذهب به عنوان ملاک اصلی وضع قوانین و مقررات اجتماعی جامعه اروپا محسوب می‌شد، تعدی و فساد واتیکان از جمله افراط‌هایی بود که نهایتاً به سقوط اصول و احکام مذهبی قرون وسطی انجامید. فساد پدیده‌ای جهانی است که هم در

مثبتی بر کاهش فساد دارد. اشتیاق به علنی ساختن فرایندها و تصمیمات جهت تفحص و بررسی عموم مردم و اجازهی فعالیت دادن به نهادهای مدنی مانع مهمی برای افراط و سوءاستفاده از قدرت توسط دولت‌مردان است. برعکس، فقدان مسئولیت پاسخ‌گویی، شفافیت و درستکاری معمولاً به فساد می‌انجامد که اثر مخربی بر حقوق اقتصادی و اجتماعی دارد.

فساد نابسامانی‌های بسیاری را برای جامعه بشری به دنبال داشته و همواره جنگ‌ها، خشونت‌ها و قیام علیه تمدن‌های حاکم، فروپاشی سازمان‌ها و درهم ریختن جوامع ناشی از فساد بوده است. در مجموع، فساد در کنار بقیه‌ی عوامل، از علل مهم فروپاشی تمدن‌ها است. فساد موجب تضییع حقوق و منافع عمومی می‌شود و با خدشه وارد کردن به سیاست‌های دولت که در جهت نیل به منافع عمومی است، باعث اتلاف منابع می‌گردد. این عمل ناپسند مانع از رشد رقابتی و موجب خنثی شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی است. هم چنین با تضعیف انگیزه‌ها موجب زیان‌های اجتماعی، با تضعیف نهادهای مدنی باعث زیان‌های سیاسی و با توزیع ناعادلانه‌ی منابع و ثروت موجب زیان‌های اقتصادی می‌شود. فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده‌ی سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود. فساد جلوی رشد مبتنی بر دموکراسی را می‌گیرد و عاملی برای سرکوب و پنهان‌کاری است. شواهد نشان می‌دهد چنانچه جلوی فساد گرفته نشود، به صورت نمایی رشد می‌کند. وقتی فساد در جامعه‌ای نهادینه شد مقامات نیز نسبت به ارتکاب فساد بیمی از خود نشان نمی‌دهند و به این ترتیب فرهنگ کارهای خلاف در جامعه رواج پیدا می‌کند که به نوبه‌ی خود سبب ناکارایی بازار می‌شود. با از بین رفتن مشروعیت اخلاقی

دولت‌مردان در اثر رواج فساد، آنها دیگر نخواهند توانست زیردستانشان را مهار کنند. اگر چه امحاء فساد به طور کلی بعید به نظر می‌رسد اما فساد قابل کنترل است. برای کنترل فساد و ایجاد اصلاحات ماندگار راهی نیست جز آن که فرهنگ مسئولیت پاسخ‌گویی، درستکاری و شفافیت در جامعه ترویج یابد.

تعاریف متعدد و متفاوتی از فساد هم توسط دانشمندان و فلاسفه، هم توسط سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شده است. از بین فلاسفه می‌توان منتسکیو، روسو، ماکیاولی و ابن‌خلدون را نام برد که مسئله‌ی فساد را مورد توجه و تاکید قرار داده‌اند و تعاریفی را از زوایای مختلف برای آن ارائه کرده‌اند.

از دید منتسکیو، فساد سبب می‌شود که یک نظام سیاسی خوب و صحیح به یک نظام زشت و ناپسند تبدیل گردد. وی معتقد است که در حکومت مشروطه، شرافت به قدری مهم است که از هر تحفه‌ای بهتر است و احتیاجی به روی آوردن به فساد نیست، اما در حکومت استبدادی که نه شرافت وجود دارد نه تقوی، انجام هرکاری معمولاً با قصد سوء استفاده‌ی شخصی صاحب منصبان و کارگزاران دولتی از موقعیت و امتیاز شغلی خود به زیان عموم صورت می‌گیرد.

ابن‌خلدون نیز به فساد اداری توجه داشت و علت اصلی آن را علاقه‌ی شدید طبقات حاکم به زندگی تجملاتی عنوان می‌کرد. به نظر وی، هزینه‌ی بالای تجملات، طبقات حاکم را وادار می‌کند تا به فساد اداری روی آورند.

در گزارش کارگاه آموزشی یکپارچگی حکومت در آسیا فساد چنین تعریف می‌شود: "فساد عبارت است از عمل یا تصمیمی که موجب می‌شود تا تعداد افراد متأثر از نتایج منفی آن عمل یا تصمیم از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبتش بیش‌تر

شود." تعریف دیگری از فساد را شورای اروپا ارائه می‌کند. "فساد به معنی درخواست، پیشنهاد دادن یا پذیرش مستقیم یا غیرمستقیم رشوه یا هر امتیاز ناروای دیگر یا چشم داشت آن است که عملکرد یا رفتاری مناسب و درست و الزامی رشوه‌گیر یا امتیاز ناروا یا متوقع را منحرف می‌نمایند."

وجه مشترک تعاریف فوق این است که در محیط فساد اداری، حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و حقوق مسلم ارباب‌رجوع نیز به آسانی پای مال یا به ناحق به دیگری واگذار می‌شود. از تعاریف بالا چنین استنباط می‌شود که اولاً فساد امری نسبی است، و در حقیقت، مرتبط با نظام ارزشی هر جامعه است. ثانیاً فساد بیش‌تر در دستگاه دولت مطرح می‌گردد. گرچه فرض بر این است که کارمند دولت بیش از هر کارمند بخش خصوصی به صلاح و مصلحت می‌اندیشد. لیکن فساد در بخش دولتی گسترش بیش‌تری دارد و به همین سبب در این مقاله بر بخش دولتی تاکید شده است.

مسئولیت پاسخ‌گویی دولت را ملزم می‌کند در مورد اعمالی که انجام می‌دهد به شهروندان توضیح دهد. مسئولیت پاسخ‌گویی دولت برپایه‌ی این عقیده استوار است که شهروندان حق دارند بدانند و حق دارند حقایق را به صورت علنی و مطمئن به دست آنها و نمایندگان قانونی آنها برسانند. فرهنگ لغات مسئولیت پاسخ‌گویی را این گونه تعریف می‌کند: "الزام به توضیح در قبال اعمال شخص به منظور ارائه‌ی دلایل منطقی برای آنچه انجام داده است." برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل (UNDP) نیز مسئولیت پاسخ‌گویی را بدین سیاق تعریف می‌کند: "التزام مسئولین به ارائه پاسخ و ادای توضیح به شهروندان در مورد اعمال قدرت، انجام وظایف، عمل به انتقادات یا الزامات فراهم شده از جانب شهروندان و قبول مسئولیت برخی فریب‌کاری‌ها، قصور و بی‌کفایتی‌ها."

است. یک کشور چگونه می‌تواند از وضعیتی که در آن فساد یک پدیده‌ی عادی است به وضعیت دیگری که در آن فساد به لحاظ اخلاقی پدیده‌ای غیرقابل تحمل و به لحاظ رفتاری پدیده‌ای نادرست است، تغییر جهت دهد؟

برای کنترل فساد، باید مطلوبیت مورد انتظاری یا نسبت منابع به هزینه‌ی مورد انتظار پیروی از قوانین برای مسئولین و مقامات دولتی بیش‌تر از مطلوبیت مورد انتظار ناشی از رفتار مفسدانه باشد. به‌خصوص این‌که، هزینه‌های مورد انتظار درگیر شدن در فساد - که در جوامع دچار فساد حاد و فراگیر بسیار کم و نزدیک به صفر است - باید به شدت افزایش یابد. تنها راهی که هزینه‌های مورد انتظار درگیر شدن در فساد را افزایش می‌دهد این است که مسئولین نسبت به ارتکاب فساد احساس ناامنی کنند و این طرز فکر بر آنها حاکم شود که تهدیدهای جدید مبنی بر کشف فسادهای ارتكابی و تنبیه افراد فاسد وجود دارد.

بنابراین، اگر فساد کنترل شود مسئولین فاسد به‌طور مستمر و به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرند و تنبیه می‌شوند. کنترل فساد سازمان یافته مستلزم آن است که مسئولین و مقامات دولتی این خطر جدی را احساس کنند که اگر مرتکب فساد شوند، زیان خواهند دید، جریمه خواهند شد و حتی ممکن است به زندان نیز بروند.

اجرای این احکام، جهت مقابله با فساد مستلزم یک چارچوب نهادینه برای کنترل فساد است. اما سه چالش بزرگ در ارائه‌ی طرح نهادینه برای کنترل فساد وجود دارد: اول این‌که، به مراجعی نیاز است تا بر تخلفات نظارت کنند. دوم این‌که، به سامانه‌ای نیاز است تا هزینه‌های ناشی از تخلفات را ارزیابی کنند و در صورت محکومیت، متخلفین را تنبیه کند. و سوم این‌که، وجود چارچوبی برای تاسیس و استقلال موسسات ناظر (نگهبان) ضروری است به گونه‌ای که کارگزارانی که تحت کنترل این موسسات هستند نتوانند بر موسسات مذکور اعمال نفوذ کنند یا آنها را متلاشی نمایند.

مردم‌سالاری، به‌ویژه اعمال حق انتخاب و پاسخ‌خواهی از مقامات، به آزادی‌های دیگر از جمله آزادی بیان و آزادی احزاب بستگی دارد. شهروندان حق دارند بدانند و بنابراین حق شهروندان برای دانستن ایجاب می‌کند تا آنها از تصمیمات مقامات دولتی آگاه شوند و نسبت به فرایندهایی که مقامات و مسئولین دولتی از طریق آنها وظایفشان را ایفا می‌کنند، شناخت حاصل نمایند. لذا، عدم محدودیت در دسترسی عموم به اطلاعات رسمی و موثق سنگ بنای مردم‌سالاری است.

فساد برای توسعه مضر است. در رشوه‌گیری، اختلاس و دیگر سوء استفاده‌ها از قدرت برای کسب منافع شخصی، فساد موجب تشدید تنزل کیفیت و قانون شکنی می‌شود و مشروعیت حکومت‌های مردم‌سالار را تضعیف می‌کند. هر کشوری که خود را به سامان بخشیدن و ارتقای سطح زندگی شهروندان ملزم می‌داند، نمی‌تواند ناکارایی همزاد فساد را تحمل کند. به خصوص در کشورهای در حال‌گذار، یعنی مردم‌سالاری‌های نوپا، اگر جلوی فساد گرفته نشود، مخاطرات سیاسی حیات آنها را تهدید می‌کند زیرا فساد، اقتدار دولت‌های نوپای آنها را تضعیف می‌کند.

بهرگز بر قوانین و عرف

انسان ذاتاً و به‌طور غریزی همواره در پی منافع شخصی است. آنچه این رفتار را محدود می‌نماید و او را با اهداف اجتماعی هم‌سو می‌کند قوانین است که هسته‌ی مرکزی هنجارها و عرف را تشکیل می‌دهد. حتی اگر در قوانین تمام جوانب لحاظ شده باشد و قوانین به‌طور اثربخش نیز اجرا شود، باز هم فرصت‌های پیش‌آمده برای ارتکاب جرایم و ریسک‌پذیری، همواره افراد را به استفاده از موقعیت‌های پیش‌آمده برای کسب منافع شخصی تحریک می‌کند. بنابراین، فساد هرگز کاملاً برچیده نمی‌شود. لذا سوال این است که فساد را چگونه می‌توان کنترل کرد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فساد مانع رشد اقتصادی، اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و ثبات مردم‌سالاری

شفافیت، فرایندی است که از طریق آن اطلاعات درباره‌ی اعمال، تصمیمات و وضعیت‌های موجود، دست‌یافتنی، قابل رویت و فهم‌پذیر می‌شود. شفافیت براساس جریان آزادانه اطلاعات شکل می‌گیرد. فرایندها، ساختارها و اطلاعات در دسترس افراد قرار می‌گیرد و اطلاعات کافی جهت درک و فهم و نظارت بر آنها فراهم می‌گردد. سازمان‌های پاسخ‌گو باید شفاف باشند و براساس ضوابط قانونی عمل کنند.

براساس فرهنگ لغت هریتاژ، شفافیت این چنین تعریف شده است: کیفیت یا حالت شفاف بودن یعنی قابلیت تاباندن نور به گونه‌ای که اشیا یا تصاویر به وضوح قابل رویت باشند. شفافیت در صورتی حاصل خواهد شد که محتوای اطلاعات ارائه شده از طرف سازمان‌ها و نهادهای دولتی یا عمومی به وضوح قابل رویت باشد.

در دستکاری

درستکاری یک مفهوم اخلاقی و ارزشی است که در فرهنگ لغات مختلف به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است. به عنوان مثال فرهنگ لغت وبستر درستکاری را این سان تعریف می‌کند: "عدم پیروی از موارد مغایر با اصول اخلاقی، هنری و دیگر ارزش‌ها و هنجارها، ادای اخلاص و صداقت و پرهیز از فریب‌کاری، پرداختن به منافع شخصی و تنبانی" هم چنین طبق فرهنگ لغت هریتاژ درستکاری عبارت است از: "صحت، درستی و پیروی از اصول و هنجارهای اخلاقی و پرهیزگاری" تمام این تعاریف براین حقیقت استوارند که متابعت و پیروی از اصول و ارزش‌های اخلاقی و سایر اصول و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اساس درستکاری است.

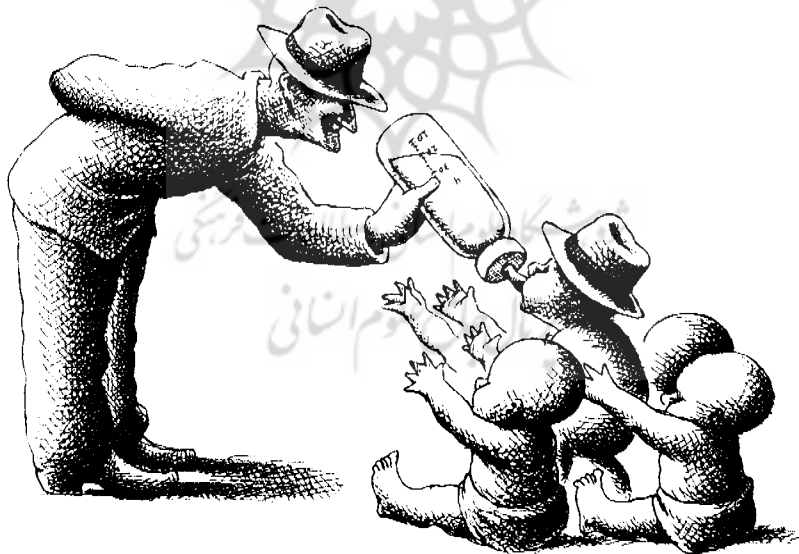
فساد و تنبیه بر مردم‌سالاری

مردم‌سالاری به حقوق شهروندان جهت مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تاکید دارد. توانایی شهروندان به اعمال حقوق

هزینه‌یابی هدف و مدیریت زنجیره‌ی عرضه

نوشته: ای لاکامی و
دبلیو آی. اسمیت

ترجمه: دکتر حسین اعتمادی
کامران حسن‌آقایی



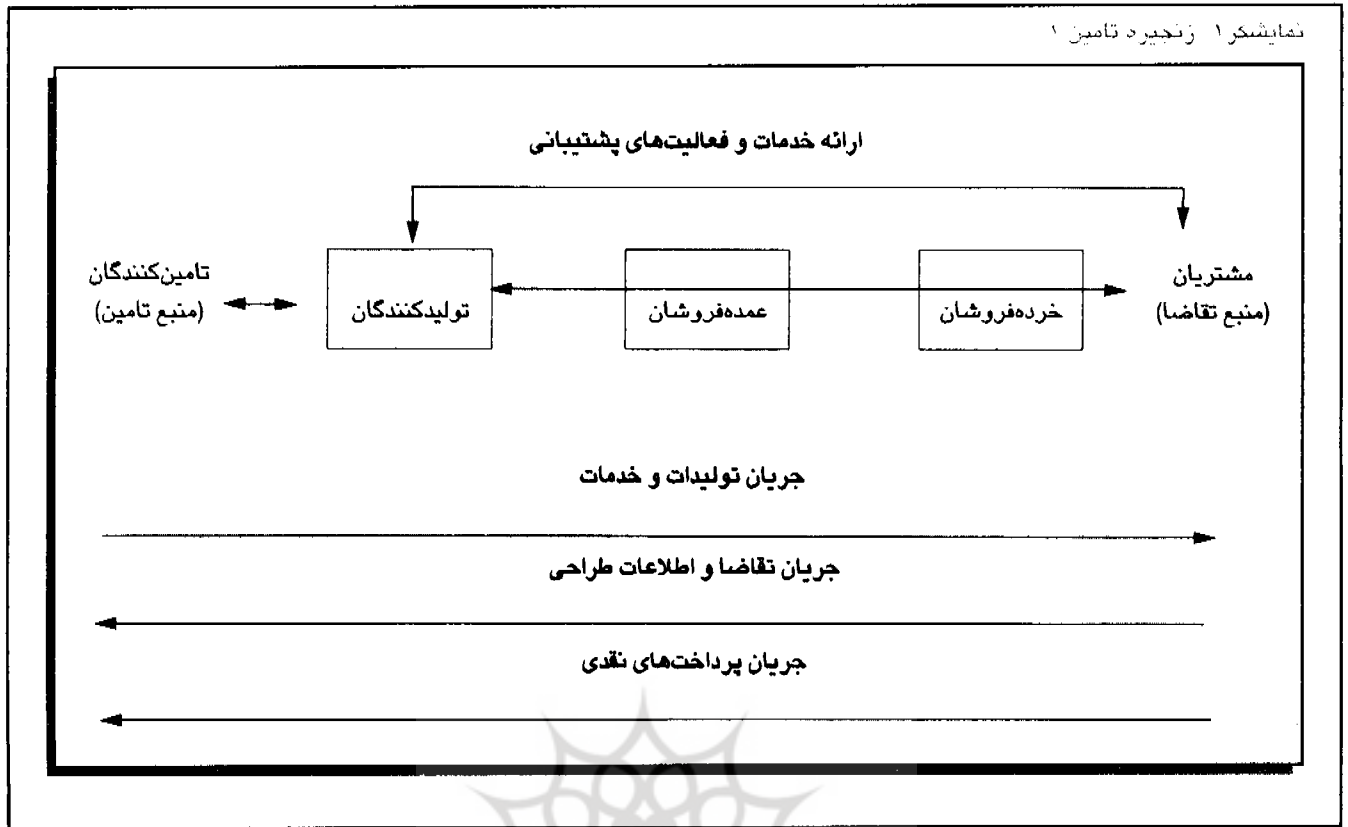
این نوشتار هزینه‌یابی هدف^۱ را به‌عنوان یکی از سامانه‌های مدیریت هزینه تشریح می‌کند و استفاده از این شیوه را به‌عنوان یک ابزار برای بهبود مدیریت زنجیره‌ی عرضه^۲ بررسی می‌کند. سپس ضعف‌های استفاده از رویکرد

مدیریت بهای تمام شده^۳ و مدیریت مبتنی بر فعالیت^۴ در مدیریت زنجیره‌ی عرضه بررسی می‌شود و مبنایی برای جستجو جهت استفاده از هزینه‌یابی هدف در زنجیره‌ی عرضه قرار می‌گیرد. آن‌گاه سه رویکرد هزینه‌یابی هدف مبتنی بر قیمت^۵، مبتنی بر ارزش^۶، و مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها^۷ برای به‌کارگیری فنون

هزینه‌یابی هدف در زنجیره‌ی عرضه ارائه می‌شود و نیازهای مشتریان و روابط زنجیره‌ی عرضه به‌عنوان معیارهایی جهت انتخاب مناسب‌ترین رویکرد هزینه‌یابی هدف برای زنجیره‌ی عرضه معرفی می‌شود. نهایتاً، استفاده از هزینه‌یابی هدف در

زنجیره‌ی عرضه به‌عنوان ابزاری برای بالا بردن رضایت مشتریان معرفی می‌گردد.

امروزه شرکت‌ها برای بقا، باید در تولید محصولاتی با کیفیت و کارکرد مطلوب مهارت داشته باشند که مشتریان



جریان ورود مواد اولیه و عملیات تولید و توزیع طوری تنظیم می‌شود که بدون ایجاد موجودی اضافی، به تقاضای متغیر مشتریان پاسخ داده می‌شود. زنجیره‌های عرضه، شبکه‌ای هماهنگ از امور داخلی شرکت‌ها را به منظور عرضی محصول یا ارائه خدمت به مشتری نهایی، ایجاد می‌کنند.^{۱۰} در رویکرد سنتی زنجیره عرضه، هر بخش از این زنجیره به‌عنوان واحدی مستقل اداره می‌شد و تنها به تحقق اهداف داخلی^{۱۱} بدون توجه به تاثیرش بر عناصر دیگر زنجیره می‌پرداخت. این رویکرد به افزایش تضاد بین عملکرد بخش‌ها و برآورده نشدن اهداف می‌انجامید و سطح رضایت مشتریان را کاهش می‌داد. بالاخره ناتوانی شرکت در رضی کردن مشتریان به کاهش سودآوری و قیمت سهام بازارش منجر می‌شد. این رویکرد سنتی زنجیره عرضه به سامانه‌ی مدیریت سنتی هزینه برمی‌گردد که به جای افزایش رضایت مشتریان بر کاهش هزینه محلی متمرکز می‌شود. در حالی که هدف مدیریت زنجیره عرضه افزایش رضایت مشتریان و در کنار آن کاهش هزینه است. بنابراین برای اثربخشی مدیریت زنجیره عرضه، شرکت‌ها باید یک رویکرد مدیریتی جدید اتخاذ کنند. بعضی شرکت‌ها برای

تقاضا می‌کنند و در عین حال سود مورد نظر را ایجاد می‌کنند. بسیاری از شرکت‌ها برای حصول اطمینان از این که محصولات تولیدی، با ویژگی‌ها و قیمتی که دارند، مورد رضایت مشتریان قرار خواهند گرفت و گرفت و در بازار موفق خواهند بود و نهایتاً سود مورد نظر را ایجاد خواهند کرد از هزینه‌یابی هدف استفاده می‌کنند. هزینه‌یابی هدف، به‌عنوان ابزاری مهم برای افزایش قدرت رقابت، ایجاد شده است. یکی از مقالات مجله‌ی فورچون^۸ صراحتاً هزینه‌یابی هدف را به‌عنوان سلاح محرمانه باهوش ژاپنی معرفی کرده است. هزینه‌یابی هدف یک فن است که ابتدا به‌وسیله‌ی آن قیمت بازار تعیین می‌شود و سپس سود مورد نظر از این قیمت، کم می‌شود. مبلغ باقی‌مانده، هزینه‌ی محصول خواهد بود.^۹

هم چنین موفقیت بسیاری از شرکت‌ها بستگی به توانایی‌هایشان در متعادل کردن جریان تولید و تغییر فرایند تولید متناسب با تقاضای مشتریان در خصوص بهبود هزینه، کیفیت، کارکرد، تحویل به موقع کالا، انعطاف‌پذیری و قیمت دارد. در پاسخ به این موارد، بسیاری از شرکت‌ها به پذیرش اصول مدیریت زنجیره‌ی تامین روی آورده‌اند. با این اصول

در جهت برآورده کردن نیازهای تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاری کنند. عمده فروشان، خرده‌فروشان و تولیدکنندگان باید اطلاعات سطح فروش محصولات، نمودارهای موجودی‌های انبار و سفارش‌های تولید را بین یکدیگر رد و بدل کنند تا شرکت قادر به تولید محصولات در سطح تقاضای واقعی باشد.

شرکت‌ها از اطلاعات مالی سامانه‌های مدیریت هزینه برای برنامه‌ریزی و کنترل عملیات زنجیره‌های عرضه و تعیین هزینه‌های تولید و خدمات زنجیره‌ی عرضه، استفاده می‌کنند. متداول‌ترین سامانه‌های مدیریت هزینه سنتی هستند. اما حالا بعضی شرکت‌ها از سامانه‌های مدیریت مبتنی بر فعالیت استفاده می‌کنند که اخیراً پیشرفت زیادی کرده است. حال به موانع استفاده از اطلاعات این سامانه‌ها برای مدیریت زنجیره‌ی عرضه می‌پردازیم و این بحث را مبنایی برای یافتن راه‌های استفاده از هزینه‌یابی هدف در زنجیره‌ی عرضه قرار می‌دهیم.

رویکرد سنتی هزینه، چارچوبی کافی برای مدیریت زنجیره‌ی عرضه نیست. آشکارترین ضعفش در نحوه‌ی رفتار آن با مشتریان است که به نیازها و سطح رضایت مشتریان توجه نمی‌کند و فقط به هزینه می‌پردازد. مدیران طبق اصول مدیریت سنتی هزینه باید عمدتاً به حداقل کردن هزینه‌ی زنجیره‌ی عرضه پردازد و همه‌ی عناصر زنجیره‌ی عرضه (تامین‌کنندگان، روش‌های تولید و نحوه‌ی توزیع) باید بر مبنای تأثیرشان بر هزینه‌ی تولید هر واحد، بدون توجه به دیگر زمینه‌های راهبردی زنجیره‌ی عرضه، انتخاب شوند.

با وجود آن که مدیریت مبتنی بر فعالیت نسبت به مدیریت سنتی برتر است، اما یک چارچوبی کافی برای مدیریت زنجیره‌ی عرضه نمی‌باشد. چرا که هیچ تضمینی وجود ندارد که ارزش یک فعالیت ایجاد شده به وسیله تلاش مدیریت مبتنی بر هدف، نیازهای واقعی مشتریان را منعکس سازد و به افزایش رضایت مشتریان منجر شود. مشکل دیگر در ارزیابی فعالیت‌های مدیریت مبتنی بر هدف این است که این فعالیت‌ها به منظور محاسبه‌ی هزینه‌ی بدون ارزش افزوده^{۱۴} وارد عمل می‌شوند. مدیران انتظار دارند که از ارقام هزینه برای شناسایی فرصت‌ها استفاده کنند. این استفاده‌ی

حل مشکلات مدیریت سنتی زنجیره‌ی عرضه به مدیریت مبتنی بر فعالیت روی آورده‌اند اما مدیریت مبتنی بر فعالیت به هزینه‌های فعالیت‌ها می‌پردازد و از نشان دادن راهی که به ما بگوید چگونه از زنجیره‌ی عرضه می‌توان برای افزایش رضایت مشتریان استفاده کرد عاجز است. هزینه‌یابی هدف یک انتخاب بهتر برای مدیریت زنجیره‌ی عرضه است. به رغم نام‌گذاری هزینه‌یابی هدف، این فن به نیازهای مشتریان بیش از هزینه می‌پردازد و هزینه به عنوان نتیجه‌ی چرخه‌ی اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، نیازهای مشتریان به عنوان قیدهای اجباری (برگ برنده) رقابت مدنظر قرار می‌گیرند. زنجیره‌ی عرضه در هزینه‌یابی هدف همه‌ی عرضه‌هایی را که برای برآورده کردن انتظارات مشتریان از کیفیت، کارکرد و قیمت لازم است، متحمل می‌شود. هدف معقول کردن نه حداقل کردن^{۱۲} هزینه‌ی تولید است.

این مقاله دو هدف اصلی را دنبال می‌کند که عبارت از: (۱) بررسی هزینه‌یابی هدف، (۲) ارائه مبنایی برای انتخاب یکی از رویکردهای هزینه‌یابی هدف، برای بهبود عملکرد زنجیره‌ی عرضه.

نمایشگر ۱ عناصر اساسی زنجیره‌ی عرضه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمایشگر دیده می‌شود همه‌ی زنجیره‌های عرضه سه عنصر اساسی دارند: تامین‌کنندگان، تولیدکنندگان و مشتریان. زنجیره‌های عرضه اغلب شامل عمده‌فروشان و خرده‌فروشان، و خدمات‌رسانی و فعالیت‌های پشتیبانی می‌باشند. هر عنصر زنجیره‌ی عرضه باید به صورت هماهنگ و متناسب، در جهت دست‌یابی به هدف نهایی (تحويل کالا و ارائه خدمات برای جلب رضایت مشتریان) موثر باشد. تولیدات و خدمات از منابع تامین به منابع تقاضا جریان دارند. در حالی که اطلاعات و پرداخت‌های نقدی معمولاً در جهت عکس جریان دارند. در زنجیره‌ی عرضه، تولیدکنندگان باید عرضه‌کنندگانشان را به عنوان اعضای (شرکاء) کاری^{۱۳} بدانند. بنابراین تولیدکنندگان باید ارتباط پایا با عرضه‌کنندگان داشته باشند. ۲۶ در حالی که عرضه‌کنندگان باید در قابلیت‌ها و استعدادشان

هزینه‌یابی هدف خیلی کند و در سطح محدود رشد کرده است.^{۱۹}

تعریف هزینه‌یابی هدف

هزینه‌یابی هدف یک رویکرد ساختار یافته و منظم برای تعیین هزینه‌ی تولید می‌باشد که در آن یک محصول باید با سطح مشخصی از کیفیت و کارکرد و با قیمت فروش پیش‌بینی شده، به منظور ایجاد یک سطح مشخصی از سودآوری تولید شود. به عبارت دیگر، هزینه‌یابی هدف فرایندی است برای حصول اطمینان از این که آیا یک محصول با ویژگی‌های مشخص از لحاظ کیفیت، کارکرد و قیمت می‌تواند سطح رضایت بخشی از سودآوری ایجاد کند یا خیر. هزینه‌یابی هدف یک ابزار راهبردی قوی است که سازمان‌ها را هم‌زمان قادر به یافتن سه بعد کیفیت، هزینه و زمان می‌کند و هزینه‌ها را قبل از وقوع کنترل می‌کند. هم‌چنین هزینه‌یابی هدف، فرهنگی را مقرر می‌کند که به مشتری ارزش می‌دهد، کارکردهای هم‌عرض را هماهنگ می‌سازد و اطلاعات را شفاف می‌کند. و بالاخره این که، همه‌ی فعالیت‌های هزینه‌یابی هدف را نیازهای مشتریان هدایت می‌کند.^{۲۰}

عناصر هزینه‌یابی هدف

عناصر با اهمیت هزینه‌یابی هدف عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی و توسعه‌ی تولیدات - تعیین هزینه‌ی تولید - تعیین قیمت خرده‌فروشی - تعیین هزینه‌ی هدف - تعمیم هدف کاهش هزینه - مدیریت روابط با عرضه‌کنندگان - رسیدن به هزینه‌ی هدف یا مهندسی ارزش.^{۲۱}

برنامه‌ریزی و توسعه تولیدات، مهم‌ترین عنصر است. زیرا ۸۰ درصد هزینه‌ی تولید در این مرحله نهفته است. کارهایی که در این مرحله انجام می‌شود عبارتند از: ایجاد مشخصات مدل جدید که به انتظارات و نیازهای مشتریان بستگی دارد، ایجاد جدول توسعه (شامل: تصویب مدل، طراحی مجدد، احداث تجهیزات و امکانات، تهیه اجزاء و قطعات مدل، و تولید انبوه)، و محاسبه‌ی هزینه‌ی تولید برآوردی مدل جدید (هزینه‌ی مدل فعلی + هزینه‌ی طراحی مجدد).^{۲۲}

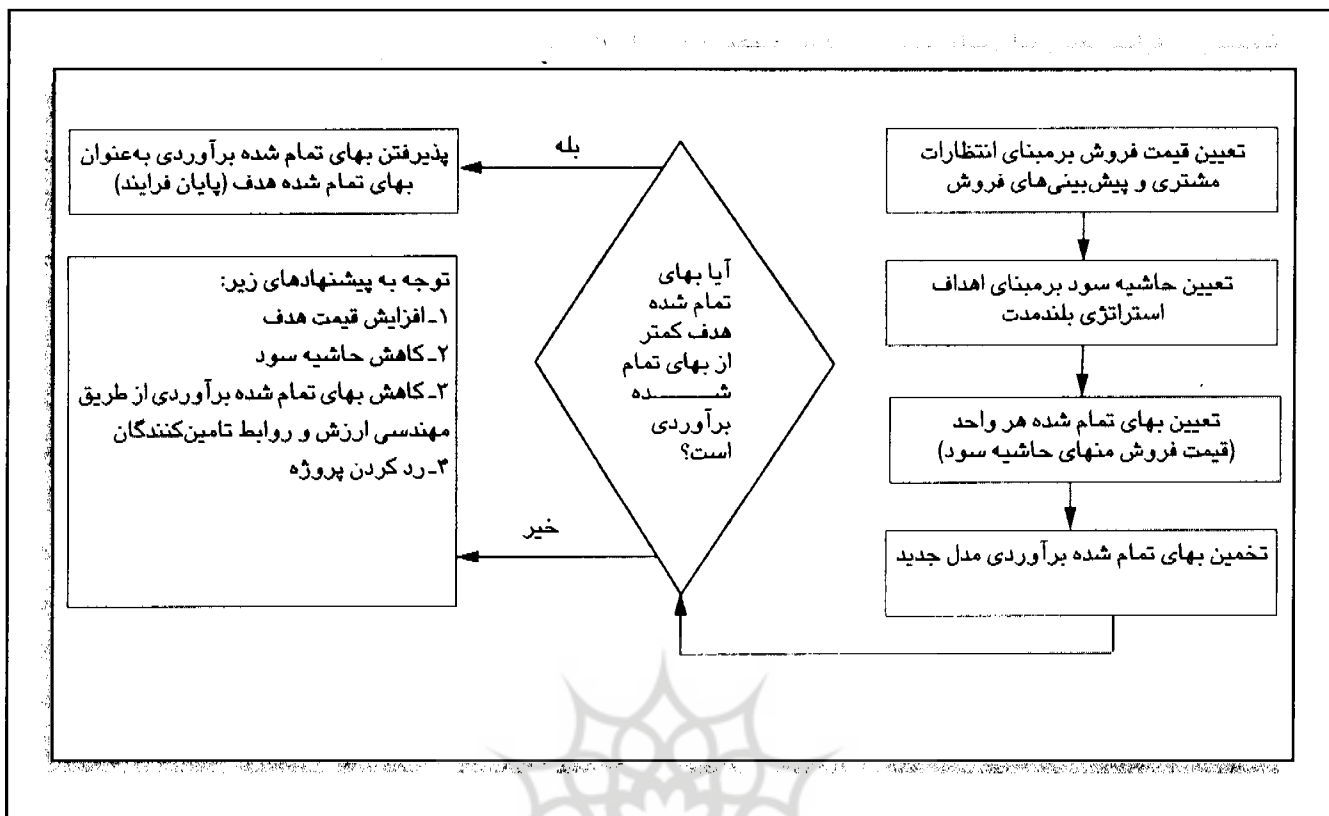
اطلاعاتی از مدیریت مبتنی بر فعالیت، مدیران را در بالا بردن کارایی و اثربخشی فعالیت‌های موجود یاری می‌دهد ولی آنها را در یافتن فرصت‌های جدید برای ایجاد ارزش برای مشتری کمک نمی‌کند. به این دلیل مدیریت مبتنی بر فعالیت ممکن است مدیران را با وجود کاهش سودآوری و تهدید بقا در بلندمدت، به بهینه‌سازی کارایی زنجیره‌ی عرضه در کوتاه‌مدت سوق دهد.^{۱۵}

هزینه‌یابی هدف

تاریخچه‌ی هزینه‌یابی هدف

نوشته‌های هزینه‌یابی هدف به اواخر ۱۹۸۰ برمی‌گردد. بنابراین مدت زیادی نیست که این مبحث مطرح شده است. ولی باز شناسی مفاهیم آن به گذشته‌های دورتر برمی‌گردد به طوری که، در ۱۹۴۷ در شرکت جنرال‌الکترونیک به کار گرفته شد. در ۱۹۶۳ شرکت تویوتا آن را به کار گرفت. تویوتا، هزینه‌یابی هدف را به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی هزینه‌ی تولید یک خودرو به مبلغ ۱۰۰۰ دلار به کار گرفت. در واقع هزینه‌یابی هدف را شرکت تویوتا در طول دهه‌ی ۱۹۶۰ شرح و بسط داد. مجله بررسی‌های تجاری هاروارد^{۱۶} از توشیرو هیروموتو^{۱۷} مقاله‌ی "دیگر زمین‌های پنهان حسابداری مدیریت ژاپنی" را به چاپ رساند که اولین مقاله انگلیسی زبان در زمینه‌ی مدیریت هزینه است. جالب است که نگاه او به این مفاهیم تحت عنوان "هزینه‌یابی هدف" بوده است. متأسفانه این عنوان که امروزه نیز مستعمل شده است کمی نامناسب است چرا که هزینه‌یابی هدف گسترده‌تر از یک سامانه‌ی هزینه‌یابی محض است و در واقع یک فرایند جامع کنترل و برنامه‌ریزی تولید است که شامل عناصر هزینه‌یابی نیز می‌شود.^{۱۸}

از زمان معرفی هزینه‌یابی هدف، استفاده از آن در سراسر ژاپن رایج شده است. بیش از ۸۰ درصد شرکت‌های قطعه‌سازی ژاپنی استفاده از این فن را پیش از ۱۹۹۰ آغاز کردند. زمانی که هیچ شرکتی در صنعت کاغذسازی از هزینه‌یابی هدف استفاده نمی‌کرد همه‌ی شرکت‌های صنعت تجهیزات حمل و نقل ژاپن به ارزش آن پی برده بودند. تجربیات شرکت‌های آمریکایی در مقایسه با شرکت‌های ژاپنی فرق دارد. شرکت‌های آمریکایی بیش از حد طرفدار استفاده از مدیریت سنتی هزینه هستند و در آنها سامانه‌های



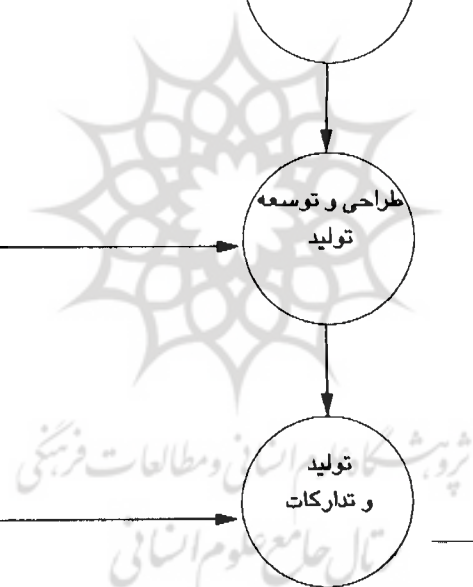
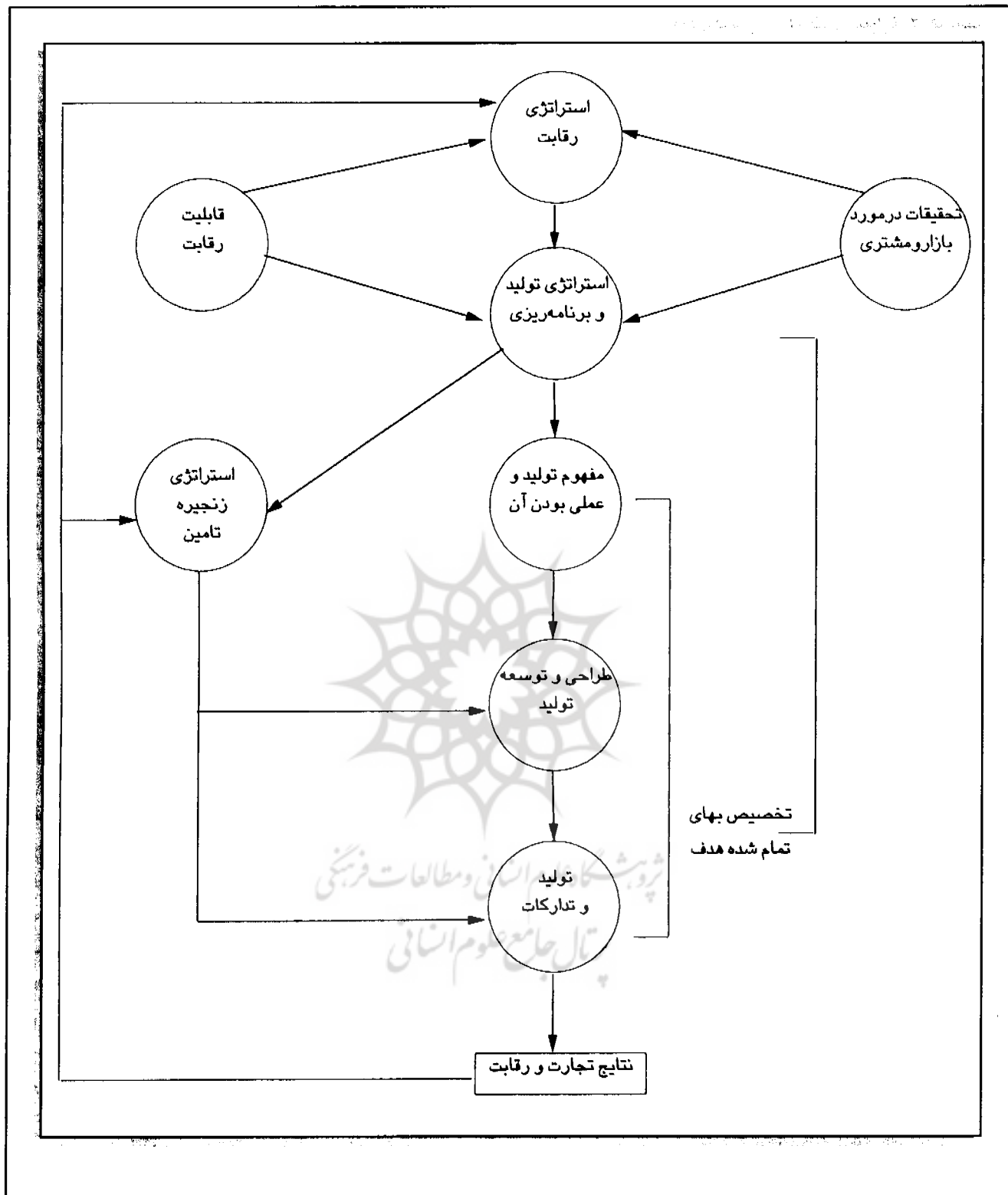
اعضای کاری برای مشارکت در ایجاد اهداف کیفیت، زمان و هزینه‌ی تولید، (۹) ورود به رقابت جهانی، و (۱۰) تغییر تصور پاسبانی به تصویری که یک عضو ارزشمند و حیاتی به‌خاطر عضو دیگر کار می‌کند.^{۲۳}

در هزینه‌یابی هدف به‌منظور دستیابی به اهداف همیشه به دنبال توسعه‌ی مدل جدید از طریق طراحی مجدد هستیم. حال برای تعیین قیمت و هزینه‌ی مدل جدید به‌صورتی که در ادامه می‌آید عمل می‌کنیم. برای تعیین قیمت مدل جدید باید به چند مبنای توجه کنیم: (۱) قیمت مدل فعلی، (۲) کیفیت و عملکرد مدل، (۳) قیمت تولیدات رقیب، و (۴) شرایط اقتصادی.

برای تعیین هزینه‌ی هدف از فرمول زیر استفاده می‌شود: حاشیه‌ی سود هدف = قیمت فروش = هزینه‌ی هدف که در آن قیمت فروش به‌صورت فوق‌الذکر تعیین می‌شود و حاشیه سود با در نظر داشتن فاکتورهایی مانند سهام بازار مطلوب، حجم فروش انتظاری، طول و مرحله‌ی چرخه‌ی عمر مدل و اهداف راهبردی کل شرکت تعیین می‌شود.

به‌طور کلی سامانه‌ی هزینه‌یابی هدف، دو هدف زیر را دنبال می‌کند. (۱) کاهش هزینه‌های محصولات جدید، به طوری که این محصولات اهداف سود را در کنار رسیدن به اهداف کیفیت، تحویل به موقع و قیمت مورد نظر بازار، تضمین کنند، (۲) ایجاد انگیزه در تمام کارکنان شرکت برای رسیدن به هدف سود در فرایند توسعه‌ی محصولات جدید، با تبدیل سیستم هزینه‌یابی هدف به هزینه‌یابی فعالیتی، سراسر شرکتی در مدیریت سود.

اگر در اجراء و حفظ یک سامانه‌ی هزینه‌یابی هدف موثر، موفق باشیم قادر به انجام مواردی هستیم که از پی می‌آید: (۱) تعیین هزینه‌ی انتظاری تولید محصول یا ارائه‌ی خدمات، (۲) دستیابی به هزینه‌ی کارا تر، (۳) خرج کردن پول در جایی که بیش‌ترین اثر خواهد داشت، (۴) شناسایی نیازهای مشتریان، (۵) تطابق فعالیت‌های شرکت با نیازهای مشتریان، (۶) افزایش رضایت مشتریان، (۷) آگاه ساختن اعضای کاری (همکاران) از اهداف هزینه، (۸) اجازه دادن به



نمایشگر ۳ ساختار کلی فرایند هزینه‌یابی هدف را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، برخلاف رویه‌های دیگر هزینه‌یابی، برابردار و توسعه تولیدات شرکت

هزینه‌ی هدف یا هزینه‌ی مجاز به دست آمده، عبارت از حداکثر هزینه‌ای است که شرکت باید در تولید، توزیع، ارائه خدمات، و اگذاری محصول متحمل شود. به صورت خلاصه فرایند تعیین هزینه‌ی هدف در نمایشگر ۲ آمده است.

کنکاشی پیرامون چهارچوب مفهومی گزارشگری مالی

موضوعات بسیار سخت است. همان طور که به تفصیل در ادامه خواهد آمد موضوع مشکل تر برقراری شرایطی است که استفاده از اندازه‌های جاری برای دارایی‌ها در ترازنامه پذیرفته شود.

بسیاری از مردم بیانیه‌ی اهداف هیات استانداردهای حسابداری مالی را به عنوان سندی بسیار با اهمیت تلقی می‌کنند. نتیجه‌گیری‌های این اثر با اصطلاحات کلی بازگو شده‌اند و حتی به نظر می‌رسد بدیهی هستند. با وجود این اولین بیانیه‌ی یک ارگان رسمی است که به ویژگی‌های فراگستری می‌پردازد که حسابداری را فایده‌مند می‌سازد.

نقطه‌ی شروع بیانیه، گزاره‌ای محکم است که می‌گوید گزارش‌های مالی هدف نیست بلکه بر آن است تا اطلاعاتی به دست دهد که برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تجاری فایده‌مند باشد. اگر شمار کوچکی از مردم با این گزاره مخالف‌اند اما در اینجا بیانیه در مرحله‌ای از شرح و بسط اهداف قرار دارد که بسیار ناروشن می‌نماید. این موضوع توجه ما را به پرسش‌های بعدی معطوف می‌کند. چه کسانی از گزارش‌های مالی برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند؟ آنها چه نوع تصمیماتی را می‌گیرند؟ آنها به چه نوع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری نیاز دارند؟

این بیانیه شمار زیادی از استفاده‌کنندگان و تصمیماتشان را فهرست می‌کند. سپس به چگونگی استفاده‌ی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از گزارش‌های مالی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعتباری و مشابه می‌پردازد.

در گام بعدی، یک نتیجه‌گیری مهم آمده است. و این مهم‌ترین نتیجه‌گیری بود که ارگانی استانداردگذار می‌توانست به آن دست یابد. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده از سوی

شرکت به سوی خودشان علاقه‌مندند. اعتباردهندگان می‌خواهند شانس دریافت‌های آینده‌اشان را برآورد کنند. سرمایه‌گذاران می‌خواهند سودهای تقسیمی آینده را برآورد کنند تا بتوانند براساس آن ارزش شرکت را پیش‌ارزیابی کنند. توانایی شرکت برای پرداخت به سرمایه‌گذاران و بستانکاران به دریافت‌ها و پرداخت‌های خودش بستگی دارد. بنابراین سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌خواهند جریان‌های نقدی و روزی آینده‌ی شرکت را پیش‌ارزیابی کنند. آنها به مبالغ، زمان‌بندی و عدم قطعیت جریان‌های نقدی، (که تا به اندازه‌ای ارزش آنها را تعیین می‌کند) علاقه‌مندند. از این رو بیانیه به هدف اصلی گزارش‌های مالی می‌رسد: هدف، فرآوردن اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران و بستانکاران است که به هنگام پیش‌ارزیابی مبالغ، زمان‌بندی و عدم قطعیت جریان‌های ورودی آینده‌ی شرکت فایده‌مند باشد.

هیات در این نقطه نیز نماند. هیات ادامه می‌دهد و ملازمات هدف اصلی را طرح می‌کند و از آن اهداف جزئی‌تر و فرعی را استنتاج می‌کند. گزارش‌های مالی باید اطلاعات منابع اقتصادی تحت تملک بنگاه و حق مطالبه از این منابع را فراهم آورد. این اطلاعات برای پیش‌ارزیابی جریان‌های نقدی آینده با اهمیت خواهد بود. هم چنین انتظار می‌رود که گزارش‌های مالی اطلاعاتی را در رابطه با عملکرد مالی یک بنگاه در طی یک دوره به دست دهد. عملکرد مالی خوب شامل تولید جریان‌های نقدی جاری یا ایجاد وضعیت برای بهبود جریان‌های نقدی آینده است. نتیجتاً ضرورت اطلاعاتی درباره‌ی عملکرد مالی راه دیگر بیان نیاز به اطلاعات جریان‌های نقدی است. هیات استانداردهای حسابداری مالی با صدور بیانیه‌ی اهداف به استقبال این ریسک رفت که مردم از قبول بیانیه‌های مفاهیم امتناع ورزند چرا که به نظر می‌رسید را به سوی

تصمیمات پیرامون مسائل جزئی هدایت می‌کند که مردم پسند نیستند. این تاکید بر پیش‌ارزیابی جریان‌های نقدی آینده می‌توانست این بدگمانی را ایجاد کند که هیات بعداً شرکت‌ها را ملزم خواهد ساخت تا جریان‌های نقدی آینده را در کنار جریان‌های نقدی واقعی منتشر کنند. و انتظار می‌رفت چنین الزامی برای مدیرانی که می‌دیدند با این کار در معرض ریسک فردی غیرقابل قبولی قرار می‌گیرند مطلوب نباشد. هیات استانداردهای حسابداری مالی این مسئله را برطرف کرد. هیات اظهار کرد، در بیانیه‌ی مفاهیم تمرکز اصلی گزارشگری مالی بر اطلاعات سود خالص و اجزایش است؛ و هم چنین افزود که اطلاعات مربوط به سودهای خالص بنگاه‌ها مبتنی بر حسابداری تعهدی است که عموماً نمای بهتری از توانایی کنونی و آینده‌ی شرکت را در تولید جریان‌های نقدی مساعد نشان می‌دهد تا اطلاعاتی که صرفاً به اثر مالی دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی محدود است. اطلاعات مالی باید نتایج رویدادها و معاملات گذشته را گزارش کند. و راه‌های گزینه‌ی گزارشگری این خبرها برطبق فایده‌مندی‌شان به عنوان درون داده‌هایی برای فرایند پیش‌بینی جریان‌های نقدی ارزیابی می‌شود. پیش‌بینی‌هایی که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به عمل می‌آورند و نه تهیه‌کنندگان اطلاعات؛ اما اطلاعات برگزیده باید فایده‌مندترین اطلاعات برای فرایند پیش‌بینی است.

تاکید اولیه‌ی بیانیه‌ی اهداف بر پیش‌ارزیابی جریان‌های نقدی آینده به نظر می‌رسد در ایالات متحده، انگلستان و اغلب کشورهای دیگر جهان یکسان باشد. هنوز امکان طرح این دلیل درباره‌ی تاکید نسبی که باید بر نیازهای سرمایه‌گذاران و بستانکاران از یک طرف و دیگر استفاده‌کنندگان مانند کارکنان و مقامات دولتی از طرف دیگر داده شود، وجود دارد. با وجود این، پیش

پیش‌بینی متضمن برکناری موضوع مهمی از بیانی‌های اهداف است. در صورتی اطلاعات صورت‌های مالی فایده‌مندند که به استفاده‌کنندگان در پیش‌ارزیابی جریان‌های نقدی آینده کمک کنند. ارزش باز خورد به ارزش پیش‌بینی مربوط است. استفاده‌کنندگان به اطلاعاتی از نتیجه‌ی واقعی چیزهایی که قبلاً پیش‌بینی کردند نیاز دارند - یعنی اطلاعاتی با ارزش باز خورد. چرا که بدین ترتیب می‌توانند کارایی فرایندهای پیش‌بینی‌شان را در بازبینی کنند و در صورت ناکارایی آنها را بهبود بخشند. ویژگی به هنگامی به ما یادآور می‌شود که اگر اطلاعات به موقع در دسترس نباشد فایده‌مند نخواهد بود. اطلاعاتی که با تاخیر قابل ملاحظه در دسترس قرار می‌گیرد و در عین حال فایده‌مندند ممکن است به نفع اطلاعاتی کنار گذاشته شوند که فایده‌مندی کم‌تری دارند ولی به‌هنگام در دسترس قرار می‌گیرد.

اتکاپذیری نیز دارای سه ویژگی فرعی است: تساییدپذیری، بازنمایی دقیق، و بی‌طرفی. تساییدپذیری حاکی از آن است که ارقام باید اثبات‌پذیری مستقل از سوی دیگران را که از روش توافق شده‌ای استفاده می‌کنند داشته باشد. بازنمایی دقیق به این معناست که اطلاعات حسابداری باید همان چیزی را بازنمایی کنند که قصد دارند بازنمایی کنند. به عبارت دیگر باید حقیقی باشند. بی‌طرفی متضمن اجتناب از سوگیری است. در عمل ممکن است کشف سوگیری مشکل باشد. با وجود این اطلاعات دست‌کم نباید برای پشتیبانی از گروهی خاص به ضرر گروه دیگر ارائه شود. ریسک‌پذیری و اتکاپذیری هر دو کیفیت‌های مطلوبی هستند. اگر اطلاعات کاملاً نامربوط باشد بی‌فایده است. اگر اطلاعات کاملاً اتکاناپذیر باشد آن هم بی‌فایده است. به شرط آن که بپذیریم باید حداقل شرایطی برای هر یک از ویژگی‌های ریسک‌پذیری و اتکاپذیری برآورد شود آن‌گاه

در چارچوب مفهومی آورده شده است. این مفهوم که تصمیمات حسابداری به پیش‌ارزیابی بها و مزیت بستگی دارد ممکن است در ایالات متحد به آسانی قابل قبول باشد. زیرا آن جا حساب‌برسان باید گزارش کنند که آیا صورت‌های مالی برطبق اصول پذیرفته شده‌ی همگانی حسابداری منصفانه ارائه شده‌اند. در انگلستان حسابداران ممکن است دلیل بیاورند که آنها نمی‌توانند آزمون بها و مزیت را به کار بندند زیرا این جا حساب‌برسان تعهد قانونی دارند که گزارش بدهند آیا حساب‌نامه‌ها منطقی درست و عادلانه را نمایش می‌دهند. بنابراین اطلاعات را نمی‌توان نادیده گرفت. اما آنها می‌توانند حجت بیاورند که اگر ضروری است تا منطقی درست و منصفانه نمایش داده شود آن گاه بهای اطلاعات بسیار گزاف خواهد بود. با این وجود به نظر می‌رسد این استدلال به نظر می‌رسد با عمل واقعی حسابداران به سختی مطابقت دارد. گزارش یک دارایی به بهای تمام شده‌ی پنجاه سال پیش از این شاید به دلیل هزینه‌های بالای تحدید ارزیابی یا دیگر ملاحظات توجیه داشته باشد، اما مشکل می‌توان پذیرفت که به منطقی درست و منصفانه، به مفهوم واقعی کلمه، بینجامد. به نظر می‌رسد این اصطلاح یک اصطلاح ذوقی (هنری) باشد، و شاید با اصطلاح آمریکایی اصول حسابداری پذیرفته شده‌ی همگانی حسابداری تفاوت ندارد. در انگلستان، عمل حسابداری به وضوح تحت تاثیر ملاحظات بها - مزایای قرار دارد و ماهیت منظر درست و منصفانه تحت همان تاثیر قرار می‌گیرد (به عنوان مثال، اتکاء به آزمون اهمیت نیز با آزمون بها - مزایا نیز توجیه‌پذیر است).

تمرکز اصلی بیانی‌های ویژگی‌های کیفی مبتنی بر دو مفهوم همزاد ریسک‌پذیری و اتکاپذیری است. ریسک‌پذیری سه ویژگی فرعی را پوشش می‌دهد: ارزش پیش‌بینی، ارزش بازخورد و به هنگامی. ارزش

ارزیابی جریان‌های نقدی آینده احتمالاً برای تمام استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی مهم است و بالتبع گزینش‌های دقیق استفاده‌کنندگان برای تمرکز بر احتمالات چندان اهمیت ندارد (اگر چه علایق دولت ممکن است فراگیرتر باشد). توافق بر بیانی‌های از اهداف به‌ویژه می‌تواند در حل و فصل موضوعات بحث‌انگیز در حسابداری مفید باشد. مثلاً استانداردهای انگلستان درباره‌ی حسابداری بهای جاری، مردم را به آنجا رساند که فایده‌مندی‌شان را زیر سوال ببرند. یک بیانی‌های مستقل درباره‌ی اهداف، نقطه‌ی مرجع سودمندی برای پاسخ به این سوالات است.

ویژگی‌های کیفی

دو واژه به عنوان نشانگرهای پیام اصلی بیانی‌های ویژگی‌های کیفی شناخته می‌شود: ربط‌پذیری و اتکاء‌پذیری. اهمیت این دو اصطلاح در ادامه تبیین می‌شود. با وجود این، اول، این که ایده‌ای در خور بحث فراهم می‌کند. این ایده عبارت است از این که تصمیمات حسابداری باید متضمن تحلیل بها و مزیت باشد. تدارک اطلاعات مالی، بها در بردارد. اطلاعات سودمند بدون بها فراهم نمی‌شود. بعضی اوقات اطلاعاتی که به‌طور بالقوه از مزیت برخوردار است باید نادیده گرفته شود زیرا تهیه‌ی آنها بهای گزافی دارد. اطلاعات باید تنها زمانی تهیه شود که مزایای آن بیش از بهاگانش است. بنابراین حالا چرا هیات استانداردهای حسابداری مالی قابل درک است که این ایده را بسیار محتاطانه بیان کرده است. قضاوت‌های ذهنی در آزمون‌های بها و مزیت، نقشی مسلط ایفاء می‌کنند. بهای تهیه‌ی اطلاعات را اغلب می‌توان برحسب پول برآورد کرد، اما مزایا را نمی‌توان به همین شیوه برآورد کرد. این خطر وجود دارد که این دوران‌دیشی بهانه‌ای برای اجتناب از الزامات بحث‌انگیز است. به‌هرحال به نظر می‌رسد این مفهوم اعتبار دارد و به درستی

"Qualitative Characteristics of Accounting Information", Statement of Financial Accounting Concepts No.2, (FASB, 1980).

8- Financial Accounting Standards Board, "Elements of Financial Statements of Business Enterprise", Statement of Financial Accounting Concepts No 3, (FASB, 1980).

9- Financial Accounting Standards Board, "Proposed amendments to FASB Concepts statements 2 and 3 to Apply them to nonbusiness Organizations", Proposed Amendment to Statements of Financial Accounting Concepts (FASB, 1983).

10- Accounting Standards Committee, "Disclosure of Accounting Policies", Statement of Standard Accounting Practice No.2, (Institute of Chartered Accountants in England and Wales, 1971).

11- Op. cit.p.38.

12- Op. cit.p.40.

باشند آن‌گاه محافظه‌کاری به ما دیکته می‌کند که برآوردی را بپذیریم که خوشبینی کم‌تری دارد. با وجود این، اگر دو مبلغ دارای احتمال مساوی نباشند محافظه‌کاری ضرورتاً به ما دیکته نمی‌کند که از مبالغی که بدبینی بیش‌تر دارد به جای مبلغی که احتمال وقوع بیش‌تری دارد استفاده کنیم.^{۱۲}

* Carsberg, V.Bryan., "The Quest for a Conceptual Framework for Financial Reporting" in Carsberg, B.V. and Dev,S, "External Financial Reporting", Prentice Hall (1984)

1- conceptual framwork

2- W.A.Paton and A.C.Littleton. "An Introduction to Corporate Accounting Standards", Monograph No 3 (American Accounting Association, (1940).

3- M. Moonitz, "The Basic Postualtes of Accounting", Accounting Research Study No.1 (AICPA, 1961) and R.T. Sprouse and M. Moonitz, "A Tentative set of Broad Accounting Principles for Business Enterprises (New york: AICPA, 1962).

4- American Institute of Certified Public Accountants, Study Group on the Objectives of Financial Statements, Objectives of Financial Statement, (A.I.C.P.A.,1973).

5- Financial Accounting Standards Board, "Objectives of Financial Reporting by Business Enterprises", Statement of Financial Accounting Concepts No 1, (F.A.S.B., 1978).

6- Financial Accounting Standards Board, "Objectives of Financial Reporting by Nonbusiness Organizations", Statement of Financial Accounting Concepts No.4 (FASB, 1980).

7- Financial Accounting Standards Board,

خودمان را در وضعیتی خواهیم یافت که باید بین این دو توازن برقرار کنیم. برخی اوقات برای رسیدن به ربط‌پذیری باید اتکاپذیری قربانی شود و برعکس. به‌طور مثال ارزش‌های جاری ممکن است مربوط‌تر از اندازه‌های بهای تاریخی باشد اما اتکاپذیری کم‌تری دارند. اطلاعات در این شرایط متضمن قضاوت ذهنی درباره‌ی چگونگی برقراری توازن بین این ویژگی‌ها است. دو کیفیتی که به‌طورسستی در مباحث پیرامون اطلاعات حسابداری اهمیت بالایی یافته‌اند عبارت‌اند از مقایسه‌پذیری و همسانی. این دو در بیانیه‌ی هیات استانداردهای حسابداری آمده‌اند اما نقش فرعی دارند. این‌ها به عنوان کیفیات فایده‌مند تلقی می‌شوند اما کیفیت‌هایی هستند که اگر توجه کافی به کیفیت‌های دیگر مبذول گردد به‌طور خودکار حاصل خواهند شد.

یکی از بخش‌های بسیار جالب بیانیه‌ی ویژگی‌های کیفی به کیفیت محافظه‌کاری می‌پردازد. محافظه‌کاری مدت‌ها است که یکی از مهم‌ترین رهنمودهای در دسترس حسابداران است. دومین بیانیه‌ی ارگان استانداردهای انگلستان به محافظه‌کاری جایگاه ویژه‌ای می‌دهد.^{۱۰} هیات استانداردهای حسابداری مالی با احتیاط کوشیده است تا تاکید براین ویژگی را محدود کند. هیات می‌گوید: "از این پس در گزارشگری مالی نباید به عمد از محافظه‌کاری برای کم‌نمایی دارایی‌ها و سود خالص استفاده شود."^{۱۱} تعمد در کم‌نمایی دارایی‌ها در حال حاضر ممکن است در ستیج با ویژگی بی‌طرفی باشد. زیرا به موجب آن ارزش شرکت کم برآورد می‌شود و در نتیجه به ضرر سرمایه‌گذاران جاری و نفع سرمایه‌گذار آینده است. با وجود این، محافظه‌کاری کاملاً خارج از چارچوب حسابداری نیست. اگر دو برآورد از مبلغی که باید در آینده دریافت یا پرداخت گردد احتمال نسبتاً مساوی داشته

پوش

مقاله "مالیات مبتنی بر ارزش افزوده" به قلم آقای غلامرضا سلامی که در "حسابدار" شماره (۱۵۸) به چاپ رسید اعلام شده که این مقاله در همایش حسابداری و توسعه‌ی بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۸۲ برگزار شد ارائه گردیده است. لازم به یادآوری است که این مقاله برای اولین بار در "حسابدار" شماره (۱۵۸) درج گردیده و توضیح ذکر شده در همایش مقاله اشتباه می‌باشد زیرا مقاله یاد شده اساساً در همایش مورد بحث ارائه نگردیده بود.

تجربه‌ی بانکداری خصوصی در ایران

۵- ارکان بازار پول و سرمایه: در اقتصادهای پیشرفته‌ی دنیا پس از سالیان دراز و در جهت برطرف نمودن نیازهای جوامع خود انواع موسسات پولی و مالی به عنوان واسطه مالی بین سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران ایجاد گردیده است، و هر یک از موسسات نقشی را که مختص گروه مربوط می‌باشد ایفا می‌نمایند. بانک، عملیات بانکی انجام می‌دهد، بیمه فعالیت بیمه‌گری می‌نماید. شرکت‌های سرمایه‌گذاری باز و بسته نقش مربوط به خود را انجام می‌دهند. کارگزاری‌های بورس، بانک‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق پس‌انداز و وام مسکن و غیره. ... هر یک فعالیت‌های تخصصی خود را انجام می‌دهند.

اگر بانکداری اسلامی به ترتیب واقعی اسلامی پیاده و اجرا شود یعنی بانک با سپرده‌گذار شراکت نماید و با سرمایه‌پذیر نیز مشارکت نماید، این فعالیت چیزی جز شرکت سرمایه‌گذاری باز (Mutual Funds) در آمریکا و Unit Trust در انگلستان نمی‌باشد (البته در سطحی بسیار ابتدایی و غیرقابل قبول طبق مقررات قبول شده بین‌المللی). بدیهی است اگر بانک عملیات یک شرکت سرمایه‌گذاری باز را انجام دهد، کدام موسسه یا شخص نقش بانک را ایفا می‌نماید؟

"قانون بانکداری بدون ربا" مشکلات اساسی دارد و در صورتی که اصرار به رعایت کامل قانون شود، "فعالیت بانکی" به خارج از سامانه‌ی بانکی و نظارت شده توسط بانک مرکزی منتقل می‌شود و احتمالاً توسط عده‌ای نامستول و ناصالح انجام خواهد گرفت. در وضعیت فعلی به‌رغم عملیات دست و پاگیر، افراد ذی‌صلاح بانکی سعی در اجرای قانون بانکداری بدون ربا دارند. اگر لازم شود که قانون واقعاً به نحو اسلامی اجرا گردد، متأسفانه، ما دیگر بانکی نخواهیم داشت و مطمئناً سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران مجبور خواهند شد از سامانه‌ی خارج از سامانه‌ی فعلی بانک احتیاجات خود را تأمین نمایند.

راه چاره‌روشی است که دولت مالزی به کار گرفته است. یعنی موازی سامانه‌ی بانکداری اسلامی، بانکداری سنتی یا غربی نیز عرضه شود و حق انتخاب با سرمایه‌گذار (سپرده‌گذار) و سرمایه‌پذیر (تسهیلات گیرنده) است. با پیشرفت بازار پول و سرمایه در کشور و شفاف‌تر شدن بازار به‌طور اعم و فعالیت سرمایه‌پذیران به‌طور اخص، نقش بانک‌ها به مرور کم‌رنگ‌تر می‌شود و سرمایه‌گذاران به‌طور مستقیم قسمت عمده‌تری از منابع خود را به صورت مشارکت در اختیار سرمایه‌پذیران قرار خواهند داد.

گواهی سپرده را معمولاً بانک‌ها و موسسات اعتباری منتشر می‌کنند و یکی از ابزارهای تأمین مالی برای این‌گونه موسسات تلقی می‌گردد. خریدار با خرید گواهی سپرده مبلغ معینی را برای

عهدی بازار یا نیروهای عرضه و تقاضا محول نماید.

۲- قانون بانکداری اسلامی با نظریه‌ی ریسک‌گریزی سپرده‌گذاران هم‌خوانی ندارد. همه‌ی سپرده‌گذاران ریسک‌پذیر نیستند. در صورتی که بانکداری اسلامی فرض را بر این می‌گذارد که همه‌ی سپرده‌گذاران باید به نحوی ریسک قبول کنند.

۳- قانون بانکداری اسلامی وجود خط بازار سرمایه را که حاصل دوقطه‌ی "بازدهی بدون ریسک" و "پرتفوی کارا" می‌باشد رد می‌کند و بازار را تبدیل به مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌های ریسکی می‌نماید. با حذف ابزار با "نرخ ثابت" و از قبل تعیین شده، مجموعه‌های سرمایه‌گذاری شده (پرتفوها) در بهترین حالت بر روی منحنی پرتفوی کارا قرار می‌گیرد و این منحنی به‌جز در نقطه تماس با خط بازار همیشه زیر این خط قرار دارد. به عبارت دیگر به استثنای یک نقطه (نقطه‌ی مماس) در سامانه‌ی بانکداری اسلامی همیشه برای یک "نرخ بازدهی"، سرمایه‌گذاران مجبور به تقبل ریسک بیش‌تر هستند یا با یک "ریسک برابر" بازدهی کم‌تری عایدشان می‌شود.

۴- روی دیگر سکه‌ی درآمد یا بازدهی "سرمایه‌گذاران"، هزینه‌ی تأمین مالی (Cost of Capital) از نظر "سرمایه‌پذیران" یا شرکت‌های استفاده‌کننده از منابع مالی می‌باشد. در طرف چپ ترازنامه‌ی هر شرکت (اعم از تولیدی، خدماتی، ساختمانی...) پنج ترتیب عمومی تأمین مالی وجود دارد. این‌ها عبارتند از: الف) اعتبارات کوتاه‌مدت، ب) بستانکاران یا تسهیلات دریافتی از فروشندگان، پ) وام‌های درازمدت یا اوراق قرضه، ت) سهام ممتاز یا اوراق مشارکت یا تسهیلات دریافتی از سهامداران، و ث) سرمایه یا سهام عادی و اندوخته‌ها.

همان‌طور که می‌دانید بند الف) دارای حداقل ریسک و بند ث) دارای حداکثر ریسک می‌باشد. هر چه از الف) دورتر می‌شویم منابع ریسکی‌تر می‌شود و الزاماً اعطاکنندگان این منابع بازدهی بیش‌تری را انتظار دارند. به عبارت دیگر تأمین مالی از طریق بند ث) بالاترین هزینه‌ی مالی را به شرکت سرمایه‌پذیر تحمیل می‌کند. در بانکداری اسلامی، بندهای الف) و پ) از جمع منابع قابل دسترس سرمایه‌پذیران حذف می‌گردد و این سبب می‌شود که "میانگین وزنی هزینه‌ی تأمین مالی" برای موسسات ایرانی حتی درحالت برابر اقتصادی / سیاسی بالاتر از شرکت‌های مشابه در کشورهایی باشد که دارای سامانه‌ی بانکداری سنتی هستند. بنابراین اگر امروز به‌فکر قانون کار و قانون مالیات‌ها هستیم تا تولیدکنندگان ایرانی بتوانند تحت تجارت بین‌المللی (WTO) رقابت نمایند، هزینه‌ی تأمین مالی و قانون بانکداری اسلامی یکی دیگر از عوامل بازدارنده‌ی شرکت‌های ایرانی خواهد شد که هزینه‌ی اضافی مالی به آنها تحمیل می‌کند و عملاً قادر به رقابت بین‌المللی نخواهند بود.

مدت معینی در بانک ناشر سرمایه‌گذاری می‌کند. بانک ناشر گواهی متعهد به پرداخت اصل گواهی سپرده در سررسید می‌باشد. گواهی سپرده به چندین روش منتشر می‌شود. بعضی از گواهی سپرده‌ها که معمولاً حجم و مبلغ آن‌ها بالاست بازار ثانویه دارند و امکان معامله آن‌ها تا قبل از سررسید وجود دارد. معمولاً این نوع گواهی بی‌نام است و حامل گواهی مالک آن می‌باشد. بی‌نام بودن گواهی باعث می‌شود که نیازی به ثبت نقل و انتقال و پرداخت هزینه معامله و یا هزینه نقل و انتقال نداشته باشد.

از آنجا که بانک کارآفرین قرار است به عنوان یک بانک عمده‌فروش عمل نماید بنابراین لازم است در بازار پول و سرمایه نقش عمده‌ای داشته باشد و قسمتی از منابع‌اش را از این طریق تأمین نماید. بدین منظور بانک کارآفرین درصدد است که گواهی سپرده را برای اولین بار در کشور و با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در راستای ایجاد ابزار مالی در یک بازار رسمی شکل گرفته منتشر کند تا بدین وسیله ضمن جمع‌آوری منابع کوتاه‌مدت این امکان را برای سرمایه‌گذارانی که در کوتاه‌مدت مازاد نقدینگی دارند فراهم نماید تا بتوانند از این طریق از وجوه مازاد خود در مقاطع زمانی کوتاه‌مدت استفاده‌ی بهینه نمایند.

سهام ولی بیش‌تر از اوراق مشارکت دولتی سرمایه‌گذاری نماید، این امکان برای موسسات وجود ندارد. اگر چه انتشار اوراق مشارکت بخشی از تقاضا بازار پول کشور را تأمین نموده ولی عملاً تکافوی تقاضای بالقوه را نمی‌نماید. بانک کارآفرین در جهت ایفای نقش خود به‌عنوان مشاور مالی مشتریان خود درصدد است با انتشار گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری بخشی از نیازهای مشتریان خود و بخشی از نیازهای بازار پول و سرمایه را پوشش دهد. گواهی سپرده علاوه بر تمامی امتیازاتی که انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری دارا می‌باشند، از قابلیت نقد شدن در هر زمان بدون تحمل هزینه با جریمه ابطال توسط مالک را دارا می‌باشد و هم چنین ناشر ضمن انتشار گواهی نسبت به ایجاد بازار ثانویه از طریق خرید و فروش گواهی خود قبل از سررسید، قابلیت نقد شدن گواهی را حفظ می‌نماید.

گواهی سپرده منتشره توسط بانک از ویژگی‌های ذیل برخوردار می‌باشد:

۱- ارائه ابزار مالی جدیدی به بازار پول.

۲- قابلیت نقدینگی بالا و قابل معامله در بورس اوراق بهادار (پس از پذیرش در بورس) از طریق کارگزاران بورس.

۳- معافیت سود سپرده از پرداخت مالیات.

۴- متغیر بودن میزان بازده سرمایه‌گذار با توجه به شرایط روز بازار و نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سود اوراق مشارکت.

۵- قابلیت کسب سود از منابع کوتاه مدت برای سرمایه‌گذاران.

۶- گواهی منتشره ۳۰ و ۹۰ روزه می‌باشد که در سررسید اصل مبلغ از سوی بانک بازپرداخت می‌شود.

۷- گواهی منتشره بانک در قالب اوراق پنجاه، یکصد، دویست، پانصد و هزار میلیون ریال منتشر می‌شود.

۸- گواهی منتشره بی‌نام بوده و نیازی به ثبت نقل و انتقال وجود ندارد و حامل اوراق مالک آن می‌باشد.

۹- گواهی سپرده منتشره توسط بانک مشمول سپرده قانونی متناسب با سپرده سرمایه‌گذاری مشابه بوده و لذا بانک سپرده قانونی آن را محاسبه و در موعد مقرر به بانک مرکزی پرداخت خواهد نمود.

بانک کارآفرین به منظور جذب منابع کوتاه مدت اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای مازاد نقدینگی می‌باشند اقدام به انتشار گواهی مذکور می‌نماید. علی‌الاصول منابع ریالی کارآفرین از چند گروه به دست می‌آید: الف) سپرده سرمایه‌های عامه مردم، ب) سپرده‌های شرکت‌های طرف معامله با بانک، پ) منابع تجهیز شده از بازار پول و سرمایه کاهش میزان نقدینگی مورد نیاز و مدیریت نقدینگی بهتر بانک، توسعه و افزایش حجم منابع در دسترس بانک و وسیله عدم اتکا و وابستگی به یک منبع خاص و ایجاد امکان استقراض در بازارهای مختلف که وابستگی بانک را به هریک از منابع مختلف کاهش دهد، ایجاد تنوع در اوراق بهادار قابل سرمایه‌گذاری و پوشش سرمایه‌گذاری‌های مختلف با درجات ریسک متفاوت و ... از جمله دلایل و مزایایی هستند که بانک را بر آن داشت تا طرح انتشار گواهی مدت سپرده را پیشنهاد نماید. هم چنین بانک با اجرای طرح فوق منابع حاصله را در بخش‌های مختلف اقتصادی به مصرف رسانیده و بدین وسیله ضمن افزایش سودآوری ابزار جدیدی را به بازار معرفی می‌نماید. بانک‌ها در کشورهای با اقتصاد پیشرفته برای مشتریان خود خدمات متنوعی عرضه می‌نمایند و به معنای واقعی مشاور مالی مشتریان خود می‌باشند. در کشور ما به لحاظ عدم رشد کافی بازارهای مالی و پولی، امکان سرمایه‌گذاری محدود به خرید سهام، اوراق مشارکت و افتتاح حساب سپرده می‌باشد. چنانچه سرمایه‌گذار بخواهد در اوراق برای بهاداری با درجه ریسک کم‌تر از

- مرکزی جمهوری اسلامی ایران انتشار یافته است.
- ۲- این گواهی بی‌نام بوده و قابل انتقال به غیر می‌باشد. از نظر بانک دارنده این گواهی مالک آن شناخته می‌شود.
- ۳- دارنده این گواهی برای به‌کارگیری وجه آن بانک کارآفرین وکالت بلاعزل و با حق توکیل به غیر داده است.
- ۴- در سررسید، مدت اعتبار گواهی خاتمه یافته و وجه آن توسط بانک به دارنده آن پرداخت می‌شود.

سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط اساسی لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هر یک از بانک‌ها و موسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار نمایند. کارکرد اصلی این نسبت حمایت‌بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است. به دلیل حفاظتی که این نسبت در برابر زیان‌های وارده ایجاد می‌کند، حفظ و نگهداری سرمایه کافی و متناسب با مخاطرات موجود منبع اصلی اعتماد عمومی به هر بانک به طور اخص و سیستم بانکی به طور اعم است. بدین لحاظ در قانون پولی و بانکی کشور نیز ضرورت تاکید گردیده و در ماده ۱۴ این قانون به همین نسبت سرمایه به انواع دارایی‌ها صریحاً اشاره شده است. در این رابطه آیین‌نامه کفایت سرمایه به شرح ذیل جهت تصویب اعضای محترم شورای پول و اعتبار تقدیم می‌شود:

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه (طبق تعریف ارائه شده در آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه) به مجموعه دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد (طبق تعریف ارائه شده در ماده ۵ این آیین‌نامه) است.

از نظر این آیین‌نامه کشورهای مختلف جهان از منظر ریسک کشوری به دو گروه ذیل طبقه‌بندی می‌شوند. "گروه الف"، "گروه ب" "گروه الف"، شامل کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، کشورهایی که تحت ترتیبات عمومی صندوق بین‌المللی پول با موسسه یاد شده اقدام به عقد قرارداد عمومی استقراض نموده‌اند، و کشورهایی که از پنج سال گذشته بدهی‌های ارزی دولتی خود را استمهال نکرده باشند، است.

"گروه ب" شامل سایر کشورها می‌گردد. بانک‌ها و موسسات اعتباری مستقر در گروه الف عبارتند از بانک‌ها و موسسات اعتباری هستند که در کشورهای گروه الف ب ثبت رسیده‌اند و

ریال) تا تاریخ معینی به بانک ارسال نمایند. بانک با بررسی پیشنهادهای واصله و توجه به شرایط و صرفه و صلاح خود، بالاترین قیمت‌های دریافتی را قبول و مبلغ گواهی موردنظر خود را به خریداران انتخاب شده اختصاص و نتیجه را به آنان اعلام خواهد نمود. به این ترتیب فروش گواهی‌ها به صورت مزایده انجام می‌گیرد و سود هر خریدار براساس مابه‌التفاوت قیمت خرید او با مبلغ اسمی گواهی که در سررسید دریافت می‌نماید تعیین می‌شود.

عرضه گواهی سپرده از طریق شعب بانک کارآفرین انجام می‌گردد. گواهی سپرده‌های منتشره به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و صندوق‌های بازنشستگی و موسسات و سایر متقاضیان عرضه می‌گردد. تا پذیرش این گواهی در سازمان بورس اوراق بهادار بازار ثانویه این گواهی از طریق شعب بانک کارآفرین و بعد از پذیرش در بورس طبق آیین‌نامه مربوطه معامله خواهد شد.

احتراماً، بانک کارآفرین در نظر دارد گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری (عام) ۳۰ و ۹۰ روزه در تاریخ منتشر نماید علاقه‌مندان به خرید این نوع گواهی می‌توانند حداکثر تا تاریخ فرم ذیل را تکمیل و "در پاکت درسته" و به صورت "محرمانه، مستقیم" به امور مالی بانک ارسال دارند. این بانک در قبول تقاضاهای رسیده اختیار تام دارد.

متن پیشنهادی برای درج در ظهر گواهی سپرده:
۱- این گواهی براساس مجوز شماره مورخ بانک

این شرکت/ اینجانب علاقه‌مند به پذیره‌نویسی حداکثر مبلغ میلیون ریال از گواهی ۳۰ و ۹۰ روزه منتشره در تاریخ به قیمت خرید پیشنهادی (درصدی از ۱۰۰ ریالی) برای گواهی ۳۰ روزه و به قیمت خرید پیشنهادی (درصدی از ۱۰۰ ریالی) برای گواهی ۹۰ روزه می‌باشم.

آدرس و شماره تماس پذیره نویسنده:

محل امضاء

نمونه گواهی سپرده بانک کار آفرین

یکصد میلیون ریال

شماره سریال:
کد اقتصادی:بانک کار آفرین
سرمایه پرداخت شده: دویست میلیارد ریال
به شماره ثبت ۱۵۷۹۱۵

گواهی سپرده مدت‌دار ویژه سرمایه‌گذاری (عام)

تاریخ صدور:

تاریخ سررسید:

مدیر امور مالی

قائم‌مقام مدیر عامل

۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

شامل شعب این بانک‌ها و موسسات اعتباری در سایر کشورها نیز می‌شود. بانک‌ها و موسسات اعتباری مستقر در گروه ب عبارت از بانک‌ها و موسسات اعتباری هستند که در کشورهای گروه ب به ثبت رسیده‌اند و شامل شعب این بانک‌ها و موسسات اعتباری در سایر کشورها نیز می‌شود.

حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها و موسسات اعتباری (اعم از دولتی و غیردولتی) ۸ درصد تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در مواردی که استانداردهای بین‌المللی و یا ضرورت حفظ سلامت بانک‌ها و موسسات اعتباری اقتضا کند حدود بالاتری را برای تمام یا برخی از بانک و موسسات اعتباری تعیین کند.

بنابراین، در این زمینه:

منظور از "مطالبات" در آیین‌نامه خالص تسهیلات اعطایی (پس از کسر سود سال‌های آینده، وجوه دریافتی مضاربه، حساب مشترک مشارکت مدنی)، سپرده‌گذاری در سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری، تسهیلات بین بانکی، تسهیلات اعطایی به ارز، تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی، تامین مالی بلندمدت و کوتاه‌مدت با استفاده از منابع خارجی (فاینانس، ری‌فاینانس و انواع یوزانس) و موارد مشابه است.

کلیه ارقام دارایی‌های بانک‌ها و موسسات اعتباری اعم از ارقام بالای خط و ارقام زیرخط ترازنامه باید برحسب ریسک مربوط به ترتیبی که در این آیین‌نامه تعریف شده است، موزون شوند. ضرایب ریسک انواع دارایی‌ها متناسب با مخاطرات احتمالی آنها به ترتیب صفر، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰ درصد می‌باشد. براین اساس دارایی‌های مختلف بانک‌ها به شرح ذیل موزون می‌شوند:

۱) ارقام بالای خط - دارایی‌های مشمول ضریب ریسک صفر درصد: وجوه نقد (حساب صندوق، اسکناس و نقود بیگانه، طلا و نقره)، مطالبات از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (شامل سپرده قانونی، حساب جاری نزد بانک مرکزی و سایر موارد مشابه است)، تسهیلات اعطایی به دولت جمهوری اسلامی ایران و تسهیلاتی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تضمین شده باشد، مطالبات از بانک‌های مرکزی و یا دولت‌هایی که در گروه "الف" قرار دارند و مطالباتی که توسط بانک‌های مرکزی و یا دولت‌های این گروه از کشورها صریحاً تضمین شده باشد، مطالبات از دولت‌های مرکزی کشورهای واقع در گروه "ب" برحسب پول ملی وام‌گیرنده، مطالبات از وام‌گیرندگان کشورهای واقع در گروه "ب" که صریحاً توسط دولت و یا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا دولت‌های مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا دولت‌های مرکزی و بانک‌های مرکزی

بالای خط تلقی نمود. ضریب تبدیل باید برای هر یک از اقلام زیرخط به شرح ذیل اعمال شود. ۱) تعهدات مشمول ضریب تبدیل صفر درصد: تعهداتی که بدون قید و شرط از طرف بانک قابل فسخ بوده و سررسید آنها کم‌تر از یک سال است، حساب‌های انتظامی و اقلامی که زیرخط ترازنامه فقط به منظور نگهداری آمار درج می‌شود.

۲) ضریب تبدیل ۲۰ درصد: اعتبارات اسنادی صادر یا تایید شده‌ای که کالای موضوع آن وثیقه است پس از کسر مبلغ پیش دریافت از مشتریان، ضمانت‌نامه‌های ریالی یا ارزی که کم‌تر از یک سال به سررسید آن باقی مانده باشد پس از کسر سپرده‌های نقدی دریافتی از مشتریان.

۳) ضریب تبدیل ۵۰ درصد: اعتبارات اسنادی صادر و یا تایید شده‌ای که کالای موضوع آن وثیقه نیست پس از کسر مبلغ پیش دریافت از مشتریان، ضمانت‌نامه‌های ریالی یا ارزی که یک سال یا بیش‌تر به سررسید آن مانده باشد پس از کسر سپرده نقدی دریافتی از مشتریان، تعهدات بابت قراردادهای منعقدہ معاملات، تضمین اوراق مشارکت منتشر شده توسط شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی.

۴) ضریب تبدیل ۱۰۰ درصد: ظهورنویسی اسناد و بروات، سایر تعهدات.

جمع اقلام بالای خط و زیر خط که براساس ضرایب ریسک موزون شده است در مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه قرار می‌گیرد، صورت کسر نیز براساس ضوابط مندرج در "آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه" محاسبه می‌شود بدین ترتیب سرمایه پایه نسبت کفایت سرمایه = اقلام بالای خط (ضریب ریسک) + اقلام زیر خط (ضریب تبدیل) (ضریب ریسک)

آن دسته از بانک‌های دولتی که در تاریخ تصویب این آیین‌نامه نسبت کفایت سرمایه آنها کم‌تر از ۸ درصد می‌باشد مکلفند با تدوین یک برنامه جامع و زمان‌بندی شده که به تایید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌رسد نسبت به تطبیق وضعیت خود با مفاد ۳ این آیین‌نامه حداکثر تا پایان سال ۸۴ اقدام کنند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است در صورت لزوم، اقلامی را که در بندهای مختلف ماده ۵ این آیین‌نامه پیش‌بینی نشده است به بندهای فوق اضافه کند.

بانک‌ها و موسسات اعتباری موظفند حداقل هر ۶ ماه یک بار نسبت کفایت سرمایه را به ترتیبی که بانک مرکزی تعیین می‌کند محاسبه و به این بانک گزارش کنند.

* این مقاله در همایش حسابداری و توسعه‌ی بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۸۲ برگزار شد ارائه گردید.

کشورهای گروه "الف" صادر گردیده، اوراق بهادار که توسط دولت و یا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر گردیده است، اوراق بهاداری که توسط دولت‌های بانک‌های مرکزی سایر کشورها منتشر شده است.

۲) دارایی‌ها و موسسات اعتباری داخلی (اعم از دولتی و غیردولتی) و یا مطالباتی که توسط بانک‌ها و موسسات اعتباری داخلی (اعم از دولتی و غیردولتی) تضمین شده است - مطالبات از بانک‌ها و موسسات اعتباری مستقر در کشورهای گروه "الف" و مطالباتی که توسط آنها تضمین شده باشد، مطالبات از بانک‌ها و موسسات اعتباری مستقر در کشورهای گروه "ب" و مطالباتی که توسط آنها تضمین شده و حداکثر یک سال به سررسید آنها باقی مانده باشد، مطالبات از بانک‌های توسعه‌ای چند جانبه و مطالباتی که توسط این بانک‌ها تضمین شده است، دارایی‌هایی که وثیقه آنها اوراق بهاداری است که توسط بانک‌های توسعه‌ای چند جانبه صادر شده است، حساب بین بانک‌ها، خالص حساب‌های داخلی.

۳) دارایی‌های مشمول ضریب ریسک ۵۰ درصد - تسهیلات اعطایی در مقابل رهن کامل واحد مسکونی.

۴) دارایی‌های مشمول ضریب ریسک ۱۰۰ درصد - مطالبات از نهادهای عمومی غیردولتی (شهرداری، سازمان تامین اجتماعی و ...)، مطالبات از بخش غیردولتی (به غیر از مطالباتی که صراحتاً توسط دولت تضمین شده است)، مطالبات از شرکت‌ها و موسسات دولتی، مطالبات سررسید گذشته و معوق اعم از دولتی و غیردولتی و وام‌های قدیم، سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها (شامل سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی، سهام و مشارکت‌های خارجی) پس از کسر سهام بانک‌ها و موسسات اعتباری تابعه و یا عنداللزوم سهام بانک‌ها و موسسات اعتباری دیگر، کالای معاملات سلف، انبار کل، وثایق تملیکی، اموال خریداری شده برای فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک و موارد مشابه، بدهکاران بابت اعتبارات اسنادی پرداخت شده/ضمانت‌نامه‌های پرداخت شده، مطالبات از دولت‌های مرکزی یا بانک‌های مرکزی کشورهای گروه "ب" در مواقعی که مبلغ پرداخت شده به آنها ارزی غیر از پول ملی آن کشور انجام شده است، مطالبات از بانک‌ها و موسسات اعتباری کشورهای گروه "ب" در صورتی که یک سال یا بیش‌تر به سررسید آنها مانده است، دارایی‌های ثابت، بدهکاران موقت، سایر دارایی‌هایی را که نمی‌توان در طبقات ۱-۵ الی ۳-۵ جای داد.

اقلام زیرخط ترازنامه علاوه بر اینکه مشمول ضرایب ریسک طبقات مختلف دارایی (بندهای فرعی ۵-۱) می‌گردند، باید ضریب تبدیل نیز (که در بند فرعی ۵-۲ تعریف شده) در مورد آنها اعمال شود. با استفاده از ضریب تبدیل یاد شده، می‌توان اقلام زیرخط ترازنامه را، برای منظورهای محاسباتی، هم ردیف اقلام

بانک مرکزی و نظام بانکی

کرد. انجام این اقدام نمی‌توانست گامی اساسی برای حذف ربا از نظام بانکی باشد. لذا قانون عملیات بانکی بدون ربا پس از تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ به تصویب شورای نگهبان رسید. این قانون به چهار فصل تقسیم می‌شود:

- * اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران
- * تجهیز منابع پولی
- * تسهیلات اعطایی بانکی
- * بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیاست پولی

در قسمت اهداف و وظایف نظام بانکی، اهداف و وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به صورت پراکنده ذکر شده است. زیرا عبارت "نظام بانکی" در برگزیده‌ی بانک مرکزی و بانک‌های تجاری و تخصصی به صورت توأم می‌باشد. برای مثال در بند ۴ ماده ۱ این فصل چنین آمده است:

"حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه‌ی پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی"

همان‌طور که مشخص است این عبارت از جمله وظایف بانک مرکزی است که به صورت پراکنده در سایر اهداف نظام بانکی و فعالیت‌های بانک‌ها ادغام شده است. بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ این فصل نیز نمایانگر فعالیت‌های بانک مرکزی است.

در بندهای ۱ و ۲ ماده ۲ این فصل نیز وظایف بانک‌ها و بانک مرکزی با یک دیگر تداخل دارد. برای مثال در بندهای ۱ و ۲ ماده ۲ چنین می‌خوانیم: "وظایف نظام بانکی عبارتند از:

- * انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات. و
 - * تنظیم، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات."
- کلیه‌ی موارد فوق‌الذکر نمایانگر آن

است که برای بهبود این فصل ابتدا باید واژه‌ی نظام بانکی تعریف گردد و سپس اهداف و وظایف بانک مرکزی و بانک‌ها به صورت جداگانه ارائه شود.

فصل دوم و سوم قانون به "تجهیز منابع پولی" و "اعطای تسهیلات بانکی"، پرداخته است که در برگزیده‌ی فعالیت‌های بانک‌های تجاری و تخصصی می‌باشد. در فصل چهارم نیز بانک مرکزی و سیاست‌های پولی بررسی شده است. بررسی نکات مندرج در فصل چهارم نیز نمایانگر پراکندگی در تعاریف ابزارهای سیاست پولی است.

به موجب ماده ۲۰ این فصل، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار ذیل در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند. گفتنی است در ذیل این ماده فقط ابزارهای رایج در نظام بانکداری اسلامی قید گردیده و ابزارهای متعارف سیاست پولی مدنظر قرار نگرفته است. در این رابطه لازم است در قانون جدید کلیه‌ی ابزارهای متعارف سیاست پولی در قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ که مغایر قانون عملیات بانکی بدون ربا نبوده، به همراه ابزار جدید اوراق مشارکت بانک مرکزی در فهرست ابزارهای پولی گنجانده شود. برخی از ابزارهای مندرج در قانون مذکور به شرح ذیل می‌باشند.

۱- تعیین حداقل یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه.

۲- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب.

۳- تعیین حداقل و حداکثر میزان سرمایه‌گذاری بانک‌ها در هریک از عقود و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.

گفتنی است اکثر این ابزارها از نوع کنترل‌های مستقیم و کیفی می‌باشند، در صورتی که اجرای سیاست پولی بهینه و کارآمد امروزی، نیاز به ابزارهای پولی غیرمستقیم دارد.

در جدول شماره ۲ ترکیب تسهیلات اعطایی بر حسب عقود اسلامی ملاحظه می‌گردد.

طرح بیمه‌ی سپرده‌ها

بر اساس ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار را تعهد و یا بیمه نمایند. بر مبنای این ماده بانک‌ها اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه را تضمین کرده‌اند. در گذشته چنانچه بانکی با مشکل مواجه می‌شد، به دلیل تضمین اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه، بانک دولتی یا به عبارت دیگر دولت ملزم به بازپرداخت اصل آن بود. حال با ورود موسسات اعتباری غیربانکی و بانک‌های غیردولتی تضمین این سپرده‌ها به وسیله‌ی این موسسات غیردولتی با مشکل مواجه می‌شود و لازم است از سازوکار بیمه‌ی سپرده‌ها استفاده شود. این امر نقش بانک مرکزی را مطرح می‌نماید که لازم است در قانون پولی و بانکی جدید انعکاس یابد.

تجدید سرمایه و تجدید ساختار بانک‌های ایران بانک‌ها از جمله موسساتی هستند که به دلیل ماهیت عملکردشان در معرض بسیاری از ریسک‌های آشکار و پنهان قرار دارند. بروز هرگونه مشکل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور، تأثیرات عمده‌ای بر نظام بانکی دارد و عملکرد آنها را مختل می‌نماید. در دو دهه‌ی گذشته بسیاری از کشورها در بخش

پایه بانک‌ها در برنامه‌ی ساماندهی اقتصاد و برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مدنظر قرار گرفته است.

در هر کشور، گسترش بازار پول و سرمایه نقطه‌ی شروع اصلاحات بخش مالی به شمار می‌رود. ایجاد تحولات زیربنایی در ساختار بازارهای موردنظر و هم‌چنین ابزارهای پولی و مالی از جمله اقدامات ضروری برای تامین نیازهای مالی واحدهای اقتصادی محسوب می‌شود. ضمناً دست‌یابی به هدف رشد اقتصادی غیرتورمی نیز در گرو گسترش بازار پول و سرمایه‌ای است که در یک محیط رقابتی، در تامین نقدینگی واحدهای تولیدی بکوشند.

در کشور ایران کوچکی و عدم رشد و توسعه‌ی این دو بازار مغایر با اهداف اصلاحات مالی است و لزوم ایجاد تغییرات زیربنایی در آنها را طلب می‌نماید. شبکه‌ی بانکی کشور تنها نماینده‌ی رسمی بازار پول در ایران است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، به دلیل ساختار دولتی‌اش نتوانسته است نقش واقعی یک بازار پول را ایفاء نماید.

در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی اکثر کشورهای جهان به انجام اصلاحات ساختاری در شبکه‌ی بانکی‌شان پرداختند که تجدید سرمایه و تجدید ساختار بانک‌ها از جمله‌ی این اصلاحات به شمار می‌رود.

تجربه‌ی کشورهای مورد بررسی نمایانگر آن است که افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها چه از سوی دولت و چه از سوی بخش خصوصی امری مقدم بر تجدید ساختار آنها محسوب می‌شود. در هر دو نظام بانکداری دولتی و خصوصی قدم اول، جلب اعتماد بخش خصوصی و ارائه‌ی توضیحات و دلایل کافی برای ایجاد انگیزه در آن بخش می‌باشد. به عبارت دیگر، در

جدول ۲ ترکیب مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی به بخش غیر دولتی

سال	اسفند ۱۳۸۰	اسفند ۱۳۸۱	آبان ۱۳۸۲
عقود مشارکتی	۲۴/۱	۲۰/۹	۲۰/۴
مشارکت مدنی	۸/۶	۶/۴	۶/۰
مضاربه	۵/۵	۵/۷	۶/۱
سرمایه‌گذاری مستقیم	۰/۹	۰/۸	۱/۰
مشارکت حقوقی	۱/۶	۱/۲	۱/۶
سلف	۷/۵	۶/۷	۵/۷
عقود غیر مشارکتی	۷۵/۹	۷۹/۱	۷۹/۶
فروش اقساطی	۶۲/۵	۶۲/۷	۶۲/۹
قرض الحسنه	۲/۵	۷/۲	۶/۷
اجاره به شرط تملیک	۰/۷	۱/۱	۱/۵
جعاله	۱/۶	۱/۴	۱/۴
خرید دین	.	.	.
سایر	۶/۶	۶/۷	۷/۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: خلاصه دفتر کل بانک‌ها

از سوی دیگر در جهان امروز برای بررسی وضعیت مالی هر بانک از معیارهای نسبت کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، نسبت‌های سودآوری و... استفاده می‌شود و جایگاه آن در صنعت بانکداری جهان مشخص می‌شود.

در حال حاضر شبکه‌ی بانکی ایران چه از لحاظ سرمایه و چه از لحاظ ساختار (دولتی بودن) از کارایی لازم برخوردار نیست و قادر به ارائه‌ی خدمات بانکی متناسب با بانکداری بین‌المللی نمی‌باشد. در ضمن نسبت‌های کفایت سرمایه‌ی بانک‌های ایران نیز بسیار پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی است. لذا به منظور فعال کردن بانک‌های ایران در عرصه‌ی بین‌المللی، تقویت سرمایه‌ی

بانکی‌شان با بحران مواجه گردیده‌اند و برای مقابله با آنها نسبت به تجدید سرمایه و تجدید ساختار بانک‌ها اقدام نموده‌اند. اکثر این کشورها، سیستم بانکداری خصوصی دارند و دولت‌ها با مشارکت بخش خصوصی زبان‌های بانک‌ها را جبران می‌کنند.

ویژگی‌های بروز بحران بانکی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. لیکن در اکثر مواقع با بروز بی‌اعتمادی در سپرده‌گذاران و هجوم برای برداشت سپرده‌ها همراه می‌گردد.

در کشور ایران که نظام بانکداری دولتی متداول می‌باشد، در مواقع بروز بحران بانکی، بانک‌ها همیشه به کمک‌های بانک مرکزی متکی بوده‌اند و توسط این کمک‌ها دوباره به حیات خویش ادامه داده‌اند.

جدول ۳- نسبت حساب سرمایه به کل دارایی بانک‌ها*

(درصد)

سال	بانک‌های تجاری	بانک‌های تخصصی	کل بانک‌ها
۱۳۷۲	۵/۵	۹/۲	۵/۹
۱۳۷۳	۳/۲	۱۶/۲	۵/۷
۱۳۷۴	۲/۲	۱۲/۲	۴/۲
۱۳۷۵	۲/۴	۹/۷	۲/۳
۱۳۷۶	۲/۲	۷/۹	۱/۱
۱۳۷۷	۲/۱۰	۶/۱۰	۲/۷
۱۳۷۸	۱/۶	۴/۲	۲/۱
۱۳۷۹	۱/۴	۵/۴	۱/۲
۱۳۸۰	۲/۶	۷/۷	۳/۶

ماخذ: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۸۱.

* Solvency Ratio

سرفصل "سایر دارایی‌ها" که در برگیرنده‌ی مابه‌التفاوت مذکور است با ضریب ریسک صددرد در مخرج کسر کفایت سرمایه به کار می‌رود. این امر سبب می‌گردد تا نسبت‌های کفایت سرمایه‌ی بانک‌های ایران در حد مطلوبی نباشد، و افزایش سرمایه‌ی پایه‌ی بانک‌ها مدنظر قرارگیرد. به موجب ماده‌ی ۹۳ برنامه‌ی توسعه‌ی سوم، "دولت اجازه دارد به منظور تقویت پایه‌ی سرمایه‌ی بانک‌ها، در سال‌های برنامه، حداکثر تا مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت ویژه منتشر نماید و معادل کل وجوه واریز شده از این محل به حساب خزانه، عیناً به بانک‌ها مسترد خواهد شد تا به عنوان افزایش سهم دولت در سرمایه‌ی بانک‌ها منظور شود. تا زمان تسویه‌ی کامل اصل و سود اوراق مشارکت مذکور، سود سالانه‌ی بانک‌ها قبل از کسر مالیات به ترتیب ذیل توزیع خواهد شد:

الف - معادل نسبت مانده‌ی بازپرداخت نشده‌ی اوراق به کل سرمایه‌ی بانک به عنوان سود اوراق مشارکت ویژه به بانک پرداخت خواهد شد.

ب - باقی مانده‌ی سود سالانه هر بانک به مصرف بازپرداخت قسمتی از اصل اوراق مشارکت ویژه‌ی موجود در آن بانک خواهد رسید.

افزایش پایه‌ی سرمایه‌ی بانک‌ها به طریقی که ذکر گردید تنها می‌تواند در کوتاه‌مدت تا حدودی نسبت‌های کفایت سرمایه‌ی بانک‌ها را به میزان حداقل معیار نزدیک نماید. به علاوه اعطای مجوز به بانک‌ها جهت استفاده از این وجوه در سرمایه‌گذاری‌های سودآور می‌بایست مدنظر قرار گیرد، تا بانک‌ها قادر شوند سودهای اوراق مشارکت را به دارنده‌ی آن یعنی بانک مرکزی بپردازند و در پایان دوره نیز قادر به بازپرداخت اصل مبلغ اوراق باشند. گفتنی است که صرف افزایش پایه‌ی سرمایه‌ی بانک‌های ایران، دست‌یابی آنها به

شورای اسلامی (۱۳۶۷) همراه بود، افزایش یافت. لیکن اقدام مذکور، افزایش واقعی در سرمایه‌ی پایه‌ی بانک‌های ایران را به همراه نداشت. به عبارتی ثبت مابه‌التفاوت ارزش دفتری و ارزش بازار دارایی‌ها در سرمایه‌ی اولیه‌ی بانک‌ها، میزان آن را افزایش داد و از سوی دیگر مابه‌التفاوت مذکور در سرفصل "سایر دارایی‌ها" منظور گردید. گفتنی است به موجب معیارهای کمیته‌ی بال سونیس برای محاسبه‌ی کفایت سرمایه، ثبت رقم تجدید ارزیابی دارایی‌ها در سرمایه‌ی درجه یک، مجاز نیست و به شرطی می‌توان آن را در سرمایه‌ی درجه دو ثبت نمود که سرمایه‌ی درجه دو از درجه‌ی یک پیش‌تر نشود.

به همین دلیل استفاده از رقم مابه‌التفاوت تجدید ارزیابی در محاسبه‌ی نسبت‌های کفایت سرمایه‌ی بانک‌های ایران، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در حالی که

بدو امر هدف اصلی می‌بایست جلب سرمایه‌ی بخش خصوصی برای خرید سهام و افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها باشد که در نهایت می‌تواند به خصوصی‌سازی شبکه‌ی بانکی نیز بینجامد. این افزایش می‌تواند در دو مرحله‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت صورت پذیرد.

شبکه‌ی بانکی ایران در سال‌های پس از انقلاب از نظر مالی با وضعیت مطلوبی مواجه نبوده است. در سمت راست ترازنامه (دارایی‌ها)، مانده‌ی وام‌ها و سایر اجزاء دارایی‌ها در طی زمان افزایش یافته، لیکن در سمت چپ ترازنامه، رقم سرمایه برای پوشش ریسک‌ها و مقابله با زیان‌ها از افزایش مناسبی برخوردار نشده است.

سرمایه‌ی پرداخت شده‌ی بانک‌های ایران از اوایل ۱۳۷۱ به دلیل تجدید ارزیابی دارایی‌ها که براساس مصوبه‌ی مجلس

دیگری که برای ارزیابی وضعیت مالی یک بانک استفاده می‌شود توانایی بانک در بازپرداخت بدهی (یا ایفای تعهدات در سررسید) است. چنانچه نسبت حساب سرمایه به دارایی‌های بانک (Solvency Ratio) برابر صفر یا نزدیک صفر باشد یا دارایی‌های سرمایه‌ای (سهام) آن بانک دارای کیفیت (ارزش) ضعیف^۳ باشد و در حال ضعیف‌تر شدن نیز باشد، بانک از نظر بازپرداخت بدهی و ایفای تعهدات ناتوان تلقی می‌شود. محاسبه‌ی نسبت حساب سرمایه به کل دارایی بانک‌ها، طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۲ نمایانگر آن است که قدرت سرمایه‌ی بانک‌های تجاری در بازپرداخت بدهی در طول زمان کاهش یافته‌است، زیرا سرمایه‌ی پرداخت شده‌ی بانک‌ها همراه با بالا رفتن تورم، افزایش واقعی نیافته است و رقم حساب سرمایه نیز به دلیل وجود سود اندک یا زیان انباشته، در سطح پایین قرار دارد. بررسی وضعیت بانک‌های تخصصی نیز نمایانگر کاهش این نسبت است. لیکن نسبت به بانک‌های تجاری از شدت کم‌تری برخوردار است. این امر نیز به افزایش سرمایه‌ی بانک صنعت و معدن مربوط می‌شود که به دلیل تجدید ارزیابی سهام خویش در شرکت‌های تحت پوشش از حساب سرمایه‌ی بالایی برخوردار گردیده‌است. افزایش تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های دولتی و غیردولتی در سال‌های اخیر، عامل دیگری است که سبب کاهش نسبت مورد بحث گردیده است و میزان حمایتی را که سرمایه‌ی بانک جهت مقابله با زیان‌های احتمالی بایستی فراهم آورد را به حداقل رسانده‌است. جدول شماره ۳ وضعیت نسبت سرمایه‌ی بانک‌ها به کل دارایی‌های آنها را برحسب بانک‌های تجاری، تخصصی و کل بانک‌ها نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴ نیز نشان‌دهنده‌ی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است. همان‌طور که

جدول ۴ مانده‌ی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

(میلیارد ریال)

سال	بانک‌های تجاری	بانک‌های تخصصی	کل بانک‌ها
۱۳۷۲	۱۰۹۸/۲	۱۹۸/۴	۱۲۹۶/۶
۱۳۷۳	۲۴۳۸/۱	۱۳۷۶/۶	۳۹۱۴/۷
۱۳۷۴	۶۰۸۲/۰	۳۳۳۸/۰	۱۰۳۲۰/۰
۱۳۷۵	۷۶۷۷/۵	۲۵۱۲/۵	۱۰۱۹۰/۰
۱۳۷۶	۱۰۹۳۹/۱	۳۹۹۰/۷	۱۴۹۲۹/۸
۱۳۷۷	۸۳۷۴/۰	۳۹۲۵/۸	۱۲۳۹۹/۸
۱۳۷۸	۱۳۰۰۹/۳	۷۸۰۱/۷	۲۰۸۱۱/۰
۱۳۷۹	۱۳۵۳۹/۲	۹۰۱۴/۲	۲۳۵۵۳/۴
۱۳۸۰	۱۰۷۳۶	۹۸۵۴	۲۰۵۹۰
۱۳۸۱	۱۴۰۶۰	۲۴۱۷	۱۶۴۷۷

ماخذ: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

سال ۱۳۸۱.

برای پرداخت سود این اوراق و بازپرداخت اصل آنها، افزایش خواهد داد.

زیان مذکور باعث کاهش حساب سرمایه که همان سرمایه‌ی درجه یک است خواهد شد و نسبت کفایت سرمایه را مجدداً کاهش خواهد داد. به هر حال ابزار مورد بحث تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و برای افزایش پایه‌ی سرمایه‌ی بانک‌ها و تقویت آن، تجدید ساختار شبکه‌ی بانکی و نهایتاً خصوص‌سازی آن در بلندمدت چاره‌ساز می‌باشد. همان‌طور که ذکر شد بانک‌های ایران به دلیل دولتی بودن همیشه به کمک‌های بانک مرکزی متکی بوده‌اند و در بحران‌های سیاسی و اقتصادی به کمک منابع مالی بانک مرکزی به حیانتشان ادامه داده‌اند. به همین دلیل به افزایش واقعی سرمایه‌ی بانک‌های ایران هیچ‌گاه توجه نشده است.

به جز نسبت کفایت سرمایه، معیار

نسبت مطلوب کفایت سرمایه را امکان‌پذیر نمی‌سازد. انجام اصلاحات در سرفصل‌هایی که تشکیل‌دهنده‌ی مخرج کسر می‌باشند نیز از ضروریات است. وصول مطالبات معوق و کاهش تسهیلات تکلیفی از جمله‌ی این موارد است. به علاوه بانک‌ها باید در استفاده از پرتفوی دارایی‌هایشان دارای آزادی عمل باشند تا به ارقام بالاتری از سود دست یابند. بررسی ارقام سود و زیان بانک‌های ایران طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۲ که با افزایش رقم تجدید ارزیابی دارایی‌ها همراه بود نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها، تغییر چندانی در میزان سودآوری صورت نگرفته است و ارقام زیان انباشته کماکان روند صعودی را ادامه داده‌اند. لذا صرف افزایش ۵۰۰۰ میلیارد ریال به پایه‌ی سرمایه‌ی بانک‌ها، چنانچه با افزایش سودآوری همراه نباشد، زیان بانک‌ها را

قبلاً نیز ذکر شد بانک‌های ایران در اکثر مواقع به کمک‌های بانک مرکزی متکی هستند.

۲۱. تجدید ساختار بانک‌های ایران و برنامه‌ها

گذشته از افزایش سرمایه، تجدید ساختار شبکه‌ی بانکی ایران نیز از ضروریات اساسی به حساب می‌آید. خصوصی‌سازی تدریجی بانک‌ها می‌تواند با توجه به استانداردهای جهانی و تجربه‌ی برخی از کشورها صورت پذیرد تا زمینه‌ی افزایش کارایی و رقابت میان بانک‌ها فراهم گردد. در حال حاضر شبکه‌ی بانکی کشور به دلیل دولتی بودن، امکان پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره‌ی بخش خصوصی را ندارد. ضمناً سیستم فعلی، انگیزه‌ی لازم را برای پس‌اندازکنندگان در جامعه ایجاد نمی‌کند. کمبود پس‌انداز به فقدان سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منجر گشته است و این دور کماکان تکرار می‌شود. در چنین شرایطی تاسیس تدریجی بانک‌های خصوصی در کنار بانک‌های دولتی می‌تواند به تدریج نظام بانکداری دولتی را کارآمد کند و با ارائه‌ی به موقع تسهیلات به بخش خصوصی به گسترش اقتصاد مبتنی بر نظام بازار نیز کمک نماید. پس از آن ترکیب فعلی بانک‌های دولتی نیز می‌تواند تغییر نماید و در مجموع ۳ گروه بانکی ایجاد شود.

۱- بانک‌های تجاری (Commercial Banks) بانک‌هایی هستند که توسط سهامداران خصوصی ایجاد می‌شوند و صرفاً به گشایش سپرده‌های دیداری اقدام می‌نمایند. اعطای وام‌های تجاری و تخصصی و هم چنین ارائه‌ی خدمات بانکی به عموم مردم از جمله وظایف آنها است.

واژه‌ی بانک‌های تجاری معمولاً با مفهوم "Full Service Bank" مترادف است زیرا بسیاری از آنها ارائه‌دهنده‌ی خدمات بی‌شماری در زمینه‌های مبادلات ارزی، تامین نیازهای بخش بازرگانی و

بانکداری بین‌المللی می‌باشند. در اکثر کشورها گروه بانک‌های تجاری به صورت پیوسته با یک دیگر (Affiliate) به فعالیت می‌پردازند و یک شبکه‌ی عظیم و پیچیده^۴ را تشکیل می‌دهند.

بانک‌های پس‌انداز (Saving Banks) مؤسسات مالی هستند که سپرده‌های مشتریان را می‌پذیرند و دارایی‌هایشان را در معاملات رهن و اوراق بهادار درجه بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند. بانک‌های پس‌انداز اگر متعلق به سپرده‌گذاران باشند بانک پس‌انداز دوسویه یا بانک پس‌انداز سهامی نامیده می‌شوند که در حالت اخیر بانک پس‌انداز، اوراق سهام عادی برای عموم مردم منتشر می‌نماید. در برخی از کشورها، مانند آمریکا که در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی اصلاحات مقررات‌زدایی را تجربه کرد، مجوز صدور حساب‌های چک و کارت‌های اعتباری هم‌چنین اعطای وام‌های تجاری و مصرفی، عملیات تنزیل و سرمایه‌گذاری در مستغلات نیز به بانک‌های پس‌انداز اعطا گردید. امروزه برخی از بانک‌های پس‌انداز در رقابت با بانک‌های تجاری خدمات بانکی مناسبی ارائه می‌دهند. در برخی از کشورها بانک‌های پس‌انداز کوچکی هستند که متعلق به دولت‌اند و پس‌اندازهای کوچک خانوارها را نگهداری می‌کنند.

بانک‌های توسعه. مؤسسات مالی و اعتباری هستند که با تجهیز منابع مالی بلندمدت و کم‌هزینه، در فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌گذاری می‌نمایند. در کلیه‌ی کشورهای توسعه‌یافته که دارای بانک‌های توسعه هستند، دولت‌ها با اختصاص منابع مالی بلندمدت و ارزان به این‌گونه بانک‌ها به هدف‌های سازندگی‌شان دست می‌یابند. اولین بانک توسعه به شکل امروزی‌اش، بانک توسعه بین‌کشوره‌ی آمریکایی (IADB)^۵ است که در ۱۹۵۹ با هدف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورهای

آمریکای لاتین تشکیل شد. این بانک نقش مهمی را در انتقال سرمایه از سایر نقاط جهان به آمریکای لاتین و حضور در بازارهای سرمایه ایفا کرد. پس از آن بانک‌های توسعه‌ی آفریقایی و آسیایی هستند که به ترتیب در ۱۹۶۴ و ۱۹۶۶ تأسیس شدند. بانک توسعه‌ی اسلامی نیز در ۱۹۷۵ با هدف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی در میان ملل مسلمان جهان تشکیل گردید.

سه گروه بانک‌های تجاری، پس‌انداز توسعه می‌توانند الگوی تجدید ساختار نظام فعلی بانک‌های ایران قرار گیرند.

۳. توجه به چالش‌های فراروی نظام بانکی در فرآیند اصلاح ساختار بانک‌ها

بازنگری جایگاه بانک مرکزی در قوانین پولی و بانکی کشور و دست‌یابی به قانون پویا و متحول باید با اقدامات ذیل همراه باشد.

الف - تقویت نظام نظارتی بانک مرکزی از طریق: ۱- بررسی ضوابط نظارتی کمیته‌ی بال سوئیس (۲۵ اصل محوری نظارت)؛ ۲- انطباق معیارهای فعلی نظارت با ضوابط کمیته بال؛ ۳- برقراری نظام برخط میان بانک مرکزی، بانک‌ها و موسسات مختلف؛ ۴- استفاده از شیوه‌های نظارت مبتنی بر ریسک شامل شناسایی ریسک‌ها، اندازه‌گیری اهمیت و وزن هر یک، ارائه‌ی راه حل برای تشخیص اهمیت ریسک‌ها، تمرکز بر مدیریت ریسک؛ ۵- طراحی روش‌های نظارتی برای هر بانک به صورت جداگانه؛ ۶- تاکید بر حسابرسی و کنترل‌های داخلی با استفاده از استانداردهای جهانی حسابداری و حسابرسی، استانداردهای حسابداری اسلامی موسسه‌ی AAOIFI؛ روش‌های کنترل داخلی در بانک‌های بین‌المللی؛ ۷- توجه به معیارهای رتبه‌بندی^۶ موسسات معتبر؛ ۸- تاکید بر برنامه‌ریزی قبلی^۷ جهت انجام بازرسی مستقیم شعب؛ ۹- ساده‌تر کردن ضوابط و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی؛ و ۱۰- طرح بیمه‌ی سپرده‌ها.

هزینه یابی هدف: ابزار مدیریت هزینه

ابوالقاسم فخاریان

نماینده‌ی انجمن در کارگروه (حسابداران حرفه‌ای)

فدراسیون بین‌المللی حسابداران

می‌شود. از جمله‌ی این ابزارها و فنون می‌توان به هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت، هزینه‌یابی هدف، هزینه‌یابی کایزن، هزینه‌یابی کل چرخه‌ی محصول و هزینه‌یابی کیفیت اشاره نمود. در این مقاله به معرفی هزینه‌یابی هدف از منظر تاثیرگذاری آن بر مفهوم وسیع‌تر مدیریت هزینه خواهیم پرداخت.

هزینه‌یابی هدف رویکردی است برای رسیدن به بهای محصول/خدمات در شرایطی که قیمت فروش براساس رقابت تعیین می‌گردد و سود مورد انتظار از پیش مشخص و تعیین شده است.

بنابراین در معادله‌ی کلی: (بهای تمام شده - فروش = سود) فروش و سود از پیش تعیین شده و

بنگاه‌ها را به خود مشغول نموده و بخش قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌های مدیریتی و حسابداری مدیریت بدان اختصاص یافته است.

در یک تعریف ساده و اجمالی، مدیریت هزینه عبارت است از مجموعه‌ی اقداماتی که مدیریت برای تامین رضایت‌مندی مشتریان، همراه با کنترل و کاهش مستمر هزینه (بهای تمام شده) انجام می‌دهد. بدین ترتیب نکته‌ی حایز اهمیت این است که کاهش هزینه نباید به قیمت کاهش رضایت‌مندی مشتریان باشد.

مدیریت هزینه مستلزم به‌کارگیری ابزارها و فنونی است که در حوزه‌ی حسابداری مدیریت ابداع شده است و در سازمان‌های موفق و اصطلاحاً "کلاس جهانی" به‌وسعت استفاده

ارزیابی و قضاوت متکی به تجارب موجود در بنگاه‌های اقتصادی نشان می‌دهد که بدون استقرار و بهره‌برداری از سیستم مدیریت هزینه، عملاً دستیابی به مزیت رقابتی و در نتیجه تداوم و پایداری بنگاه‌ها میسر نخواهد بود.

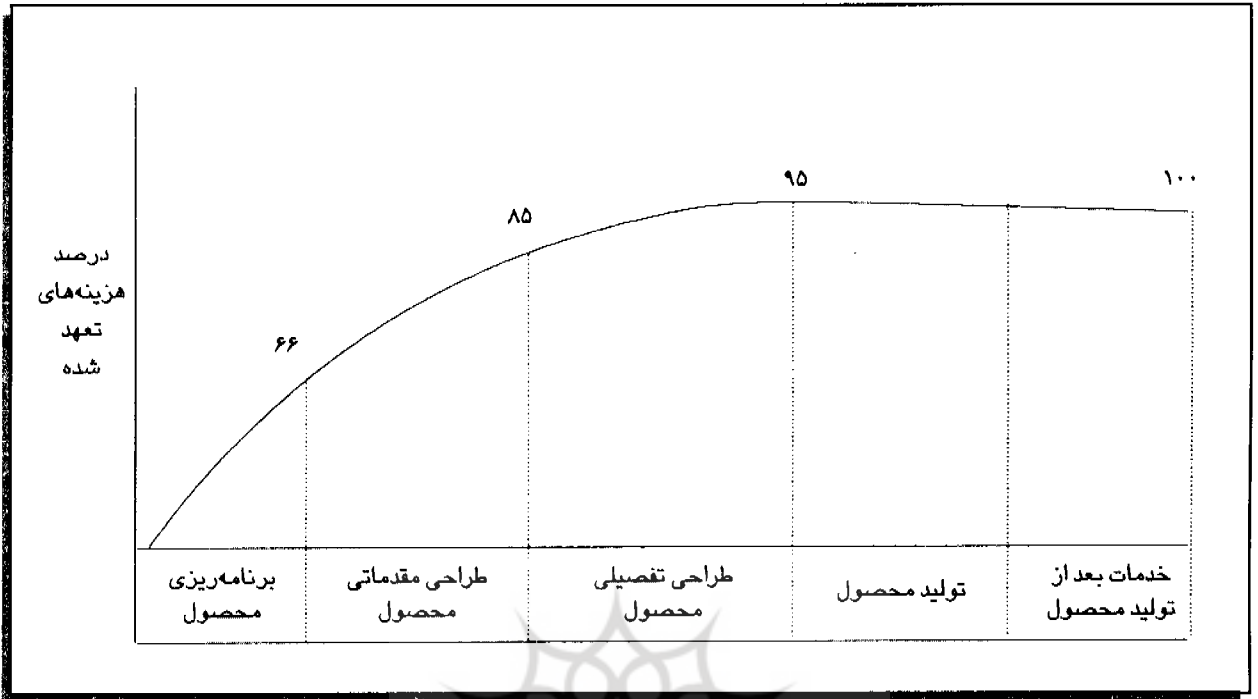
در شرایط پرقابیت کنونی، محصولات و خدمات باید با توجه به ملاحظات اساسی زیر تولید شوند:

۱- انطباق با کارکرد مورد نیاز مشتری،
۲- کیفیت بالا، ۳- بهای تمام شده پایین،
و ۴- ایجاد حاشیه سود.

تلفیق عناصر فوق که تا حدودی در تضاد با یک دیگر قرار دارند مستلزم مدیریت هزینه در بنگاه است.

امروزه موضوع مدیریت هزینه بیش از هر مقوله‌ای ذهن مدیران سازمان‌ها و

هزینه یابی شده: درصد هزینه های تعهد شده در عمر تولید محصول



بر اساس مطالب بالا در می یابیم که نکته ی محوری در هزینه یابی هدف این است که سقف هزینه ها (بهای تمام شده محصول) از پیش تعیین می گردد و بنگاه ناگزیر است که ضمن حفظ کیفیت محصول بهای تمام شده را در سطح معینی نگاه دارد تا سود انتظاری حاصل آید. یکی از فوایدی که کاهش هزینه ها را میسر می سازد عبارت است از مهندسی ارزش.

مهندسی ارزش عبارت است از بررسی سیستماتیک عوامل اثرگذار بر بهای تمام شده ی محصولات به منظور یافتن راه های مناسب حفظ کیفیت همراه با کاهش هزینه ی تولید و رسانیدن آن به سطح هدف گذاری شده. مهندسی ارزش از طریق بهبود طراحی با هدف کاهش هزینه (توام با حفظ کیفیت) و

هزینه ی تولید تنها با تغییر طراحی قابل تغییر است. نمایشگر ۱ اندیشه ی اولیه ی به کارگیری هزینه یابی هدف را که در دهه ی ۱۹۶۰ در امریکا مطرح شد و در دهه ی ۱۹۹۰ در ژاپن رشد و تکامل یافت و وسیعاً به کار گرفته شد نشان می دهد. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد صنایع موتناژ و ۶۰ درصد صنایع تولیدی ژاپن از روش هزینه یابی هدف استفاده می نمایند.

قبل از تشریح جوانب مختلف هزینه یابی هدف لازم به تاکید است که این فن صرفاً در مورد محصولات جدید که قرار است طراحی و عرضه شوند مطرح است. برای محصولات موجود از شیوه های دیگر مدیریت / کاهش هزینه (مانند هزینه یابی کایزن) استفاده می شود که جداگانه به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

قطعی فرض می شود. لذا باید هزینه ها و بهای تمام شده را به سطحی رساند که با فرض قیمت از پیش تعیین شده فروش و حداقل سود انتظاری، هزینه ها از سطح و میزان پیش بینی شده فزونی نیابد. آنچه کار مدیریت بنگاه را در این معادله دشوارتر می سازد این است که کاهش و کنترل هزینه ها باید با حفظ و حتی گاهی ارتقا کیفیت نیز همراه باشد. به همین لحاظ می گویند، هزینه یابی هدف بخشی از فرایند مدیریت جامع برای بقا سازمان در محیط رقابت فزاینده است.

هزینه یابی هدف برپایه ی این فرض اساسی و آزموده شده استوار است که به صورت موثر از مرحله ی طراحی محصول آغاز می شود. بدین معنی که در مرحله ی طراحی بالغ بر ۹۰ درصد هزینه های تولید محصول تعیین و تعهد می گردد. این میزان و سهم از کل

شناسایی کارکردهای زائد محصول که مشتری حاضر به پرداخت بهای آن نیست به مدیریت هزینه کمک می‌کند.

مهندسی ارزش توسط تیمی متشکل از نیروهای مختلف سازمان در حوزه‌های مختلف مهندسی، طراحی محصول، خرید، تولید، بازاریابی، فروش و مالی انجام می‌یابد. مهندسی ارزش در مفهومی گسترده به بیرون از سازمان نیز توسعه یافته است و در واقع کسل زنجیره‌ی ارزش از جمله عرضه‌کنندگان مواد و قطعات و مشتریان را در برمی‌گیرد.

با توضیحات بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهندسی ارزش عبارت است از جستجوی فرصت‌ها برای بهبود طراحی، فرایند عملیات و بهره‌برداری از امکانات تولید محصول در کل زنجیره‌ی ارزش، به‌منظور کاهش بهای تمام شده‌ی تولید.

به عبارت دیگر مهندسی ارزش کوشش سازمان یافته‌ای است برای تجزیه و تفکیک محصول به کارکردهای انجام‌پذیر در تولید محصول و یافتن راه‌های انجام وظایف به ترتیبی که جمع بهای تمام شده از سطح هزینه‌های هدف تجاوز ننماید. مهندسی ارزش در مرحله‌ی طراحی مطرح می‌شود و حاصل همکاری گروه‌های مختلف از کارشناسان سازمان است.

در مهندسی ارزش، هزینه‌ی محصول تا پایین‌ترین جزء تفکیک می‌گردد و فرایند تولید تا پایین‌ترین سطوح تجزیه می‌شود و از این‌رو اهداف زیر تحقق می‌یابد.

الف) زمینه‌های کاهش هزینه و نگاه داشتن هزینه‌ها در سطح "هزینه‌های

هدف" فراهم می‌شود.

ب) فعالیت‌های فاقد ارزش‌زایی و غیراقتصادی شناسایی و حذف می‌شوند.

نگاهی بر برخی تجارب

مراحل به‌کارگیری هزینه‌یابی هدف در تجارب به‌دست آمده به قرار زیر است:

۱- تعیین قیمت فروش (قیمتی که مشتری حاضر به پرداخت آن است).

۲- تعیین بهای تمام شده از طریق کسر سود هدف‌گذاری شده (انتظاری شرکت) از قیمت فروش.

۳- برآورد بهای تمام شده‌ی واقعی تولید محصول.

۴- تعیین تفاوت بهای تمام شده‌ی هدف‌گذاری شده با بهای تمام شده‌ی پیش‌بینی شده.

۵- یافتن راه‌های کاهش بهای تمام شده و پیش‌بینی شده به سطح بهای تمام شده‌ی هدف‌گذاری شده.

قیمت فروش براساس بررسی بازار و نظرسنجی از مشتریان در خصوص ارزش محصول که عمدتاً مبتنی برکارکرد محصول است تعیین می‌شود و سود هدف‌گذاری شده بر مبنای میانگین بازده‌ی انتظاری از سرمایه‌گذاری بنگاه و نسبت سود به فروش محاسبه می‌گردد.

براساس تحقیق سال ۲۰۰۰ دانشگاه کالیفرنیا در مورد ۴۸ شرکت امریکایی و ژاپنی که هزینه‌یابی هدف را به‌کار گرفته‌اند، مدیران شرکت‌ها تأثیرات به‌کارگیری این شیوه‌ی هزینه‌یابی را به‌شرح زیر برشمردند:

کاهش بهای تمام شده و افزایش سودآوری،

افزایش رضایت‌مندی مشتریان،

کاهش بهای خرید قطعات/مواد، ایجاد انگیزه و روحیه کارگروهی در سازمان.

هم چنین بنابر آمارهای موجود کاهش هزینه‌ی ناشی از به‌کارگیری هزینه‌یابی هدف در شرکت‌ها و صنایع مختلف ژاپن، مرسدس آلمان و بویینگ آمریکا در سال ۱۹۹۹ سالیانه بین ۱۳ تا ۱۷٪ بوده است.

هزینه‌یابی هدف نظم جدی بر کنترل تولید را پیشاپیش و در مرحله‌ی طراحی مستقر می‌سازد و با مشارکت دادن همه‌ی نیروهای سازمان امکان کاهش منطقی هزینه‌ها توأم با حفظ کیفیت را میسر می‌سازد و نهایتاً زمینه‌های تمرکز بر تولید ناب، حذف محصولات و فرایندهای فاقد ارزش‌زایی و نهایتاً استقرار نظام مدیریت هزینه را فراهم می‌آورد.

1- Readings and issues in Cost Management, James M.Reeve, South Western College Publishing (2000).

2- Management Accounting-Performance Management, RC Scarlett-C Wilks, CIMA Publishing (2002).

3- Cost Management (Strategy for Business Decision), Hilton, Maher, Selto, Mac-Grow Hill (2000).

4- Target Costing, Processes & Techniques, Frank Robinson, CIMA Publication (1999).

5- Control Tomorrow, s Costs Through Today's Design, R.Cooper & D.B.Chew, Readings in Management Accounting,

Prentice Half (2001).

جناب آقای دکتر صفدر حسینی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "وزیر امور اقتصادی و دارائی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای صفائی فراهانی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای دکتر کرد زنگنه

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای دکتر پور محمدی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی در امور شرکت های دولتی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای عبدالله پوری حسینی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاون وزیر امور اقتصادی و دارائی و مدیرعامل سازمان خصوصی سازی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای دکتر سمیعی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاون فنی و حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای بیگ پور

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاونت فنی و عملیاتی سازمان امور مالیاتی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای قاسم پناهی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "معاون برنامه ریزی و پژوهشی سازمان امور مالیاتی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای میرزایی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "هیات عالی انتظامی سازمان امور مالیاتی کشور" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

جناب آقای غلامعلی آبائی

انتصاب شایسته جناب عالی را به سمت "دادستان انتظامی سازمان امور مالیاتی" تبریک عرض نموده امید است در خدمت به توسعه و آبادانی کشور موفق باشید.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

اخبار آیفک

(فدراسیون بین‌المللی حسابداران) است.

مطالبی که در این بخش چاپ شده ترجمان خبرنامه‌های

نامه‌های اطلاعاتی منطقه‌ی اروپا (EIS) یک نسخه از ویراست الکترونیکی این دست‌نامه را با استفاده از فناوری (ای‌کامپرس) eComPress ایجاد کرده‌اند. ویراست eComPress این دست‌نامه را می‌توان از وب‌گاه آیفک خریداری کرد و بلافاصله از کتاب فروشی برخط آیفک به نشانی <http://www.ifac.org/store> بارگذاری کرد. هم‌چنین لوح فشرده‌ی این اثر نیز در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

ویراست ای‌کامپرس دارای ویژگی‌هایی است که پیش از این در دست‌نامه‌های پیشین آیفک در دسترس استفاده‌کنندگان نبوده است. این ویژگی‌ها در زیر آمده است:

کاملاً جستجوپذیر است، استفاده‌کنندگان به آسانی می‌توانند رهنمود خاصی را که به آن نیاز دارند بیابند.

آسانی و راحتی استفاده از

(ISAها) و استانداردهای بین‌المللی کارهای بازرنگری (ISREها)، که به حسابرسی و بازرنگری صورت‌های مالی تاریخی می‌پردازند.

استانداردهای بین‌المللی کارهای اطمینان‌بخشی (ISAEها) که به خدمات اطمینان‌بخشی غیر از حسابرسی یا بازرنگری اطلاعات مالی تاریخی می‌پردازند، و

استانداردهای حسابرسی خدمات مربوط (ISRSها) که به خدمات مرتبطی که IAASB مشخص کرده است می‌پردازد.

افزون بر این، دست‌نامه‌ی ۲۰۰۴ شامل استانداردهای جدید ریسک حسابرسی، استانداردهای اطمینان‌بخشی، چارچوب اطمینان‌بخشی و آیین‌نامه‌ی اخلاقیات حسابداران حرفه‌ای است.

افزون بر نسخ چاپی و ویراست PDF رایگان، آیفک به اتفاق نهاد ناظر بر قطع

(نیویورک / ۲۴ مارچ ۲۰۰۴) - فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) دست‌نامه‌ی ۲۰۰۴ بیانیه‌های حسابرسی، اطمینان‌بخشی و اخلاقیات بین‌المللی را که در بردارنده‌ی کلیه‌ی بیانیه‌های صادره توسط هیات استانداردهای حسابرسی و اطمینان‌بخشی (IAASB) و کارگروه اخلاقیات حرفه‌ای است منتشر کرد. این دست‌نامه هم‌اکنون به دو صورت چاپی و الکترونیکی در دسترس می‌باشد.

بیانیه‌های هیات استانداردهای حسابرسی و اطمینان‌بخشی به‌منظور بازتاب بهتر خدمات حسابرسی و اطمینان‌بخشی تجدید ساختار شده است. ویراست ۲۰۰۴ شامل بخش‌های زیر است:

استانداردهای بین‌المللی حسابرسی

جستجوگرها به استفاده کنندگان کمک می‌کند تا زمان لازم برای یافتن اطلاعات مربوط را کاهش دهند.

این دست‌نامه هم چنین می‌تواند با استفاده از افزار ویژه‌ی "یادداشت‌های" خاص حاشیه‌نویسی کند که از تمام حاشیه‌ها به طور خودکار در ویراست‌های جدید نیز رونوشت برداشته می‌شود.

این ویراست به صورت فشرده است و این فشردگی در فضای دیسک و زمان بارگذاری صرفه‌جویی می‌کند.

ویراست ای‌کام‌پرس دست‌نامه‌ی ۲۰۰۴ را می‌توان به صورت برون‌خط استفاده کرد. زیرا محتاج وب نیست و به هیچ نرم‌افزار دیگری نیاز ندارد. این ویراست با مرورگر و نمایه‌ی خودکار بسیار کامل و جامع می‌باشد.

برای آن که استفاده کننده بتواند نسخه‌ی خود را از بابت رهنمودهای جدید روزآمد کند، آن را می‌توان یک بار در خلال سال ۲۰۰۴ به روز آورد.

قیمت‌های دست‌نامه‌ی ۲۰۰۴ بیانیه‌های حسابرسی، اطمینان‌بخشی و اخلاقیات بین‌المللی به صورتی است که از پی‌پی‌آید؛ چاپی ۱۰۰ دلار آمریکا، لوح فشرده و ای‌کام‌پرس، ۱۰۰ دلار آمریکا؛ و ای‌کام‌پرس قابل بارگذاری ۱۰۰ دلار آمریکا، بسته‌های مشمول تخفیف نیز در دسترس است؛ بسته‌ی ترکیبی نسخه‌ی چاپی و لوح فشرده، ۱۷۰ دلار آمریکا؛ بسته‌ی ترکیبی

نسخه‌ی چاپی و ای‌کام‌پرس ۱۷۰ دلار آمریکا. نسخ قابل بارگذاری از طریق اینترنت نیز در دسترس است. در بعضی موارد نیز هزینه‌ی حمل به قیمت‌های پیش‌گفته اضافه می‌شود.

برای کسب اطلاعات بیشتر یا ارائه‌ی سفارش به نشانی <http://www.ifac.org.store> بروید.

اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۸ حرفه‌ی حسابداری است که در ۱۱۸ کشور جهان واقع‌اند و بیش از ۲/۵ میلیون حسابدار را در بخش عمومی، آموزش، خدمات دولتی، صنعت و بازرگانی نمایندگی می‌کنند.

(نیویورک / مارچ ۲۰۰۴) - آیفک ویراست ۲۰۰۴ دست‌نامه‌ی استانداردهای حسابداری بخش عمومی بین‌المللی را به دو صورت چاپی و پی‌دی‌اف قابل بارگذاری در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است. نسخ چاپی و نسخ پی‌دی‌اف را می‌توان با رفتن به قسمت حسابداری بخش عمومی کتاب فروشی www.ifac.org/store حسب مورد سفارش داد و بارگذاری کرد. هر دو ویراست چاپی و پی‌دی‌اف رایگان هستند. ویراست جدید این دست‌نامه در بردارنده استانداردهای حسابداری

بخش عمومی بین‌المللی (IPSASها) ۱ تا ۲۰، به همراه اصطلاح‌نامه، خلاصه‌ای از مقالات و مطالعات و این دست‌نامه کتاب‌شناسی است. تمام رهنمودها را کارگروه بخش عمومی آیفک (PSC) در کنار درون‌دادهایی از دیگر ذی‌نفعان شرح و بسط داده است. تمام استانداردها با هدف بهبود کیفیت شیوه‌های گزارشگری و حسابداری مالی بخش عمومی در سراسر جهان شرح و بسط یافته است. یکی از آرمان‌های مهم آیفک رسیدن به هم‌گرایی نسبت به این استانداردها، در صورت امکان، است. برای رسیدن به این هدف، کارگروه بخش عمومی بیانیه‌های صادره توسط هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) را تا آن جا که برای بخش عمومی کاربرد دارد پذیرفت. افزون براین، این کارگروه به رهنمودهای استانداردگذاران ملی، مراجع مقررات‌گذاری، کانون‌های حسابداری حرفه‌ای، و دیگر سازمان‌های ذی‌علاقه به گزارشگری و حسابداری بخش عمومی توجه می‌کند.

اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۸ حرفه‌ی حسابداری است که در ۱۱۸ کشور جهان واقع‌اند و بیش از ۲/۵ میلیون حسابدار را در بخش عمومی، آموزش، خدمات دولتی، صنعت و بازرگانی نمایندگی می‌کنند.

معرفی موسسات حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره ایران

در اجرای مصوبه شورایی انجمن حسابداران خبره ایران و به استناد ماده ۱۰ اساسنامه انجمن بدین وسیله موسسات حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره ایران که حداکثر شرکاء آنها حسابداران مستقل عضو انجمن می باشند. به شرح زیر و به ترتیب الفبا معرفی می گردند.

فهرست

- ۱- آزموگان
- ۲- آزموون
- ۳- آزمون سامانه
- ۴- آریاروش
- ۵- آگاه حساب
- ۶- امجدتراز سپاهان
- ۷- ایران مشهود
- ۸- اصول پایه
- ۹- ارکان سیستم
- ۱۰- بهرامدشمار
- ۱۱- بیاترایان
- ۱۲- بیداران
- ۱۳- حسابرسیین
- ۱۴- خبره
- ۱۵- دایرایان
- ۱۶- دوش و همکاران
- ۱۷- رایمند و همکاران
- ۱۸- رهیافت حساب تهران
- ۱۹- سخن حق
- ۲۰- شراکت
- ۲۱- قراز مشار
- ۲۲- ممیز
- ۲۳- مجریان پویا
- ۲۴- نوآندیشان
- ۲۵- همیارحساب

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفنهای ۸۹۰۲۹۲۶
۸۹۰۵۹۲۰
فاکس ۸۸۹۹۷۲۲

E-Mail: Anjoman@systemgroup.net

info@iranianica.com

موسسه حسابرسی آزموگان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- مهرداد آل علی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فرهاد فرزاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مصطفی حاجی حسینی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات حسابداری، مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی - نظارت بر امور نصفه
تلفن: ۸۸۰۳۳۶۵ - ۸۸۰۲۶۳۹ - ۸۷۵۷۳۴۰
فاکس: ۸۷۵۷۳۴۱
نشانی: خیابان کریمخان زند - خیابان حافظ شماره ۷۰۱ - طبقه چهارم صندوق پستی: ۱۴۳۳۵۰۷۹۷

موسسه حسابرسی آزموون

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- فریدون کشانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدکمال موسوی (حسابدار رسمی)
- جواد گوهرزاد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، طراحی سیستم، نرم افزار و مشاوره مالی و مالیاتی
تلفن: ۸۰۰۰۸۷۱
فاکس: ۸۰۱۲۳۱۵
نشانی: کارگر شمالی، ۴۴۶، طبقه دوم
صندوق پستی: ۱۴۳۹۵/۷۱۶
E-Mail: Azmoon_co@yahoo.com

موسسه حسابرسی آزموون سامانه

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- عبدالرضا (فرهاد) نوربخش (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علی اصغر نجفی مهری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین قاسمی روچی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی
نشانی: خیابان بهار شیراز تقاطع سهروردی جنوبی شماره ۹۷
تلفن: ۷۵۳۷۹۴۴
فاکس: ۷۵۲۷۴۵۸
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، شماره ۵
تلفن: ۸۷۹۸۴۸۱
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵/۱۴۹

آریاروش

موسسه حسابرسی آریاروش
عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حبیب جامعی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدمحمد نیرگزاده (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مجتبی غلامی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و مدیریت، طراحی سیستم‌های مالی و اصلاح حساب
تلفن: ۸۴۶۸۵۴۵
نشانی: تهران سیدخندان ابتدای بزرگراه رسالت شماره ۵ طبقه سوم
صندوق پستی: ۱۵۱۱۵۱۳۷

موسسه حسابرسی آگاه حساب

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- علیرضا زندیادیار نیسی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالکریم مقدم (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- میثا فرودیان (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مالی و مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی و کامپیوتری
تلفن: ۲۲۳۸۶۲۲
فاکس: ۲۲۳۸۶۲۲
نشانی: تهران - ستارخان شماره ۸۱۶ طبقه ۶ واحد ۲۳
E-Mail: agahhesab@hotmail.com

موسسه حسابرسی امجد

عضو انجمن حسابداران خبره ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدحسین واحدی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- اصغر بهنیا (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مهرداد شریعت‌زاده (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عباس اسماعیلی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی و مالیاتی، بازرسی قانونی، مشاوره‌ای مدیریت مالی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های مالی، دفتر تهران: خیابان ولیعصر، بالاتر از جام جم، ساختمان جم، شماره ۱۴۷۹، طبقه چهارم، واحد یک
تلفن: ۰۲۱۲۰۱۲۹۳۱
فاکس: ۰۲۱۲۰۱۲۹۳۲
دفتر اصفهان: میدان آزادی، خیابان آزادگان، کوی کارگران، ساختمان ۲۰، طبقه سوم، واحد ۶
تلفن: ۰۲۱۱۶۶۲۱۳۴۵
صندوق پستی: اصفهان ۵۶۴ ۸۱۶۵۵
دفتر یزد: بلوار ایمن، شماره ۳۵۹، طبقه دوم تلفن: ۰۳۵۱۰۷۲۲۲۹۹
دفتر شیراز: بلوار چمران، بلوار نیاپس، کوی شماره ۹، شماره ۵۲ تلفن: ۰۷۱۱۶۲۵۲۶۹۲۳
http://www.amjad.ir
info@amjad.ir

ایران مشهود

موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت
عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدرضا گلچین پور (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- علیرضا عطوفی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیدعباس اسمعیل زاده پاکامان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- محمدصالح حشمتی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای مالی و مدیریت و طراحی سیستم‌های مالی و ارزیابی سهام
تلفن: ۸۷۸۵۷۶۵ - ۸۷۹۱۴۳۷ - ۸۷۹۱۴۹۹
فاکس: ۸۷۹۱۴۷۰
نشانی: خیابان وحید دستگردی (ظفر) - بین خیابان آفریقا و بزرگراه مدرس - پلاک ۲۴۸ - طبقه چهارم صندوق پستی: ۱۴۱۵۵ - ۴۸۹۹
دفتر اهواز: فلکه سوم کیانپارس، خیابان اردیبهشت، پلاک ۳۲، طبقه سوم، تلفن: ۳۳۳۶۶۲۵
E-Mail: iranmashhoodin@yahoo.com



موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- ابراهیم موسوی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسن صالح آبادی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- هوشنگ منوچهری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
 تلفن: ۸۴۲۳۵۳۴ - ۸۴۱۱۵۰۵
 فاکس: ۸۴۲۳۵۳۴ - ۸۴۱۱۵۰۵
 نشانی: خیابان مطهری - جنب باشگاه بانک سپه
 پلاک ۴۳ طبقه ۴
 صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۵۹۳۵

موسسه حسابرسی

ارکان سیستم

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمد شوقیان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالله شفاعت قراملکی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- جیرائیل بهاری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی (به همراه نرم‌افزارهای مالی)
 تلفن: ۸۸۰۴۹۴۱ و ۲ - ۸۸۰۴۹۴۰
 دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به خیابان فاطمی، خیابان شهید حمیدصدر پلاک ۳۸ طبقه دوم آپارتمان شماره ۱۰
 دفتر تیریز: خیابان امام سه راهی طالقانی، مجتمع خدمات تجاری سهند طبقه دوم واحد ۸
 تلفنکس: ۰۴۱۱-۵۵۳۳۵۷۰
 Email: m_shoghian@yahoo.com

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفنهای ۸۹۰۲۹۲۶
 ۸۹۰۵۹۲۰
 فاکس ۸۸۹۹۷۲۲

Email: Anjoman@systemgroup.net
 info@iranianica.com

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

بهرادشمار

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- مهربان پروز (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- فریده شیرازی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- بهروز ابراهیمی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- شیرین مشیر فاطمی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- رضا یعقوبی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی.
 تلفن: ۸۳۲۶۵۲۷ - ۸۳۰۹۴۹۰
 نشانی: تهران - خیابان مطهری خیابان فجر (چم سابق) پایین تر از کانون زبان پلاک ۲۹ طبقه دوم
 صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۵۵۵۱
 کدپستی ۱۵۸۹۷۸۳۱۱۶
 Email: info@behradmoshar.com

موسسه حسابرسی بیات رایان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- منوچهر بیات (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- ابوالقاسم فرآئی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالحسین رهبری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: طراحی سیستم (نرم افزار) مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری، خدمات حسابرسی عملیاتی و مالیاتی
 تلفن: ۸۵۰۴۵۸۶ - ۸۵۰۲۰۴۵
 فاکس: ۸۵۰۲۰۴۵

نشانی: خیابان مطهری - بین کوه نور و دریای نور - شماره ۲۳۹ - طبقه سوم

Email: bayatrayan@neda.net

Kpmsg-br@neda.net

موسسه حسابرسی بیداران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- عباس اسرار حقیقی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- پدالده امیدواری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین فرج‌اللهی (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، طراحی سیستم‌های مالی، مشاوره مالی و مالیاتی، ارزیابی سهام
 تلفن: ۸۳۰۶۹۱۱ - ۸۸۲۹۷۶۱ - ۸۸۳۳۵۲۰۷
 فاکس: ۸۸۳۱۶۸۱
 نشانی: شمال میدان هفت تیر، خیابان زیرک‌زاده، شماره ۲۲، طبقه اول

موسسه حسابرسی تدوین و همکاران

ERNST & YOUNG INTERNATIONAL

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- احمد ثابت مظفری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- ابوالقاسم فخاریان (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- ایرج هادی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی - حسابرسی مالیاتی - بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
 تلفن: ۸۷۸۲۰۹۶ - ۸۸۸۶۱۵۰
 فاکس: ۸۸۸۶۱۵۰
 نشانی: خیابان ولیعصر، پانین تر از میدان ونک، پلاک ۱۲۷۹/۱
 صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۱۴۹
 Email: tadvinco@mail.dci.co.ir

حسابر سین

موسسه حسابرسی و بهبود

سیستم‌های مدیریت

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- حسن اسماعیلی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- منوچهر زندی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- منیژه آریانیپور (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
 تلفن: ۸۷۲۱۲۶۹ - ۸۷۲۱۲۶۹
 فاکس: ۸۷۲۱۲۶۹
 نشانی: خیابان قائم‌مقام فراهانی، ساختمان ۲۱۶، طبقه سوم، واحد ۲۶
 Email: hesabresin@rayankoosh.com

موسسه حسابرسی خبره

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- داود خفاری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- نعمت‌الله علیخانی‌راد (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سیاوش سهیلی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
 تلفن: ۸۸۰۴۵۱۹ - ۲۱
 فاکس: ۸۹۰۲۳۲۰
 نشانی: خیابان ولیعصر، کوی پزشکشور (شمال فروزشگاه قدس) شماره ۲۳ کدپستی: ۱۵۹۴۸

راهنمای موسسات حسابرسی


۸۹۰۵۹۲۰ - ۸۹۰۲۹۲۶



راهنمای موسسات حسابرسی عضو انجمن حسابداران خبره ایران

۲۰

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سخن حق



عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- غلامرضا سلامی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- هوشنگ خستوتی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- اسداله نیلی اصفهانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و
مالیاتی، اصلاح حساب
تلفن: ۸۸۰۳۰۴۴ - فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶
نشانی: تهران - خیابان زرنشت غربی، پلاک ۳۲،
طبقه پنجم
Email : rymand@rymand.com

صندوق پستی: ۴۱۷۵ - ۱۴۱۵۵
نشانی: میدان آرژانتین، اول بزرگراه آفریقا، روبروی
پارکینگ بیفتی، پلاک ۹، بلوک ب، واحد شماره ۳
پست الکترونیک: info@sokhanehagh.com
www.sokhanehagh.com

۱۸

موسسه حسابرسی رایمند و همکاران

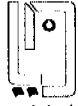
عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- عباسعلی دهشدشتی نژاد (حسابدار مستقل،
حسابدار رسمی)
- فریبرز امین (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- همایون مشیرزاده (حسابدار مستقل، حسابدار
رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و
مالیاتی، اصلاح حساب
تلفن: ۸۸۰۳۰۴۴ - فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶
نشانی: تهران - خیابان زرنشت غربی، پلاک ۳۲،
طبقه پنجم
Email : rymand@rymand.com

۱۶

موسسه حسابرسی و خدمات مالی دایارایان



عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- علی امانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- غلامحسین نوانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- رضا مستاجران (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی بازرسی قانونی، مشاوره مدیریت مالی،
طراحی و پیاده سازی سیستم مالی، نظارت مالی و حسابداری و
مالیاتی، نظارت بر امور تصفیه
تلفن: ۸۷۳۹۰۷۱ - ۲ و ۸۷۳۹۰۸۳ - ۴
فاکس: ۸۷۳۹۰۵۶
نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان سرافراز،
خیابان هفتم، شماره ۵۰، طبقه دهم
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵-۹۴۷
Email: DAYA RAYAN@apadana.com

۲۱

موسسه حسابرسی شراکت

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- سیروس گوهری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مجید کشوریزاده و هلنگرودی (حسابدار مستقل، حسابدار
رسمی)
- حسن فرنیان (حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره ای و
طراحی سیستم های مالی
تلفن: ۸۷۱۷۶۵۰ - ۸۷۱۷۶۵۱
فاکس: ۸۷۵۹۰۹۴
نشانی: تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان
قائم مقام فراهانی، ساختمان ۲۱۶، طبقه چهارم
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۶۶۶

۱۹

موسسه حسابرسی رهیافت حساب تهران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- فریدون ایزدینا (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- عبدالله تمدنی جهرمی (حسابدار رسمی)
- هوشنگ غیبی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی، انجام وظایف بازرس
قانونی، طراحی سیستم های مالی، ارزیابی سهام
تلفن: ۵ - ۸۹۸۵۷۵۱
فاکس: ۸۹۷۵۷۲۱
صندوق پستی: ۱۳۵۸ - ۱۴۳۳۵
نشانی: خیابان یوسف آباد - خیابان چهارم، پلاک ۵،
واحد ۶، کد پستی: ۱۴۳۱۶

۱۷


موسسه حسابرسی دش و همکاران

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران

- بهروز دارش (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- سید حسین عربزاده (حسابدار مستقل، حسابدار
رسمی)
- میلتن ایوان کریمیان (حسابدار مستقل، حسابدار
رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی،
بازرس قانونی، ارائه خدمات مشاوره مالی و
مالیاتی، اصلاح حساب، ارزیابی سهام، طراحی
سیستم های مالی
تلفن: ۶۹۴۵۴۶۷ - ۶۹۴۵۴۶۵
فاکس: ۶۴۲۹۹۷۱
نشانی: تهران - خیابان جمالزاده شمالی بالاتر از
بلوار کشاورز روبروی بانک ملی، شماره ۲۵۳
صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۴۸۷
Email: Dash_Co@neda.net

راهنمای موسسات حسابرسی



راهنمای موسسات حسابرسی
۸۹۰۲۹۲۶ - ۸۹۰۵۹۲۰



۲۲

موسسه حسابرسی

فراز مشاور

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- پرویز صادقی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- شریمان ایلیخانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- غلامرضا درباری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی، بازرسی قانونی، خدمات حسابداری، ارزیابی سهام
تلفن: ۸۸۹۴۶۶۸-۸۸۹۲۰۳۶
فاکس: ۸۹۰۰۵۲۸
نشانی: تهران - ولیعصر نیش استاد مطهری کوچه افتخار پلاک ۱۲ طبقه دوم کدپستی: ۱۵۹۵۸

۲۳

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ممیز

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- محمدنبی‌داهی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- حسین سیادت‌خو (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- جمشید اسکندری (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
تلفن: ۸۹۰۱۵۴۷، ۸۸۹۵۳۷۷
۸۹۰۷۶۷۹، ۸۸۰۲۹۰۱
فاکس: ۸۸۰۲۸۹۸
نشانی: خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان سپندغربی، پلاک ۹۲، طبقه سوم، آپارتمان شرقی، کدپستی: ۱۵۹۸۶۸۵۵۱۷

راهنمای موسسات حسابرسی

عضو انجمن حسابداران

خبره ایران

۸۹۰۵۹۲۰-۸۹۰۲۹۲۶

۵۲

۲۴

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

مَجْرَبان پویا

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- اکبر وقار کاشانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
 - علی‌اصغر خلفی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
 - طاهر مراغه‌پور (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- خدمات: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای مالی، مدیریت و طراحی سیستم‌های مالی، خدمات حسابداری و خدمات بیمه
تلفن: ۰۲۳۷۲۹-۸۰۲۳۷۲۹، ۶۳۹۶۵۸-۶۳۹۶۵۸
نشانی: خیابان فتحی، شرفا پیلاک ۱۲۴ طبقه ۲ دفتر اصطفهان: خیابان نصرغربی، نیش کوچه نمازخانه استین، ساختمان نوکو، طبقه اول
تلفن: ۶۲۴۱۳۷۷
تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۴۱۳۷۷
دفتر همدان: ابتدای خیابان جهاد ساختمان جم طبقه ۲ شماره ۸
تلفن: ۰۸۱۱-۸۲۷۴۸۷۲

۲۵

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

نواندیشان

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- سورن آبنوس (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- غلامعلی رشیدی (حسابدار رسمی)
- گارو هوانسیان‌فر (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی عملیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی و حسابداری صنعتی
تلفن: ۸۳۰۲۳۱۶
فاکس: ۸۸۴۱۲۲۷
نشانی: خیابان میرزای شیرازی، نیش خیابان کامکار ساختمان ۸۳، آپارتمان ۱۶، کدپستی: ۱۵۸۵۷
Email : nouandishan@yahoo.com

۲۶



همیار حساب

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

عضو انجمن حسابداران خبره ایران - عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

- نریمان شعریانی (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- مسعود مبارک (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)
- محمدتقی سلیمان‌نیا (حسابدار مستقل، حسابدار رسمی)

خدمات: حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، بازرسی قانونی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و طراحی سیستم‌های مالی
تلفن: ۸۰۶۳۲۷۴
فاکس: ۸۰۶۳۲۷۵
نشانی: یوسف‌آباد خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شماره ۳۵۵ صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۱۶۴۳
Email : Hamyar@iranianica.com

رسوایی پارمالات

نوشته: اینیاسیو رامونه
ترجمه: میترا شعبانی
نقل از لوموند دیپلماتیک

"زنده باد اخلاق در تجارت! زنده باد شرکت سالم!" این فریادها که در جریان فوروم اقتصادی جهانی در داووس به گوش می‌رسیدند، بیانگر خواستی واحدند و آن همانا شکوفایی دوباره‌ی کاپیتالیسم برمی‌نماید شالوده‌ی سالم آن است. این امر البته بسیار دشوار خواهد بود، چرا که درست در لحظه‌ی ابراز این خواهش‌ها، فضاقت ماجرای پارمالات زبان زد خاص و عام شده بود. به نظر می‌رسد که این قضیه که بزرگ‌ترین رسوایی مالی اروپا از سال ۱۹۴۵ تاکنون خوانده شده است، عواقبی مشابه رسوایی فاجعه بار انرون، دلال بزرگ انرژی، در دسامبر ۲۰۰۱ به بار آورد.^۱

پارمالات نمونه‌ی بازاری از شکوفایی اقتصادی در چارچوب پویش جهانی سازی لیبرالی است. یک شرکت کوچک فامیلی توزیع شیر پاستوریزه که در سال‌های ۱۹۶۰ در حوالی پارما در ایتالیا فعالیت خود را آغاز کرد و به یمن کفایت بنیان‌گذار آن، کالیستو تانزی، و یارانه‌های سخاوتمندانه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، توسعه یافت. پارمالات، از سال ۱۹۷۴، جهانی شده و در برزیل و سپس ونزوئلا و اکوادور مستقر گشت. این شرکت شعب متعدد و نیز چندین شرکت واسطه‌ای، ابتدا در کشورهایی که تسهیلات مالیاتی در اختیار شرکت‌ها می‌گذارند (جزیره‌ی مان، هلند، لوکزامبورگ، اتریش، مالت) و سپس در بهشت‌های مالیاتی (جزایر کایمان، جزایر ویرجینیا، جزایر آنتیل هلند) ایجاد کرد. پارمالات از سال ۱۹۹۰ وارد بورس شده و به عنوان هفتمین گروه خصوصی ایتالیا مطرح گشت و مرتبه‌ی نخست جهانی را در بازار شیر "قابل نگاه‌داری درازمدت" کسب کرد. این شرکت عظیم ۳۷ هزار کارگر و کارمند در بیش از سی کشور جهان در استخدام خود داشت، و درآمد ناخالص آن در سال ۲۰۰۲، به ۶/۷ میلیارد یورو، یعنی رقمی بالاتر از تولید ناخالص ملی کشورهایی چون پاراگوئه، بولیوی، آنگولا و یا سنگال بالغ می‌شد.

موفقیت عظیم پارمالات، ارباب آن، کالیستو تانزی را یکی از چهره‌های مطرح دستگاه

حاکم‌های ایتالیا و عضو هیات رئیسه‌ی Cofindustria (اتحادیه‌ی اربابان ایتالیا) ساخته و سهام پارمالات به یکی از ارزش‌های مسلم بورس میلان بدل گشت.

تا روز یازده نوامبر ۲۰۰۳ همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. در این روز بود که سرمایه‌گذاری مبلغی بالغ بر پانصد میلیون یورو در شرکت Epicurum که مقر آن در جزایر کایمان است، سوئظن ماموران مالیاتی ایتالیا را برانگیخت. آژانس Standard & Poors بلافاصله مرتبه‌ی سهام پارمالات را در رده‌بندی خود پایین آورد و ارزش سهام آن به شدت تنزل کرد. در همان زمان کمیسیون نظارت بر معاملات بورس از این شرکت خواست تا در رابطه با چگونگی بازپرداخت قروضی که موعدهشان پایان سال ۲۰۰۳ بود، توضیح دهد. این امر موجبات نگرانی سهام‌داران و بستانکاران شرکت را فراهم آورد. هیات رئیسه‌ی پارمالات برای اطمینان بخشیدن به سهام‌داران، اعلام داشت که سرمایه‌ای بالغ بر ۳/۹۵ میلیارد یورو در یکی از شعب بانک آمریکا در جزایر کایمان در اختیار دارد و سندی از جانب بانک مذکور مبنی بر صحت وجود این وجوه ارائه داد. به این ترتیب، روسای شرکت به قمار خطرناک دست زدند، به این معنا که یا حساب‌شان صاف می‌شد یا دو برابر می‌باختند. یا اوضاع به روال سابق برگشته و خیال همه آسوده می‌شد و ارزش سهام بالا می‌رفت یا بی‌اعتمادی ادامه یافته و شرکت در آستانه‌ی ورشکستگی قرار می‌گرفت.

در این لحظه سرنوشت‌ساز، در حالی که به نظر می‌رسید که ماجرا خاتم یافته است، ضربه‌ی کاری دیگری به گروه وارد آمد. روز نوزده دسامبر بانک آمریکا اعلام داشت سندی که شرکت پارمالات برای اثبات وجود ۳/۹۵ میلیارد یورو در همه جا به نمایش می‌گذارد، در واقع ... جعلی است! سندی با نشان غیردقیق که به شکل ناشیانه‌ای جعل و "اسکن" شده است! در پی این افشاگری، ارزش سهام به شدت نزول می‌کند و

ظرف چند روز دیگر تقریباً بی‌ارزش می‌شود. بیش از صدوپانزده هزار نفر از سهام‌داران و پس‌اندازکنندگان خرده‌پا خود را مغبون و برخی کاملاً خانه خراب می‌یابند. رسوایی آغاز می‌شود.

به زودی افشا می‌شود که قروض پارمالات در واقع به یازده میلیارد یورو بالغ شده! و هم چون رسوایی‌های انرون، تیکو، ولدکام و آهولد، این امر آگاهانه از سال‌ها پیش، طی روندی متقلبانه براساس اختلاس، حساب‌سازی و دستکاری اسناد، سوددهی کاذب و اهرام پیچیده‌ای متشکل از شرکت‌های تودرتوی Of shore که ردیابی سرمایه‌ها و بررسی حساب‌ها را عملاً غیرممکن می‌سازد، پنهان نگاه داشته شده است. این کلاهبرداری مدت‌ها به‌طور پیوسته و پنهان ادامه پیدا می‌کند تا جایی که به عنوان مثال، دوچ بانک، اندکی قبل از ماجرا، ۵۱ درصد سهام پارمالات را خرید و صاحب‌نظران بازار بورس خرید سهام آن را اکیداً توصیه می‌کردند ("Strong buy"). کابینه‌های تحلیل و حسابرسی معتبری مانند Deloitte & Toucheo Grant و Thornon، و بانک‌های بزرگی چون Citygroup به هم دستی در این رسوایی متهم شده‌اند. زیانمندی بهشت‌های مالیاتی بار دیگر بر سر زبان‌هاست.^۲ ماجرا ابعادی جهانی یافته است.

پس از ورشکستگی شرکت انرون، هواخواهان جهانی شدن لیبرالی ادعا می‌کردند که دیگر دوران اربابان اوپاش و شرکت‌های شیاد به سرآمده است و در نهایت این ماجرا خالی از فایده نبوده است، چرا که به نوعی اسباب اصلاح سیستم کنونی را فراهم آورده است. رسوایی پارمالات عکس این قضیه را ثابت می‌کند.

۱- ورشکستگی شرکت انرون، در پی دستکاری حسابداری، اخراج ۵۶۰۰ نفر و نابدید شدن ۶۸ میلیارد دلار سرمایه را با خود به همراه داشته است.
۲- در این رابطه رجوع شود به کتاب پیر بوشه، "تمرکز شرکت‌های چند ملیتی و تحول دولت"، انتشارات CNRS، پاریس، ۲۰۰۳.



دوره‌های حسابداری و مدیریت مالی مرکز آموزشهای کاربردی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران

دوره‌های حسابداری و مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت:

کد دوره	نام دوره	مدت دوره	شهریه /ریال	پیش‌نیاز
۲۰۱	حسابداری مالی (۱)	۶۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	حداقل دیپلم
۲۰۲	حسابداری مالی (۲)	۶۰ ساعت	۵۵۰,۰۰۰	۲۰۱
۲۰۳	حسابداری مالی (۳)	۵۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۰۴	حسابداری مالی (۴)	۵۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۳
۲۰۵	حسابداری صنعتی (۱)	۶۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۰۶	حسابداری صنعتی (۲)	۵۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۵
۲۰۷	حسابداری مدیریت	۲۰ ساعت	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۶
۲۰۸	مدیریت مالی	۲۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۷
۲۰۹	صورت‌های مالی تلفیقی	۳۰ ساعت	۱,۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۱۰	حسابرسی	۳۰ ساعت	۳۷۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۱۱	حسابرسی داخلی	۲۰ ساعت	۳۷۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۱۲	قانون مالیات‌های مستقیم	۲۵ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۱۳	مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی	۲۰ ساعت	۱,۰۰۰,۰۰۰	۳ سال سابقه مدیریت
۲۱۴	مهندسی مالی (۱)	۲۲ ساعت	۱,۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۱۵	مهندسی مالی (۲)	۲۲ ساعت	۱,۵۰۰,۰۰۰	۲۱۴
۲۱۶	تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌های حسابداری	۲۰ ساعت	۷۵۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۱۷	اصول برنامه‌ریزی و بودجه	۳۰ ساعت	۶۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۱۸	تهیه صورت گردش وجوه نقد	۱۲ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۱۹	کلینیک مدیریت	۲۰ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۲۲۰	کاربرد نرم‌افزارهای مالی	۶۰ ساعت	۸۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۲۲۱	کارگاه آموزش حسابداری با کامپیوتر	۳۰ ساعت	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۵۰۱	دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی	۲۶۰ ساعت	۲,۲۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۵۰۳	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۱)	۲۶۰ ساعت	۲,۵۰۰,۰۰۰	۲۰۲
۵۰۴	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۲)	۲۶۰ ساعت	۲,۸۰۰,۰۰۰	فوق دیپلم و سابقه کار حسابداری یا ۵۰۳

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید با مرکز آموزشهای کاربردی اتاق بازرگانی به آدرس زیر مراجعه یا با تلفن‌های مرکز تماس حاصل فرمایید.

خیابان انقلاب، بعد از میدان فردوسی خیابان شهید موسوی (فرصت جنوبی) بن بست نیکپور پلاک ۶۶

تلفن ۸۸۲۹۶۵۴ شماره ۸۸۲۸۷۸۷

هزینه‌یابی هدف و مدیریت زنجیره‌ی عرضه

متمرکز می‌شود. به همین دلیل در فرایند هزینه‌یابی هدف، اطلاعات مربوط به راهبردهای رقابت، تولید، و زنجیره‌ی عرضه شرکت لازم است. زمانی که این اطلاعات (از مرحله راهبردی تولید گرفته تا مراحل نحوه‌ی تولید، طراحی تولید، و تدارکات) گرد آمدند، فعالیت‌های مختلفی از هزینه‌یابی هدف شکل گرفته است.

در مرحله‌ی اول، شرکت با استفاده از راهبردهای رقابت و بازار، هزینه‌ی هدف را به‌صورتی که در بند فوق گفته شد نمایشگر ۲ محاسبه می‌کند. بعد از محاسبه‌ی هزینه، شرکت کار خودش را برای رسیدن به آن شروع می‌کند. مهندسی ارزش برای طراحی مجدد محصول، فرایند تولید و سامانه‌های توزیع و خدمات، ایجاد می‌شود. فرایند هزینه‌یابی هدف هنگامی به پایان می‌رسد که یا شرکت نتواند با این هزینه‌ی هدف، نیازهای مشتریان را فراهم سازد یا تولید محصول متوقف شود.

هزینه‌یابی هدف، نیازهای مشتریان را در قالب تلاش‌های شرکت برای توسعه و گسترش راهبردهای تولید جای می‌دهد. هزینه‌یابی هدف به نیازهای مشتریان از نظر کیفیت، عملکرد، و قیمت به‌عنوان کلیدی در جهت ایجاد و حفظ قدرت رقابت تولید می‌نگرد. به‌رغم پذیرش این نگرش، هزینه‌یابی هدف نمی‌تواند بدون مطالعه و بررسی، به‌عنوان ابزاری برای مدیریت زنجیره‌ی عرضه پذیرفته شود. فقط باید به زنجیره‌های عرضه‌ای وارد شود که اعضای کاری آنها برای گسترش هزینه‌یابی هدف آماده‌اند.

به‌علت تاثیرات شرایط مختلف رقابت، همه‌ی زنجیره‌های عرضه‌ی موجود نمی‌توانند سامانه‌ی هزینه‌یابی هدف یکسانی را اجرا نمایند. دو شرط بسیار مهم شامل، روابط بین اعضای کاری (تجارتی) در زنجیره‌ی عرضه و ماهیت نیازهای مشتریان است. این شرایط سه رویکرد برای هزینه‌یابی هدف ایجاد کرده‌اند که باید در داخل زنجیره‌ی عرضه گسترش یابند: ۱) هزینه‌یابی هدف مبتنی بر قیمت، (هزینه‌یابی هدف در این رویکرد بر مشخص کردن قیمت محصولات در بازار و حاشیه‌ی سود محصولات تاکید دارد)، ۲) هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش، (هزینه‌یابی هدف در این رویکرد بر تعیین سهم هر یک از فعالیت‌ها در محصول یا به‌عبارت دیگر ارزشی که هر یک از

فعالیت‌های زنجیره ایجاد می‌کنند، تکیه دارد)، ۳) هزینه‌یابی هدف مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها، (هزینه‌یابی هدف در این رویکرد بر حذف فعالیت‌های بدون ارزش افزوده و بهبود مداوم قدرت رقابت هزینه‌ی تولید زنجیره‌ی عرضه تکیه دارد).

بنابراین، ضروری است که رویکرد هزینه‌یابی هدف تنها بعد از تجزیه و تحلیل دقیق نیازهای مشتریان و روابط زنجیره‌ی عرضه انتخاب شود.^{۲۵}

روابط زنجیره‌ی عرضه

زنجیره‌ی عرضه یک شبکه‌ی ارتباطی^{۲۶} بین اعضای کاری است. این روابط، ویژگی‌های عملیاتی^{۲۷} زنجیره‌ی عرضه از جمله توانایی حمایت از سیاست هزینه‌یابی هدف را تعیین می‌کند. از آنجا که استفاده موفقیت‌آمیز از یک رویکرد هزینه‌یابی هدف در زنجیره‌ی عرضه از روابط بین اعضا تاثیر می‌پذیرد، بنابراین درک این روابط برای انتخاب رویکرد هزینه‌یابی هدف متناسب با زنجیره‌ی عرضه، بسیار مهم است.

اغلب، روابط زنجیره‌ی عرضه با اصطلاحاتی از قبیل یکپارچگی^{۲۸}، همبستگی^{۲۹}، یا وابستگی متقابل^{۳۰} میان اعضای کاری زنجیره توصیف می‌شود. در ۱۹۹۷ کوپر^{۳۱} و در ۱۹۹۸ تاینдал^{۳۲}، چهار سطح از روابط زنجیره‌ی عرضه را از سطح پایین مشارکت^{۳۳} تا سطح بالای مشارکت بیان کردند. به‌گفته‌ی تاینдал اعضای کاری، در پایین‌ترین سطح مشارکت، به مذاکرات بازار آزاد متکی هستند. این مذاکرات روش‌های مبادلات تجاری نیرومندی است که روابط متقابل اعضای کاری را تشکیل می‌دهد و کنترل می‌کند. در مذاکرات بازار آزاد، ساختار بازار و ضرورت رقابت، ماهیت روابط زنجیره‌ی عرضه را تعیین می‌کند نه ابتکار مدیریت. نقش اصلی مدیریت، حصول اطمینان از این است که شرکت ظرفیت برآورده کردن نیازهای مبادلاتی اعضای کاری‌اش را داشته باشد. در سطح بعدی مشارکت، اعضای کاری به‌طور عمدی از مبادلات بازار آزاد فرار می‌کنند و فرایندهای مبادلاتی ویژه‌ای را ایجاد می‌کنند که به نحو بهتری نیازهایشان را برآورده سازد. به‌منظور دستیابی به منافع این ارتباطات ویژه، اعضای کاری، قراردادهای بلندمدت تجاری

در زنجیره‌ی عرضه می‌باشد اما هزینه‌یابی هدف مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها، به احتمال زیاد مشارکت کامل بین اعضای کاری را ملزم می‌کند.

در رویکرد هزینه‌یابی هدف مبتنی بر قیمت لازم است که زنجیره‌ی عرضه، در یک محیط تجاری فعالیت کند که مشتریان ثابت^{۴۱} و یک‌نواخت^{۴۲} دارد. بنابراین زنجیره‌ی عرضه، محصولات با تنوع کم ارائه می‌کند و معرفی محصولات جدید به ندرت صورت می‌گیرد. هزینه‌یابی هدف در اصل برای مشخص کردن قیمت‌های بازار و حاشیه‌ی سود محصولات و هم‌چنین به منظور ایجاد ابزاری برای مذاکره و توافق در مورد پاداش‌های اعضای کاری (برای انجام فعالیت‌های زنجیره‌ی عرضه) استفاده می‌شود. رسیدن به توافق با اعضای کاری در مورد سطح و زمان پاداش ارائه‌ی خدماتشان خیلی مهم است و مرحله‌ای حیاتی در هزینه‌یابی و ایجاد روابط زنجیره‌ی عرضه می‌باشد. توافق باید بدین صورت انجام گیرد: پاداش باید به همه‌ی اعضای زنجیره‌ی عرضه به استثناء بازارسازها^{۴۳} پرداخت شود و کل آن نباید بیش از هزینه‌ی مجاز محصول باشد و قیمت‌های توافق شده برای حفظ سودآوری بلندمدت و بقای اعضای زنجیره‌ی عرضه نیز باید کافی باشد. این که اعضای زنجیره یک سطحی از پاداش را دریافت کنند که مقرون به صرفه بودن عضویت را ایجاد کند، امری حیاتی است.

رویکرد مبتنی بر ارزش، زنجیره‌های تامین را ملزم می‌کند تا نیازهای متنوع و تغییرپذیر مشتریان را برآورده سازند. بنابراین، برای جلب رضایت مشتریان، زنجیره‌ی عرضه باید انواع زیادی از محصولات با ارزش را تهیه نماید که اکثراً کوتاه‌مدت هستند. برآورده کردن نیازهای چنین مشتریانی از طریق پذیرفتن هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش، سود ایجاد می‌کند، مخصوصاً اگر روابط اعضای کاری زنجیره اساساً بر مبنای مذاکرات بازار آزاد باشد. چنین زنجیره‌ی عرضه‌ای می‌تواند طراحی مجدد شود تا حدی که قابلیت‌ها و توانایی‌های اصلی با نیازهای فعلی مشتریان مطابق شود. در واقع، این ظرفیت طراحی مجدد به زنجیره‌ی عرضه امکان

می‌بندد و هم‌چنین به منظور کاهش بیش‌تر شک و تردید بین روابط تجاری‌شان، تعهد می‌دهند که اطلاعات حجم و زمان تولید و جریان خدمات را با هم در میان بگذارند. ردوبدل کردن اطلاعات بدین صورت باعث گسترش اطلاعات می‌شود و حرکت مشارکت، از همکاری^{۳۴} به هماهنگی^{۳۵} را تشدید می‌کند. در سطح سوم مشارکت، اعضای کاری روابط نیرومندی را برای حمایت از تلاش‌های مشترک به منظور کوتاه کردن عملیات زنجیره‌ی عرضه ایجاد می‌کنند. تلاش‌های یکپارچه‌سازی به منظور کاهش موجودی‌ها در زنجیره‌ی عرضه به وسیله گسترش ایده‌ی درست به موقع^{۳۶}، یا کاهش هزینه‌های مبادلات به وسیله ردوبدل کردن الکترونیکی مبادلات، نوعی از این مشارکت‌ها است. سرانجام هنگامی که اعضای کاری به مرحله‌ی تشریک مساعی^{۳۷} برسند تا حد زیادی یکپارچگی به دست خواهند آورد. آنها تلاش‌های مشترک را به منظور توسعه و بهبود محصولات و هم‌چنین افزایش ارزش و تامین رضایت مشتریان به کار می‌گیرند. بنابراین مدیریت، انرژی قابل توجه‌ای برای ایجاد اعتماد در روابط زنجیره‌ی عرضه و هم‌چنین انجام مذاکره و توافقات منصفانه^{۳۸} برای تسهیم سربارها^{۳۹} و پاداش‌های^{۴۰} حاصل از بهبود زنجیره‌ی عرضه، صرف می‌کند.

اعضای کاری زنجیره‌ی عرضه، باید رویکردی از هزینه‌یابی هدف را به کار ببرند که با سطح مشارکتشان متناسب‌تر باشد تا موثر واقع گردد. به عنوان مثال شرکت‌های بازار آزاد می‌توانند با موفقیت، رویکرد هزینه‌یابی هدف مبتنی بر قیمت را به کار ببرند زیرا در این رویکرد، بین اعضای کاری، روابط قوی، فعال، و توافقات تسهیم ویژه لازم نیست. در هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش و مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها سطح بالاتری از مشارکت در مقایسه با هزینه‌یابی هدف مبتنی بر قیمت لازم است. به علاوه اعضای کاری به ردوبدل کردن مقدار بیش‌تری از اطلاعات ملزم هستند. در این رویکردها ممکن است تلاش‌های مشترک بین اعضای کاری، به منظور طراحی مجدد ویژگی‌های عملیات زنجیره‌ی عرضه لازم باشد تا حدی که نیازهای مشتریان بتواند با قیمت فروش تعیین شده برآورد شود. اگر چه یک رابطه‌ی هماهنگ بین اعضای کاری، اغلب مبنایی کافی برای به‌کارگیری هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش

نیازهای مشتریان یک نواخت، ثابت و شناخته شده هستند و روابط زنجیره‌های عرضه از طریق توافق‌های مشترک^{۴۴} تثبیت شده است. زنجیره‌های عرضه که در این محیط فعالیت می‌کنند برای این که موثر باشند باید هزینه‌های کلی‌شان را کنترل کنند و کاهش دهند (مثالی برای هزینه‌های زنجیره‌ی عرضه از یک مدل مبتنی بر فعالیت در بیانیه‌ی حسابداری مدیریت^{۴۵} آمده است). بنابراین اعضای کاری زنجیره‌ی عرضه، تلاش‌های قابل توجه‌ای را جهت ایجاد مدل‌های مبتنی بر فعالیت بین شرکتی^{۴۶}، برای هزینه‌های زنجیره‌ی عرضه انجام می‌دهند. آگاهی از علت و هزینه‌ی فعالیت‌های بدون ارزش افزوده‌ی زنجیره‌ی عرضه که به وسیله‌ی این مدل‌ها مشخص می‌شوند، در طراحی طرح‌های بهبود هزینه‌های مشترک و انجام توافق‌های منصفانه جهت تسهیم سربارها و پاداش‌های هر طرح مشترک، استفاده می‌شود.

نقش هزینه‌یابی هدف در محیط‌های شکل گرفته با خصوصیات فوق‌الذکر، ترغیب و انجام تلاش‌هایی برای بهبود مداوم قدرت رقابتی هزینه‌ی زنجیره‌ی عرضه می‌باشد. بنابراین فرایند هزینه‌یابی هدف مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها، به عنوان نسخه‌ی پیشرفته سامانه‌ی قیمت‌گذاری مبتنی بر هزینه (هزینه - به اضافه چند درصد^{۴۷}) عمل می‌کند که طبق آن قیمت‌ها از بین اعضای زنجیره‌ی عرضه با اعمال افزایش قیمت فعالیت‌های زنجیره‌ی عرضه در بازار، به دست می‌آیند. این سامانه‌ی قیمت‌گذاری می‌تواند اعضای کاری زنجیره‌ی عرضه را وادار به حذف فرایندهای زائد مبتنی بر نفع شخصی^{۴۸} نماید. توافق‌های تسهیم سود بین اعضای زنجیره‌ی عرضه باید به اندازه‌ی کافی قوی باشند. به طوری که تداوم زنجیره‌ی عرضه تضمین شود و با تلاش‌های بهینه‌سازی مقطعی هزینه تهدید نشود.^{۴۹}

نتیجه‌گیری

شرکت‌ها برای جلوگیری از مشکلات مربوط به رویکرد سنتی مدیریت زنجیره‌ی هزینه، باید با توجه به زنجیره‌های عرضه و حذف اهداف کارکردی هزینه‌ها (مبتنی بر وظایف) که از رضایت مشتریان چشم‌پوشی می‌کند، دیدگاهی جامع^{۵۷} اتخاذ کنند. هزینه‌یابی هدف، سازوکاری است برای تعیین

می‌دهد تا قدرت رقابتش را از طریق پاسخ‌گویی به تغییرات در نیازهای مشتریان به وسیله‌ی تولید بهتر حفظ کند. اما به منظور کمینه‌سازی تضادها و برخوردهای بین شرکتی و کاهش عوامل بازدارنده‌ی مشارکت در زنجیره‌ی عرضه، روابط اعضای کاری در زنجیره‌ی عرضه باید منصفانه باقی بماند.

در زنجیره‌ی عرضه از هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش برای تسهیم هزینه‌های مجاز محصول بین فعالیت‌های زنجیره‌ی عرضه به نسبت ارزش هر یک از فعالیت‌ها استفاده می‌شود. این هزینه‌های تسهیم یافته، مبلغ پرداختی به اعضای زنجیره‌ی عرضه (به غیر از بازارسازها) به ازای انجام فعالیتشان می‌باشد. رویه هزینه‌یابی هدف می‌تواند به وسیله قیمت یا هزینه‌ی تعیین شده برای هر یک از فعالیت‌های زنجیره‌ی عرضه، جهت شناسایی اعضای که قادر به انجام فعالیت‌هایشان با هزینه مجاز هستند استفاده شود. بنابراین مجموعه‌ای از اعضای توانمند شناسایی و با هم ترکیب می‌شوند تا زنجیره موثرتر باشد. این مجموعه تا زمانی فعالیت خود را به صورت زنجیره‌ی عرضه ادامه می‌دهد که تغییرات بیش‌تر در نیازهای مشتریان، به طراحی دیگری نیاز داشته باشد.

از طرفی نیازهای مشتریان همواره در حال تغییر است بنابراین اعضای کاری نیز باید متناسب با تغییر در نیازهای مشتریان تغییر یابد تا ترکیب متناسب برای پاسخ‌گویی به این نیازها تشکیل گردد. در حالی که تغییر اعضای زنجیره‌ی عرضه پرهزینه است در نتیجه اگر زنجیره می‌خواهد موفق باشد باید اعضایش راهی را برای پاسخ‌گویی به تغییر نیازهای مشتریان پیدا کنند. در چنین شرایطی، باز هم هزینه‌یابی هدف مبتنی بر ارزش، برای تسهیم هزینه‌ی مجاز به فعالیت‌های زنجیره‌ی عرضه به نسبت ارزش ایجاد شده، استفاده می‌شود. اما حالا اعضای زنجیره برای حصول اطمینان از این که ارزش هر کدام نسبتاً برابر با هزینه‌ی مجاز است، باید فعالیت‌های بار مهندسی مشترک را به عهده بگیرند.

رویه‌یابی هدف مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها

رویکرد هزینه‌یابی هدف مبتنی بر مدیریت هزینه‌ی فعالیت‌ها، زمانی برای زنجیره‌های عرضه مناسب است که

حسابداری محیط زیست

نادر کاظم زاده ارسبی



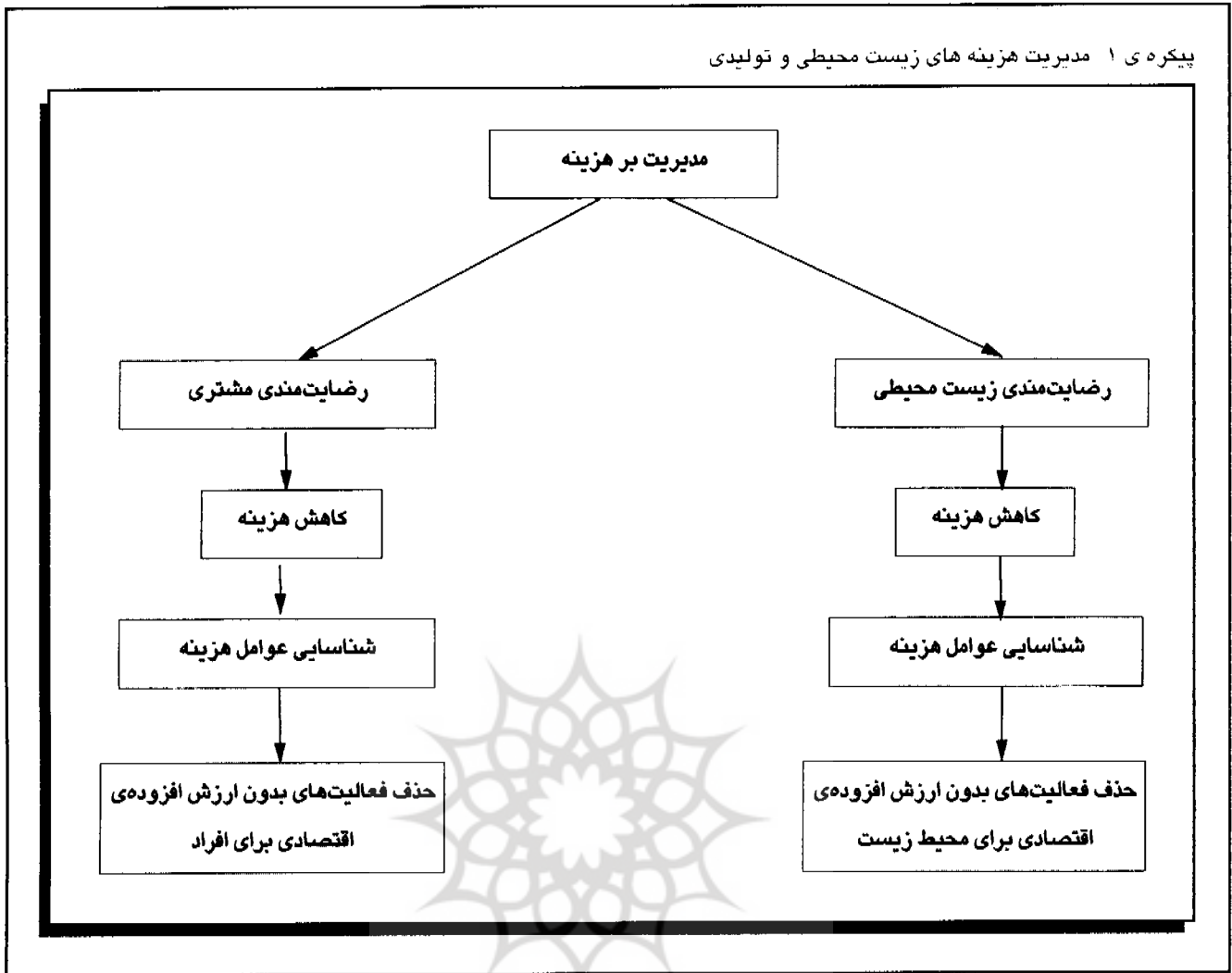
برای این هدف است که شرکت بتواند فرآیندها، ارتباطات و فعالیت‌های خود را بدون آسیب‌رسانی به محیط زیست به انجام برساند. برخی شرکت‌های ایرانی از جمله شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران، به ایجاد سیستم مدیریت زیست محیطی

در عصر حاضر با توجه به وجود برخی از محدودیت‌های زیست محیطی به ویژه در تجارت جهانی و تنگ شدن عرصه‌ی رقابت، به ناچار بعضی شرکت‌های انتفاعی از یک سو برای رفع این محدودیت‌ها و دستیابی به درآمد

بیشتر یا کسب محبوبیت تجاری، مجبور به تحمل هزینه‌های زیست محیطی می‌شوند و از سوی دیگر برای ارزیابی مثبت عملکرد خاص حفاظت از محیط زیست، ناچار به کاهش هزینه‌های مزبورند. برای مدیریت هزینه‌های زیست محیطی اولین نیاز به رسمیت شناختن این

هزینه‌ها است. هزینه‌یابی زیست محیطی فعالیتی است که می‌تواند موجب افزایش ارزش شرکت گردد. استاندارد بین‌المللی ایزو ۱۴۰۰۰ یک سیستم کنترل مدیریتی است که عملکرد زیست محیطی شرکت را به گونه‌ای تعریف می‌کند که نیازمندی‌های این استاندارد را پوشش دهد و در مجموع

اقدام می‌کنند و اگر چه در این راستا هزینه‌های واقعی به شرکت تحمیل می‌شود، لیکن در مقابل هزینه‌ها، منافع و ارزش افزوده‌ای را به دنبال خواهد داشت. موضوع حسابداری فعالیت‌های زیست محیطی در قالب یک فعالیت مستقل قابل ارزیابی است. از یک طرف به دلیل پیروی از



برای تولید محصولات مختلف صرف می‌شود، در بهای تمام شده محصولات تولیدی به درستی منعکس نمی‌شود و صنایع سبز به‌رغم تحمل هزینه‌های محیطی داخلی نسبت به صنایع غیرسبز مشابه، محصولاتی را که برود یکسان تولید می‌کنند. در حالی که مدیریت نه تنها در خصوص کارایی و اثربخشی فعالیت موسسه تحت سرپرستی خود مسئول است بلکه در مقابل هر آنچه در قبال فعالیت انتفاعی، در مورد مشکلات محیطی بروز می‌کند، نیز مسئول است. یک واحد انتفاعی در کنار مسئولیت‌های اقتصادی ناچار به پذیرش مسئولیت محیطی یا اجتماعی نیز می‌باشد.

ثروت سهامداران گردید. با توجه به مشکل عدم وجود اطلاعات حسابداری با صحت و دقت بیشتر در شرکت‌هایی که در کنار فعالیت اصلی خود، فعالیت‌های زیست محیطی را هم مدیریت کنند، ضرورت وجود یک سیستم هزینه‌یابی مناسب احساس می‌شود. در حال حاضر نگرش تازه‌ای نسبت به آثار زیست محیطی ناشی از فعالیت صنعتی موسسات انتفاعی بروز کرده است، این موضوع نگاه موسسات انتفاعی را از طراحی محصول و فرایندها تا خدمات پس از فروش دچار تغییرات عمده‌ای کرده است. این در حالی است که ارزش واقعی منابع طبیعی از جمله هوا، زمین، آب و غیره که

یک الگوی بهبود مستمر در فرایند اجرای متمیزی زیست محیطی، امکان ارزیابی عملکرد مدیران فراهم شده است و از طرف دیگر گزارشگری مالی برون سازمانی، در خصوص عملکرد زیست محیطی، می‌تواند هزینه و منفعت برنامه‌های زیست محیطی و اهداف مدیریت را برای استفاده‌کنندگان خارجی فراهم کند. اگر چه برخی از منافع ناشی از تحمل هزینه‌های زیست محیطی صرفاً کیفی است و قابل اندازه‌گیری عینی نیست. لیکن با افشای مناسب در گزارشگری مالی می‌توان دیدگاه مثبتی در میان سهامداران و بازار سرمایه ایجاد کرد و به تبع آن از طریق افزایش P/E و نهایتاً افزایش ارزش روز سهام، موجب افزایش

حسابداری زیست محیطی

حسابداری محیط زیست کاربردهای متفاوتی دارد که از جمله می‌توان حسابداری درآمد ملی، حسابداری مالی یا حسابداری مدیریت را نام برد. حسابداری درآمد ملی از دیدگاه اقتصاد ملی به منابع و مصارف طبیعی نگاه می‌کند، حسابداری مالی از نگاه استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی به جهت تصمیم‌گیری و ارائه‌ی مسئولیت‌های عمومی به موضوع می‌پردازد و بالاخره حسابداری مدیریت به عنوان یک سیستم اطلاعاتی با هدف پشتیبانی تصمیمات مدیریتی به موضوع می‌نگرد.

به جهت حساسیت موضوع محیط زیست چه به عنوان یک الزام برون سازمانی و چه درون سازمانی، حسابداری زیست محیطی به هزینه‌یابی فعالیت‌های زیست محیطی می‌پردازد. در این نوع حسابداری موضوع هزینه به جهت واقعی بودن آن و تاثیری که بر عملکرد اقتصادی بنگاه انتفاعی می‌گذارد بسیار حائز اهمیت می‌گردد. آثار هزینه‌های زیست محیطی در فعالیت اقتصادی زمانی قابل توجه خواهد بود که نکات مثبتی را برای عملکرد آتی بنگاه انتفاعی به همراه داشته باشد.

حسابداری مدیریت به عنوان سیستمی که پشتیبان تصمیم است در برخورد با هزینه‌های واقعی متحمله توسط بنگاه تجاری به ناچار هزینه‌های زیست محیطی را از سایر هزینه‌ها تفکیک می‌کند و با نگاهی متفاوت به ارائه‌ی اطلاعات مالی در این خصوص می‌پردازد. مدیریت هزینه از یک سو با عوامل خارجی و از سوی دیگر با عوامل داخلی بنگاه اقتصادی درگیر است. اگر عامل خارجی را رضایت‌مندی مشتری تلقی کنیم، آنگاه کاهش هزینه از طریق

پیکنده ی ۲ هدف گزارشگری زیست محیطی



سیستم اخبار و حسابداری اخبار آرک

آموزش نامحدود . سه ماه پشتیبانی . کارافتی مادام العمر

۹۱۲۶

شرکت آرک

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱

دفتر مرکزی: ۰۲۱۵۶۶۵۱۶

۰۲۱۵۰۱۸۳ - ۰۲۱۵۳۹۷۱

انتفاعی هزینه‌های فعالیت‌های زیست محیطی را بدون مقابله با منافع آن، تنها به عنوان اقلام هزینه‌ای منظور می‌کنند و در گزارشگری مالی به گونه‌ای موثر آنها را افشا نمی‌کنند. پیکره‌ی ۲، اهداف گزارشگری زیست محیطی را نشان می‌دهد.

افشای هزینه‌های زیست محیطی در راستای حفظ ثروت سهام‌داران موجب افزایش ارزش بنگاه انتفاعی می‌شود. اگرچه منافع این گونه هزینه‌ها قابل تقویم به ریال نیست، ولی در عین حال ایجاد تمایز در بنگاه انتفاعی به عنوان یک صنعت سبز را موجب می‌گردد و به‌رغم وجود مزیت‌ها در حفظ بازار رقابتی در میان صنایع مشابهی غیرسبز، از طریق ایجاد محبوبیت اجتماعی، آثار مفید و موثری بر قیمت سهام این‌گونه بنگاه‌ها در بازار بورس اوراق بهادار خواهد داشت، لذا گزارشگری زیست محیطی بانگاه دقیق‌تری باید مورد توجه مدیران واحدهای اقتصادی باشد، به ویژه واحدهایی که مخارج زیست محیطی را متحمل می‌شوند.

منابع

- 1- Kevin A. Kitzman, "Environmental Cost Accounting for Improved Environmental Decision Making". Pollution Engineering, December 2001, 20-29
- 2- A. J. Richardson, M. Welker, "Social Disclosur, Financial Disclosure and Cost of Equity Capital", Accounting Organizations and Society, 26(2001), 597-616
- 3- S. B. Hugnes et Al, "Corporate Environmental Disclosures: Are they useful in deternuning Environmental Performance?", Journal of Accounting and Public Policy, 20(2001), 217-240
- 4- Environmental Protection Agency, "An introduction to Environmental Accounting as a Business Management tool", Office of Pollution Preventionation and Toxics, Juin 1995

شناسایی عوامل آن با هدف حذف فعالیت‌های بدون ارزش افزوده مواجه است و طیف این عوامل از طراحی محصول تا خدمات پس از فروش را شامل می‌گردد. در حالی که اگر عامل خارجی، رضایت‌مندی زیست محیطی باشد، آنگاه کاهش هزینه از طریق شناسایی عوامل آن با هدف حذف فعالیت‌های بدون ارزش اقتصادی مشکل خواهد شد. به عبارتی هزینه‌های زیست محیطی گاهی بدون ارزش افزوده قابل تقویم‌اند و بنگاه اقتصادی بنا به این محدودیت تمایلی به حذف فعالیت‌های زیست محیطی ندارد. لیکن کنترل و کاهش هزینه‌ی این گونه فعالیت‌ها را برنامه‌ریزی می‌کند و این به آن معنا است که مدیریت هزینه‌های زیست محیطی باهدف رضایت‌مندی زیست محیطی عملی است و برای انجام آن ناگزیر به تفکیک هزینه و انتخاب شاخص‌های مناسب هستند. پیکره‌ی ۱، مدیریت هزینه‌های زیست محیطی و تولیدی را نشان می‌دهد.

با این که حسابداری زیست محیطی از یک سو گزارشگری زیست محیطی را نیز در بر دارد و از سوی دیگر عملکرد زیست محیطی از دید استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی حائز اهمیت است، اما اهداف گزارشگری عملکرد اقتصادی با اهداف گزارشگری زیست محیطی کاملاً انطباق ندارد، لذا به جهت محدودیت موجود در علائق استفاده‌کنندگان، نیاز به الزامات گزارشگری ویژه احساس می‌گردد. از آن جهت که بنگاه‌های انتفاعی مخارجی را تحت موضوع محیط زیست متحمل می‌شوند، لذا ارائه‌ی یک تصویر از عملکرد زیست محیطی که حاوی منافع حاصل از تحمل هزینه‌های مزبور باشد، با توجه به ساختار موجود حسابداری، دشوار است، به این جهت بسیاری از بنگاه‌های

شماره ۱۰، فصلنامه علمی-پژوهشی، بهار ۱۳۸۲

آبان ۱۳۸۲	اسفند ۱۳۸۱	آبان ۱۳۸۱	
۰/۸	۲۲/۱	۹/۶	منابع
۲۲/۸	۷۱/۷	۷۲/۹	خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی
-۱۲/۰	۲۲/۸	-۱۷/۵	خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی
-۰/۱	۱۲/۶	۶/۷	مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها
-۱۰/۰	-۹۲/۹	-۵۲/۵	سایر بدهی‌ها و حساب سرمایه بانک مرکزی

نقدینگی بر حسب عوامل تعیین کننده آن

مانده در پایان (میلیارد ریال)			
درصد تغییر	آبان ۱۳۸۲	اسفند ۱۳۸۱	
۰/۸	۱۲۰۶۲۰/۳	۱۱۹۶۱۵/۹	پایه پولی
۱۳/۶	۳/۹۶۶	۲/۴۹۱	ضریب فزاینده نقدینگی
۱۴/۶	۳۷۸۲۲۶/۳	۳۱۷۵۲۳/۰	نقدینگی (میلیارد ریال)

در سایر کشورها، نهادهای مذکور همراه با بازرسان بانک مرکزی یا وزارت دارایی، عملکرد بانک‌ها را زیر نظر دارند و به‌وسیله‌ی نظام "CAMEL" آنها را ارزیابی می‌کنند. چنانچه نتیجه‌ی ارزیابی مثبت باشد، نرخ بیمه‌ی سپرده‌های آن بانک محدودتر خواهد بود.

۱- مشخص کردن نقش، مسئولیت‌ها و اهداف بانک‌های مرکزی در اجرای سیاست پولی.

۲- افشای فرایند تصمیم‌گیری در باره‌ی سیاست پولی.

۳- دسترسی عمومی به اطلاعات سیاست پولی از طریق نشریات.

۴- پاسخ‌گویی و تضمین صحت فعالیت‌های بانک مرکزی.

تاسیس بانک‌های جدید، نیازمند ایجاد تغییر در برخی از مفاد قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا است. هم‌چنین پیش‌بینی مفاد قانونی جدید در قانون تجارت کشور (از قبیل قوانین مربوط به ورشکستگی) روند خصوصی‌سازی را سرعت می‌بخشد. موارد مربوط به بیمه‌ی سپرده‌ها در ماده‌ی ۸ قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌صورت ضمنی و نامحدود^۸ می‌باشد. به این صورت که بانک‌ها استرداد اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا به‌هزینه‌ی خود بیمه می‌کنند. امروزه سیستم بیمه‌ی سپرده‌ها در اکثر کشورها به‌صورت صریح و محدود^۹ است که توسط یک نهاد جداگانه انجام می‌پذیرد و تاسیس آن پس از وقوع بحران بانکی در کشورهای مورد بحث صورت گرفته‌است. لذا تاسیس نهاد بیمه‌ی سپرده‌ها در کشور ما قبل از شروع مراحل تجدید ساختار ضروری است و می‌تواند تا حدود زیادی از وقوع بحران جلوگیری نماید.

بانک مرکزی نیازمند ارائه‌ی یک چارچوب برای کنترل نقدینگی است تا از سازگاری میان ابزارها و اهداف سیاست‌گذاری مطمئن گردد. لذا معیارهای زمان بندی و میزان دخالت در بازار باید مدنظر قرار گیرند.

گفتنی است که عامل زمان نقش مهمی در اثر بخشی سیاست پولی ایفا می‌نماید. طولانی شدن فرایند سیاست‌گذاری پولی سبب می‌شود که تاخیر داخلی^{۱۱} سیاست پولی افزایش یابد و سیاست مورد نظر تاثیر لازم را در اقتصاد برجای نگذارد. تا قبل از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، سیاست‌های پولی پس از تنظیم توسط بانک مرکزی، در شورای پول و اعتبار مطرح و در صورت تصویب به مرحله‌ی اجرا گذارده می‌شد. لیکن پس از اجرای قانون مذکور، فرایند تصمیم‌گیری در این زمینه طولانی‌تر شده است.

● خصوصی سازی تدریجی بانک‌های دولتی

برای اجرای عملیات بازار باز که از جمله ابزارهای مهم سیاست پولی محسوب می‌شود، یک پارچگی بازار از ضروریات است و بانک مرکزی می‌تواند نقش فعالی در این زمینه ایفا نماید. برای دستیابی به این مهم، بانک مرکزی باید ابزارهای پولی مبتنی بر نظام بازار را ارزیابی کند و نقاط قوت و ضعف آنها را دریابد.

برای افزایش همکاری میان دولت و بانک مرکزی، شناسایی اختلافات بالقوه میان اهداف سیاست پولی و سیاست مالی ضروری است. حل این اختلافات می‌تواند باعث تامین اهداف کلان پولی گردد. بنابراین تلاش بانک مرکزی باید بر پذیرش ابزارهای مبتنی بر بازار و تعمیم بازار ثانویه معطوف شود. این امر به نوبه‌ی خود باعث ایجاد نظم اقتصادی در دولت نیز خواهد شد.

وجود دارایی‌های با کیفیت پایین و عدم توجه به مدیریت ریسک سبب می‌شوند تا بانک‌ها نه تنها قادر به پاسخگویی به تغییرات حاصل در وضعیت ذخایر خود نشوند، بلکه قابلیت پاسخگویی به علائم فعالیت‌های بانک مرکزی جهت کنترل نقدینگی را نیز نداشته باشند.

ایجاد رقابت میان بانک‌ها از طریق اقداماتی که از پی می‌آید از دیگر عواملی است که باعث افزایش کارایی ابزارهای سیاست پولی می‌شود.

● ایجاد تسهیلات ورود به فعالیت‌های بانکی برای بخش خصوصی

● کاهش مقررات و بخش‌نامه‌های مختلف

● صدور مجوز برای فعالیت بانک‌های خارجی

هنگامی که نظام پولی و مالی یک کشور در شرایط متزلزلی باشد، استفاده از بعضی ابزارها در مقایسه با سایر ابزارها می‌تواند در اولویت قرار گیرد. برای مثال استفاده از حراج اوراق بهادار دولت برای کاهش مازاد نقدینگی مناسب‌تر از افزایش سپرده‌ی قانونی است. مخصوصاً زمانی که به این ابزار (سپرده قانونی) در نظام بانکداری اسلامی سود و جایزه‌ای هم تعلق نمی‌گیرد. شناسایی و معرفی ابزارهای پولی غیرمستقیم جدید نیز باید مدنظر قرار گیرند.

مؤسسات مالی باید در برابر ریسک‌های مختلف حمایت شوند. سازوکارهای مناسب اجرایی در این زمینه استفاده از استانداردهای کفایت سرمایه، دستورالعمل وام‌های مشکوک الوصول و معیارهای ارزیابی وثایق هستند. ضمناً بانک مرکزی باید مؤسسات مالی را به ارائه‌ی گزارش‌های شفاف مالی ترغیب نماید. این امر باعث می‌شود تا فرصت ارزیابی اعتبار این مؤسسات برای جامعه فراهم شود. تجربه‌ی کشورهای که به آزادسازی مالی پرداخته‌اند نمایانگر آن است که فقدان شفافیت مالی، سبب ناتوانی این مؤسسات در برابر ایفای تعهدات می‌گردد. بانک مرکزی باید از فعالیت مؤسسات اعتباری غیرمجاز جلوگیری نماید.

تجدید سرمایه و تجدید ساختار بانک‌های ایران یک فرایند طولانی است که دخالت کافی مقامات پولی کشور را طلب می‌کند و باید با اعمال مدیریت احتیاطی

آموزش نامحدود . سه ماه پشتیبانی . کارآختی مادام العمر

سیستم حسابداری مالی آرک

ARCA

شرکت آرک

آدرس: تهران، خیابان کهنان، پلاک ۱۰
تلفن: ۲۲۵۳۳۹۷۱ - ۲۲۵۳۳۹۷۲
۲۲۵۳۳۹۷۱ - ۲۲۵۳۳۹۷۱

۶- طبق معیارهای جدید کمیته‌ی بال برای محاسبه‌ی کفایت سرمایه‌ی بانک‌ها از نتایج رتبه‌بندی موسسات معتبر برای تعیین اوزان ریسک از جمله دارایی‌ها استفاده می‌شود. بین‌المللی Fitch و Mody's, Standard and Poors موسسات رتبه‌بندی معتبر در سطح بازارهای پولی و مالی می‌باشند.

۷- بازرسان باید تلاش نمایند برای پیش‌بینی حوادث و زیان‌های احتمالی آینده، نقاط ضعف هریانک از قبل شناسایی گردد.

8- Implicit and Unlimited.

9- Explicit and Limited.

۱۰- در اکثر کشورها، از روش رتبه‌بندی مرکب یا CAMEL Test برای درجه‌بندی بانک‌ها استفاده می‌شود. این درجه‌بندی نه تنها نمایانگر شاخصی از سلامت مالی یک بانک است بلکه جنبه‌های غیرمالی (مانند مدیریت) را نیز در نظر دارد. این روش مجموعه‌ای است از کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، مدیریت، دریافتی‌ها و نقدینگی. بازرسان برای هریک از این عوامل رتبه‌ای را در نظر می‌گیرند و هرکدام از رتبه‌ها وجود و اهمیت مشکلات در هریک از پنج بخش را نشان می‌دهد. عملکرد قوی، مطلوب، متوسط، ضعیف و نامطلوب به ترتیب با رتبه‌ی یک الی پنج مشخص می‌شود. اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی CAMEL عبارتند از:

C = Capital Adequacy.

A = Asset Qualification.

M = Management

E = Earnings

L = Liquidity

در کشور آمریکا، بازرسان فدرال رزرو و موسسه‌ی بیمه‌ی فدرال (FDIC) از روش فوق استفاده می‌نمایند.

11- Inside Lag.

۱- قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹.
۲- قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱.
۳- قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲.
۴- خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۸۱.
۵- گزارش تحولات پولی و اعتباری کشور در ۸ ماهه سال ۱۳۸۲.

6 - Downs, Patric; Evolving Role of Central Banks, IMF, 1990.

7 - Central Baking in Democracy, Federal Reserve Bank of New York, 1996.

8 - V. Sundararajan: Recapitalizing and Restructuring the Banks, IMF, 1999.

۷- حذف الزام پیمان سپاری ارزی از مراحل صادرات غیرنفتی

۸- کاهش تعدد نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات

۹- تقویت امور نظارتی بانک

۱۰- اصلاحات در نظام پرداخت‌ها

۱۱- اصلاح و تقویت در مدیریت ذخایر ارزی و بدهی‌های خارجی کشور

۱۲- یکسان سازی نرخ ارز

۱۳- انتشار اوراق قرضه‌ی ارزی با هدف حضور در بازارهای مالی جهانی

۱۴- انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی به‌عنوان ابزار غیرمستقیم کنترل رشد نقدینگی

۱۵- صدور مجوز فعالیت بیمه‌های خصوصی در راستای آزادسازی بخش مالی اقتصادی

۱۶- تشکیل بورس منطقه‌ای و تفکیک تالار بورس اوراق بهادار تهران به تالارهای اصلی و فرعی

* این مقاله در همایش حسابداری و توسعه‌ی بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۸۲ برگزار شد ارائه گردید.

همراه باشد. این اقدامات باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که به برقراری اعتماد عمومی به شبکه‌ی بانکی کشور نیز منجر شود. قبل از شروع فرایند تجدید ساختار، توجه به چالش‌های فراروی نظام بانکی بسیار ضروری می‌باشد. این چالش‌ها عبارتند از تقویت نظام نظارت بانک مرکزی، به‌کارگیری استانداردهای شفافیت، تدوین چارچوب بهینه‌ی سیاست‌های پولی و بانکداری مرکزی، و بازننگری در قوانین پولی و بانکی. پایان دادن به سیاست‌های تکلیفی و تسویه‌ی بدهی‌های دولت به نظام بانکی به برقراری نظم مالی کمک فراوانی می‌نماید. تقویت بازار سرمایه و افزایش سهم این بازار در تامین مالی طرح‌ها باعث می‌شود تا گذر از سیستم تامین مالی پایه‌ی بانکی به نظام تامین مالی پایه‌ی سرمایه به سهولت بیش‌تری صورت پذیرد و اعطای تسهیلات بانک‌ها با دقت نظر بیشتری انجام گیرد. این اقدام کاهش مطالبات معوق بانک‌ها و نهایتاً شفاف‌سازی صورت‌های مالی آنها را نیز به دنبال خواهد داشت.

ضمیمه‌ی شماره ۱

● در سال‌های اخیر تاکید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر کنترل اجزاء نقدینگی استوار بوده است. در قالب دو جدول آماری زیر متغیرهای مهم پولی که در فرایند سیاست‌گذاری پولی کوتاه‌مدت مورد ملاحظه قرار می‌گیرند، ارائه شده است:

ضمیمه‌ی شماره ۲

برنامه‌ی سوم توسعه:

۱- تشکیل حساب ذخیره ارزی

۲- کاهش تسهیلات تکلیفی

۳- ایجاد بانک‌های خصوصی

۴- افزایش سرمایه بانک‌ها

۵- کاهش نرخ سپرده قانونی

۶- حذف پیش پرداخت اعتبارات اسنادی